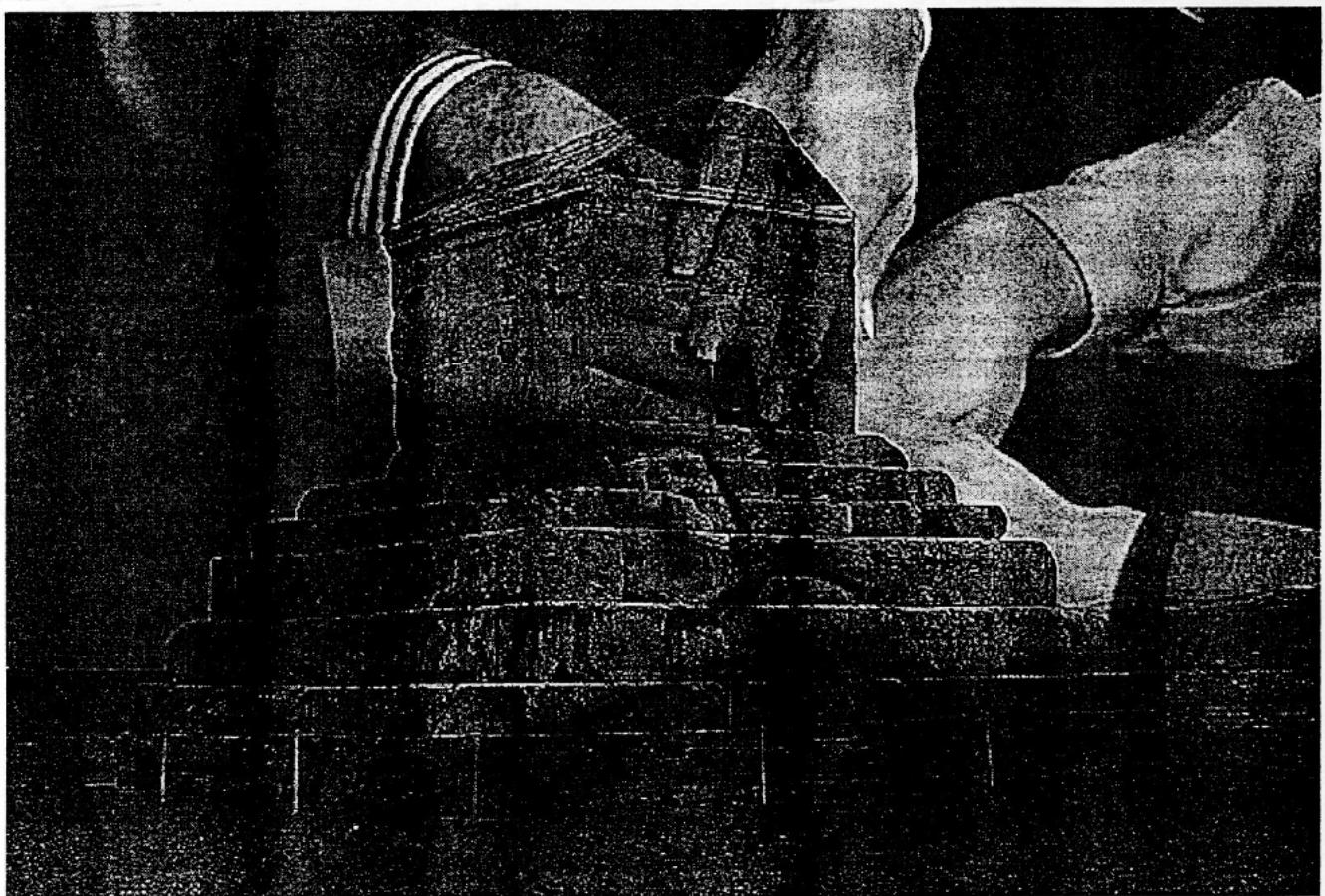
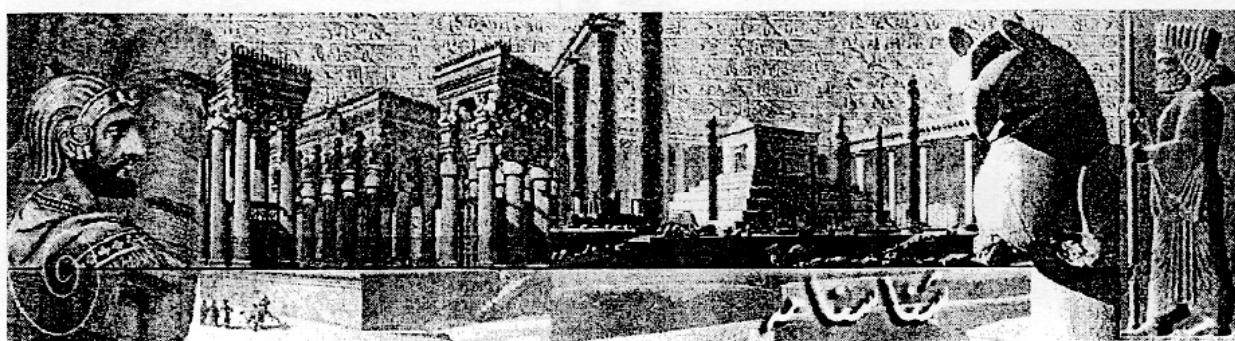


نگه داشت یادمانهای باستانی، وظیفه ای ملی

سومین ویژه نامه‌ی پایگاه اطلاع رسانی برای نجات یادگارهای باستانی
(دشت پاسارگاد)





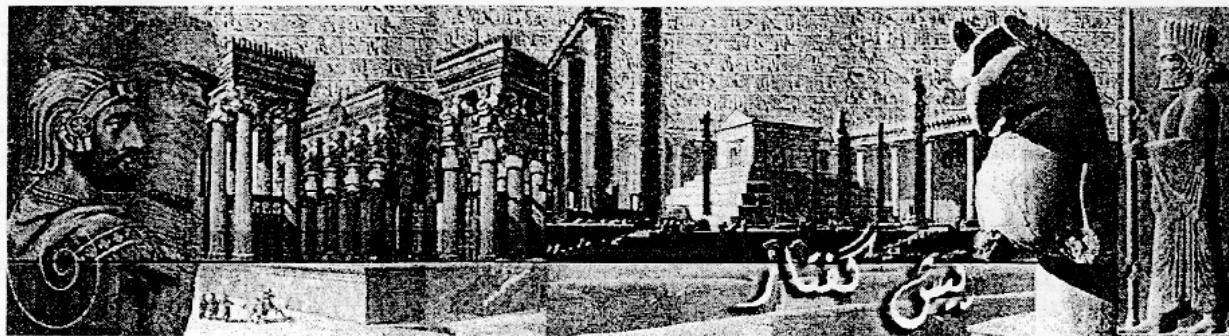
پایگاه اطلاع رسانی برای نجات یادمانهای باستانی

فهرست

<p>۱ پیش گفتار</p> <p>۲ ○ هاکسیتم</p> <p>۳ ○ انجمان های هم پیمان</p> <p>۴ ○ مقاله</p> <p>۵ ○ بروندۀ سد سیوند و نیاز به عزمی طی</p> <p>۶ ○ نجات بخشی سد ۱۲۰۰ ساله هرمز ساسانی در رامهرمز خوزستان</p> <p>۷ ○ میراث فرهنگی، قدرتمند همانند نیروی هسته ای تاریکار نویسان و معنل سد سیوند</p> <p>۸ ○ منشور حقوق بشر کورش بزرگ، بروگه ای زرین از جهش تکاملی پژوهی</p> <p>۹ ○ ایران، اسلام و تکه داشت یادمانهای باستانی</p> <p>۱۰ ○ گزارشی از نشست دنکه داشت یادمانهای باستانی، عزم ملی</p> <p>۱۱ ○ برای باقی ماندن، باید تاریخ و میراث فرهنگی مان را بشناسیم</p> <p>۱۲ ○ آبگیری سد را باید متوقف کرد تا همه‌ی کارها تا آخر تمام شود، شاید ۱۰ سال زمان ببرد</p> <p>۱۳ ○ نامه‌ی «پایگاه اطلاع رسانی برای نجات یادمانهای باستانی» به ریاست جمهوری</p>	<p>(دشت پاسارگاد)</p> <p>ویژه نامه تکه داشت یادمانهای باستانی؛ وظیفه ای ملی</p> <p>اردیبهشت ۱۳۸۵</p> <p>زیر نظر هم و ندان، پایگاه: ارشیا شتری</p> <p>اکبر نعمتی</p> <p>سارا عربی</p> <p>علیرضا افشاری</p> <p>کاوش ساعی</p> <p>کاوه متین</p> <p>لیلا صمدی</p> <p>محبوبه مظاہری</p> <p>محسن قاسمی شاد</p> <p>ارزوک انصاری</p> <p>پیزاد فرهانی</p> <p>محمد مهدی میر کریمی</p> <p>شاهد و هایی</p> <p>صفحة آرایی و طرح روی جلد: کاوش ساعی</p> <p>با تشکر از همکاری:</p> <p>کانون ایران‌شناسی و گردشگری دانشگاه علم و صنعت ایران</p> <p>فرهنگستان تولید علم دانشگاه علم و صنعت ایران</p>
--	--

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵ - ۵۹۹۶

Dostdar_e_iran@yahoo.com



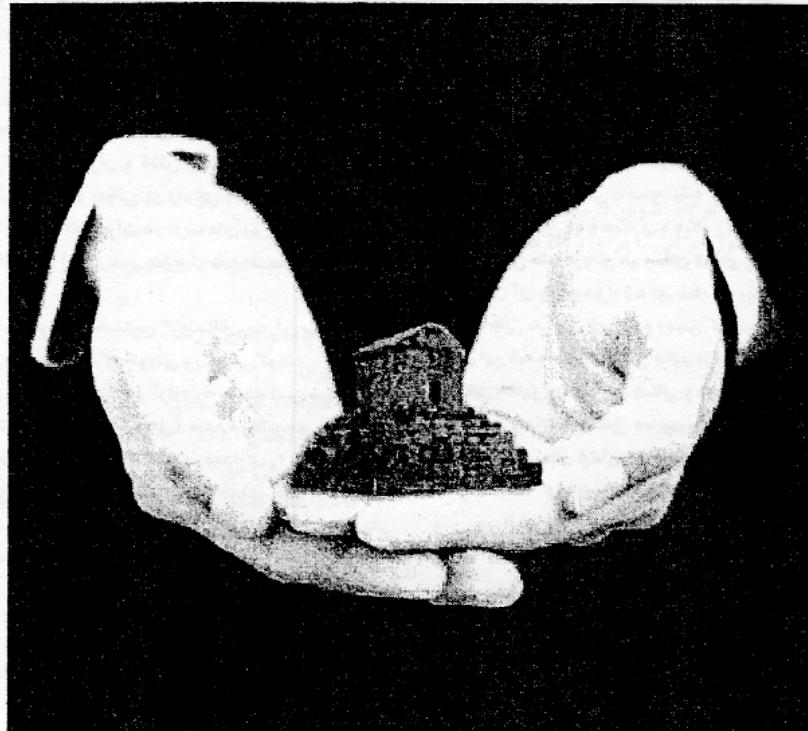
زیان های سد سیوند بیش از مزایای آن است

آگاهید که سد سیوند در شمال شهر شیراز و درون تکه‌ی بلاغی، میان دو دشت مرغاب (پاسارگاد) و مرودشت، مراحل پایانی ساخت خود را می‌گذراند.

تکه‌ی بلاغی به دلیل عبور عناصر و مسیر کاروان‌رو تاریخی و جاده‌ی شاهی - معروف‌ترین و کهن‌ترین جاده‌ی بین‌المللی جهان - و آثار بسیار ارزشمندی چون سکونت‌گاه‌های انسان‌های دوره‌ی پارینه‌ستی، بقایای دهکده‌ها، کوره‌های ذوب فلز و کوره‌های ۷۵۰ ساله سفالکری، کارگاه‌های فرآوری غذا، سازه‌های آبی و دفاعی، گورهای باستانی، ... با پیشنهادی به «کتره‌ی ۱۰ هزار سال، از اهمت بدزایی در بررسی و شناخت تاریخ و فرهنگ ما برخوردار است که آبگیری آن سد می‌تواند همه‌ی این آثار را به زیر غبار فراموشی و ناید غایبی ببرد. هم‌چنین رطوبت ناشی از دریاچه‌ی بنت بد در دزامدت بر زیست‌بوم منطقه‌ی تأثیر گذاشته و با پذید آوردن و روشن نمودن مخرب بر روی سازه‌های دشت پاسارگاد، بد ویژه آرامگاه کوروش بزرگ (نماد جهانی ادج گزاری به حقوق بشر)، اثرات ویران‌گری بر این یادمان‌های گران‌قدر خواهد داشت.

از این‌رو پاییاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی (دشت پاسارگاد) که بازتاب‌دهنده‌ی نظر نهایندگان گروهی از انجمن‌های غیردولتی است و نزدیک به هشت ماه پیش با گردآوری همه‌ی آگاهی‌ها بیرامون سد سیوند و تکه‌ی بلاغی، گفت‌وگو با کارشناسان - جه موقوف و جه مخالف راه‌اندازی سد سیوند - و در راستای اطلاع‌رسانی شفاف بیرامون این قضیه کار خود را آغاز کرده، خواهان آن است که کار ادامه‌ی ساخت سد سیوند قوام‌توقف شود تا مطالعات جامع و دقیق کارشناسی انجام گردد که اگر در نتیجه‌ی آن مطالعات، آثار زیان‌بار سد قطعی نخیص داده شد نیاز نباشد همانند بخش‌هایی از برج جهان‌نما تخریب شود. از این وقفه می‌توان برای رفع هرگونه شبهه درباره‌ی آسیب دیدن آثار دشت پاسارگاد و استخراج کامل اطلاعات و مستندسازی آثار تکه‌ی بلاغی - برای شناخت بهتر تاریخ دیرینه‌سالمندان که در ایستادگی امروز ما در برابر فرهنگ‌های مهاجم نقشی به سرا دارد - بهره جست.

با امضای خود برای پایانه‌ی «توقف ساخت سد سیوند» در تاریخ www.sivand.com به جشن ملی نجات یادمان‌های باستانی بیرونید.



ما کیستیم؟

باخ ما به این پرسش شاید بینایی ترین پخش در هستی گروه ما باشد چرا که نخستین شناخت شما از ما در آن نهفته است.

تا چندی پیش هر کدام از ما ایران دوستان نهایی بودیم که شناخت اندکمان از این فرهنگ گستردگی، یعنای ای شده بود برای بارگردانی زندگیمان: می خواندیم، می نوشتیم، در جمیع کوچک دوستان از باورهایمان دفاع می کردیم، گاه از اوضاع زمانه گله ای می کردیم و... ولی هرچه بود سر در لات خود داشتیم... تا آن که آن خبر شوم را نشیدیم.

باورمان نمی شد. مگر امکان داشت مردمانی با تاریخ خوبی این چنین سر دشمنی در بیش گیرند، آن هم در روزگاری که جهانیان و برخی گذشته ای آشناست گرانه و بیدادور زانه شان را گرامی می دارند و در بر بال دادن به آن می کوشند؟! مگر می شد با دستان خود نه با

مشعل استکندر یا شمشیر سعد ای و قاص - مرده ریگ نیاکان خرمدمندان را نماد پرستی فرهنگ و شهرآیینی خوبی را نابود کنیم؟! مگر ما فرزندان همان هایی نیستیم که با بوسی و گوشتش خون خود، فرهنگ انسانی چند هزار ساله مان را تکاه داشتند و آثار آن را هر چند با نامهایی دگرگون شده و بیگانه نماینداری نمودند؟ آن هم برای ما.

بس فریاد برداشیم که: «بادمان های باستانی مان را پاس بداریم». و صد البته آن فریادهای ناهماهنه که در میان انبوهای سامانی های زندگی روازه گیر شد... ولی ما، پیدا شدیم. یکدیگر را بافیم و در شکفت ماندیم از بودن این همه بار هم اندیش. آن گاه گرد هم آمدیم تا این پار «درد منترک» را نه فریاد، بلکه با آرامشی برخاسته از توان مان، آگاهانه و خردورزانه عنوان کنیم و به پشت گرمی همه شما «دل به ایران برد اخثان» به پاسخ برسیم. پس همراه مان باشید.

میناق اخلاقی ما:

- ۱- ایران و ایرانی دوستی.
- ۲- رعایت قانون های رسمی کشور و عرف جامعه ایرانی.
- ۳- نیکی در اندیشه، گفتار و کردار.
- ۴- بزرگ داشت تجربه و دانش.
- ۵- راستی، فلتم، کار گروهی.
- ۶- نقدی و نقدپذیری و پذیرش اصل برخورد آزاد راستای رسیدن به همدلی بیش تو.
- ۷- طریق هر گونه سودجویی فردی.



پایگاه اطلاع رسانی برای نجات بادمان های باستانی

پایگاه اطلاع رسانی برای نجات بادمان های باستانی (دشت پاسارگاد)، نزدیک به هشت ماه پیش (شهریور ۱۳۸۴) بر دست نی چند از جوانان پیگیر نجات آثار تنگه بالغی و دشت پاسارگاد و با گردآوری همهی آگاهی های بیامون سد سیوند و تنگی بلاغی، گفت و گتو با کارشناسان، چه موافق و چه مخالف راه آندازی سد سیوند و در راستای اطلاع رسانی شفاف پیامون این قضیه و موردهای مشابه - که مسافت بسیار زیاد شده است - کار خود را آغاز کرد.

هم تین کوشش های پایگاه تا کنون میاوت بوده اند از:

۱- سفر به تخت جمشید و پاسارگاد در آبان ماه به مدیریت مشورای هماهنگی اجمعن های ملی ایران. این بازدید علمی - اغراضی به صدور یافته ای انجامید که تا کنون نزدیک به ۲۰۰ اجمعن آن وا ناید کرده اند و بر همین پایه به مکاری پایگاه پرداخته اند (من یافته را می توانید در بخش درخواست ها و تام اجمعن ها در برش هم بیامان تارنیای پایگاه بییند).

۲- فرستادن آن یافته به هر راه تامه ای خطاب به ریس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری که از آنها رونوشت هایی هم برای وزیر نیرو و ریس کمیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی ارسال شد و پیگیری این نامه ها (من یافته را می توانید در بخش درخواست های تارنیای پایگاه بییند).

۳- پایانی همایش «بادمان های باستانی و هویت ملی» در داشتگاه تهران. استادان دکتر رضا مرادی غیاث آبادی و دکتر شهر تمیل همایون سخنران این همایش بودند (گزارش این همایش را می توانید در بخش گزارش های تارنیای پایگاه بییند).

۴- فرستادن نامه ای به ریس جمهور (دقتر رسیدگی به شکایت های مردمی) در ادامه خواست های پیشین، پس از این که از گرفتن پاسخ از سوی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری توعید شدیم، و پیگیری آن نامه (من یافته را می توانید در بخش درخواست های تارنیای پایگاه بییند).

۵- پایانی هیز گرد «پایداری از بادمان های باستانی، وظیفه ای ملی» در داشتگاه تهران. در این هیز گرد ریس سازمان آب منطقه ای استان فارس، ویس پژوهشکده استان شناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، معاونت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری که ویس پژوهشکاه آن سازمان هم هستند (دکتر طه هاشمی) و استادان دکتر بروزی و رجاوند و دکتر محمدعلی دادخواه حضور داشتند (گزارش این همایش را می توانید در بخش گزارش های تارنیای پایگاه بییند).

۶- راه آندازی تارنیای پایگاه در استفاده از با قرار گرفتن یافته بر روی آن، گردآوری امضا افراد حقیقی آغاز شد.

و این حرکت ها باری و هم اندیشی شما ادامه خواهد داشت.

مرا م تامهی ما:

۱- در نظر داشتن حوزه فرهنگی ایران (= ایران زمین - ایران شهر - حوزه هایی برای جشن نوروز) در همه ای امور، با تأکید به ضرورت حفظ تمامیت ارضی و استقلال ایران و محوریت منافع ملی.

۲- برایر داشتن همه ای ایرانیان از نظر برهه مندی از حقوق مادی و معنوی، در عین اعتقاد به حقوق تاریخی تیره های جدا افتداده ملت ایران برای یگانگی.

۳- اعتقاد به ضرورت باز باورهای ای از خشونت در ابعاد ملی، منطقه ای و جهانی در راستای منافع ملت ایران و به منظور تحقیق و حفظ «وحدت ملی» و احیای جایگاه ایران در عرصه های بین المللی.

۴- احترام به تاریخ ایران و بیورگان سازنده ای آن در عین پذیرش نقد منصفانه در راستای ساخت آینده.

۵- دفاع از میناق جهانی حقوق ستر که ایران از نخستین گروندگان به آن بود، چونان هزاردها که همیشه پاسدار داد و داشت بودیم. آن جا که کشور بزرگ می گوید: «... سپاه بزرگ من به آرامی وارد بابل شد. تذکر ششم بزمیان (حاکم بابل)، مردم درماندی بابل را به برد گزی کشانده بود. کاری که شایسته ای آنان قبود. من برد هزاری را برداختم. به بدیختی های آنان پایان دادم. فرمان دادم که همهی مردم در نیاش خدای خود آزاد باشد و آن را نیازارند. فرمان دادم که هیچ کس باشندگان شهر را آز هستی نیندازد... همهی مردمانی را که برآکنده و آواره شده بودند به جایگاه های خود برسکرداند. خانه های ویران آنان را آباد کردم...».

پس با ما بخواهیم:

ای آفریدگار پاک، تو را سایش می کنیم و از تو باری می جویم برای پایداری و سرافرازی میهیں پر افتخار خود؛ برای پایندگی سرزمینی که نخستین جایگاه شناسایی تو و گهواره بیرون از آزادگان توست؛ و برای کامیابی ملت بزرگوارم و همهی آنانی که وفادار به تو و راه راستی بوده اند.

نیاش می کنم تو را، ای تکه دار هر ز و بوم ایران شهر، پایدار ساز سرزمینی نیاکان مرا؛ سرزمینی که نور دانش و بیش بر جهان پاشید؛ سرایی که خانه های نیاکان، خوشان و دوستان من است.

انجمن های هم پیمان

موسسه کاوه آهنگر

شهر: همدان

زمینه فعالیت: اجتماعی - فرهنگی (تاریخ و فرهنگ ایران)

سال تأسیس: ۱۳۸۰

دیر: مهرنوش نجفی

ارتباط: رایانه (دیر): mehr1979@msn.com

آدرس: همدان صندوق پستی ۱۱۱۶

رسانه: تاریکار (دیر): nogtehsarekhate.blogspot.com

کانون ایرانشناسی پاسارگاد

شهر: تهران

زمینه فعالیت: ایرانشناسی

دیر: مریم حسینی

ارتباط:

رایانه (انجمن): pasargodassembly@yahoo.com

انجمن پژواک نو

شهر: تهران

زمینه فعالیت: هنری (تاتر - فیلم)

سال تأسیس: ۱۳۷۶

دیر: آذر خزاعی سرچشم

رسانه: ماهنامه داخلی پژواک

فعالیتها:

تهیه چندین فیلم کوتاه و نمایش برگزاری چندین سفر و همایش

کانون جوانان پارس

شهر: شیراز

زمینه فعالیت: حقوق بشر - توانمند سازی - فرهنگ

سال تأسیس: ۱۳۷۶

دیر: روحان طلبی نژاد

ارتباط: رایانه (انجمن): k.j.pars@gmail.com

روjabooker@yahoo.com

فعالیتها:

آموزشای فرهنگی هنری، نشایاه ادبی، هنری و غیره، کمک به بیم، برنامه های سینما و

تاتر

توضیحات: اولین ngo استان فارس

کانون پرستوهای آزاد

شهر: تهران

زمینه فعالیت: فرهنگ سیاسی

سال تأسیس: ۱۳۸۰

دیر: حسن نعمی جو

ارتباط: رایانه (انجمن): kanoonparastooohayeazad@yahoo.com

رایانه (دیر): hxn222@yahoo.com

کانون پارس فرهنگ

شهر: علی گودرز

زمینه فعالیت: فرهنگی - هنری (با تاکید بر مسیل میراث فرهنگی و جهانگردی)

سال تأسیس: ۱۳۷۶

دیر: محسن آبری

ارتباط: رایانه (انجمن): parsfarhang83@yahoo.com

رسانه: مجله پارس پیام

فعالیتها:

گردشگری

شرکت در برنامه ngo تاریخی شوستر همدان سندج سال ۸۴ - ۸۵

کانون گسترش فرهنگ ایران بزرگ

شهر: اصفهان

زمینه فعالیت: ایران شناسی

سال تأسیس: ۱۳۸۱

دیر: دکتر شاهین سپتا

ارتباط: رایانه (انجمن): greatirancenter@yahoo.com

رسانه (دیر): drshahinsepana@yahoo.com

صندوق پستی ۸۱۴۶۵-۱۷۷۱

رسانه: تاریکار (دیر): drshahinsepana.persianblog.com

جمعیت سیندار مردان

شهر: زنجیر

زمینه فعالیت: میراث فرهنگی و گردشگری

سال تأسیس: ۱۳۸۱

دیر: حبده سلیمانی

ارتباط:

رایانه (انجمن): sepandarmand@hotmail.com

رسانه: گاه نامه سیندار مردان

فعالیتها:

فعالیت خود را بر روی ثبت آثار شهری معطوف داشته است و موفق شده تا کنون ۶ مورد

از آثار شهری را به ثبت ملی بر رساند و در حال ثبت ۱۰ اثر دیگر می باشد

کانون خورشید

شهر: تهران

زمینه فعالیت: فرهنگی

سال تأسیس: ۱۳۷۸

دیر: شرون و کیلی

ارتباط: رایانه (دیر): sherwinvakili@yahoo.com

رسانه: احسان امینی متول روابط عمومی: e_amini_m@yahoo.com

رسانه: خبرنامه داخلی گفتار

تاریکار (کانون): Kanoon-khorshid.org

Soshians.net

Tarikar (dier): Sherwinvakili.com

فعالیتها:

تدوین و انتشار کتاب، برگزاری دوره های آموزشی و کارگاه، تدوین درسنامه ها و

راهنمایی های مطالعاتی، کمک به توامندسازی افراد معلول حرکتی، اجرای برنامه های

گردشگری

جمعیت حامیان زمین

شهر: تهران

زمینه فعالیت: آسیهای اجتماعی، زمین و محیط زیست

سال تأسیس: ۱۳۸۰

دیر: سید طهماسبیان

ارتباط: رایانه (دیر): ahmadhosein_azimi@gmail.com

فعالیتها:

برگزاری تورهای علمی - تربیحی راجع به محیط زیست

نشکل چندین سمینار علمی درباره محیط زیست برخوردار با آسیهای اجتماعی

کانون آریا

شهر: تهران

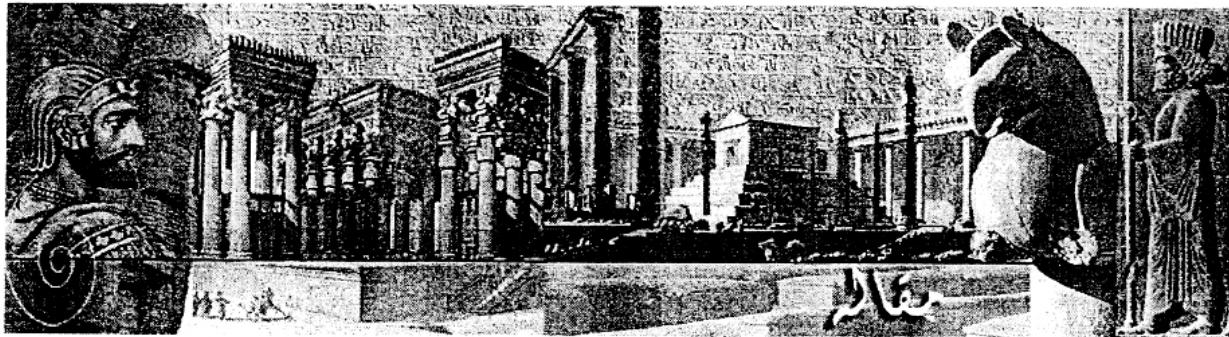
زمینه فعالیت: فرهنگی

سال تأسیس: ۱۳۸۲

دیر: امیر هوشمنگ امیدواری

ارتباط: رایانه (انجمن): anjomanearia@yahoo.com

<p>رسانه: مجله مهرنامه اهوا فعالیتها: تئکلیف کلاس‌های تاریخ ادبیات ، تاریخی ، آموزش خط میخی، آموزش خط اوسنایی سی نفر از اعضای این انجمن راهنمای تور در تخت جمشید هستند.</p>	<p>صدور بایانه تاریخی و زیست محیطی اجراهی همایش‌های ملی ماله شناسی، فرهنگ شهر وندی و سلامت اجراهی بر قاعده آموزشی اعضا مشارکت در بر قاعده سال گفتگوی تهدنا و هم‌اندیشی دانشجویی ملی به سال ۸۱ بازدید از ارگ ویران شده بهم و باعث شاده ماهان سال ۸۳</p>
<p>انجمن فرباد شهر: تبراز زمینه فعالیت: میراث فرهنگی سال تأسیس: مهر ۱۳۸۰ دیر: علی هاشمی ارتباط: رایانامه(دیر): ali1979h@yahoo.com Ali1979h@gmail.com Ali1979h@hotmail.com رسانه: فعالیتها: تاریخ: مهر ۸۴ ماهی یک سینهار داشتند.</p>	<p>انجمن افزار شهر: تهران زمینه فعالیت: فرهنگی - تاریخی سال تأسیس: ۱۳۸۰ دیر: سارا عزیزی ارتباط: رایانامه(دیر): saric60@yahoo.com afrazngo@yahoo.com رسانه: گاهنامه نامه افزار تاریخ: www.afraz.ir</p>
<p>کانون بارگاه مهر شهر: اصفهان زمینه فعالیت: تاریخ و فرهنگ ایران، میراث فرهنگی و گردشگری سال تأسیس: ۱۳۸۳ دیر: علی وضا روحانی ارتباط: رایانامه(دیر): alireza.rohani@gmail.com bargahemehr.ir رسانه: تاریخ: تاریخ ایران باستان</p>	<p>انجمن مثنوی پژوهان ایران شهر: اصفهان زمینه فعالیت: ادبی - فرهنگی - اجتماعی سال تأسیس: ۱۳۸۰ دیر: علی عربیان ارتباط: رایانامه(میرزا عربیان): mitra_arabian@masnavipazhuhan.com راسانه: نشریه نیستان مولوی تاریخ: masnavipazhuhan.com فعالیتها برگزاری چندین همایش راجح به مایل فرهنگی</p>
<p>جمعیت جنبش آریانها شهر: مرودشت زمینه فعالیت: تاریخ ایران باستان سال تأسیس: ۱۳۸۴ دیر: پریز بازوبندی ارتباط: رایانامه(دیر): babrazz@yahoo.com رایانامه(انجمن): gonbesh_ariaieyha@yahoo.com رسانه: فعالیتها: آموزش خطوط باستانی (میخی، پارسی باستان ، عیلامی، اوستانی، مانوی، یونانی، استخری، آرامی، پهلوی اشکانی، پهلوی ساسانی، یهودی) شناسی و نسب آثار گلگه مروdest (در حال اجرا) آموزش تاریخ باستان، آموزش موسیقی سنتی، شاهنامه خوانی ، حافظ شناسی، مستندسازی، احیای درختکاری و جنگل سازی</p>	<p>انجمن طبیعت یاران (جمعیت دوستداران محیط زیست) شهر: اصفهان زمینه فعالیت: حفاظت از محیط زیست - حمایت از صلح بادار و پاداری از ارزش‌های فرهنگی سال تأسیس: ۱۳۷۷ دیر: حمّت الله انتخابی ارتباط: رایانامه(دیر): pooya_entekhabi@yahoo.com راسانه: خبرنامه داخلی فعالیتها: برگزاری همایش تخصصی مترو (ییتهاد میر شمس آبادی به جای چهارباغ) برگزاری سه همایش تخصصی تحت عنوان: اصفهان و توسعه (توسعه شهری) ۷۸ یا ۷۹ زیسته دود ۸۰ توسعة فضای سبز شهری ۸۳ حفاظت از گل‌لای کاتولیکا و مدرسه فرانسوی</p>
<p>کانون ایرانشناسی و گردشگری دانشگاه علم و صنعت شهر: تهران زمینه فعالیت: مایل مربوط به هویت(باتمان شناسی، تاریخ، هنر، جامعه شناسی و...) سال تأسیس: ۱۳۸۲ دیر: محسن مهدی ارتباط: رایانامه(انجمن): hoviat_iran@yahoo.com فعالیتها: برگزاری همایش‌های فرهنگی در دانشگاه علم و صنعت.</p>	<p>انجمن وحدت جوانان ایران زمین شهر: اصفهان زمینه فعالیت: فرهنگی - اجتماعی - پژوهشی سال تأسیس: ۱۳۸۱ دیر: آقای دبیرزاده ارتباط: رایانامه(دیر): shahriar_dabir@yahoo.com راسانه: فعالیتها: موسیقی ، شعر، مباحث علمی- اجتماعی - فکری توضیحات: سال ۸۳ انجمن برتر کشور شده اند.</p>
<p>انجمن علمی باستان شناسی شهر: تهران زمینه فعالیت: باستان شناسی و ارتباطات میان رشته‌ای سال تأسیس: ۱۳۸۴ دیر: علی شجاعی اصفهانی ارتباط: رایانامه(دیر): shojaee83@gmail.com assocarch.ut.ac.ir رسانه: تاریخ: تاریخ: assocarch.ut.ac.ir فعالیتها: برگزاری جشنواره منتخب فیلم های باستان شناسی</p>	<p>انجمن اهورامش شهر: مرودشت زمینه فعالیت: تاریخی سال تأسیس: ۱۳۷۹ دیر: ساسان خروانی ارتباط: قارنما: ahoora_kaveh@yahoo.com</p>



پرونده سد سیوند و نیاز به عزمی ملی

علیرضا افشاری

دیبر «پایگاه اطلاع رسانی برای نجات بادمان های باستانی» (دشت پاسارگاد)

عکس ها از: محمد فلاح نیا

قرار است ساخته شود عمر مفیدی ترددیک به ۵۰ سال برای آن عنوان شده است، اما به دلیل این که این سد در مسیر سیلاب هاست و در نتیجه وسوب آن بالا خواهد بود، ممکن است عمر مفید آن بسیار کمتر شود.

سد دارای سه درجه زیورین، میانی و زبرین است که در ایران به علت عدم توانایی در رسوب گیری به سرعت درجه زیورین از سوددهی می افتد و بیشتر از دو درجه دیگر برای هدایت آب سد استفاده می شود.

خبرهای نخست؛ اشتباہ ولی شوک آور

داد و گرفت پیامکها (ایس ام اس ها) و نامه های الکترونیکی با موضوع جمهیر آب رفتنه آرامکاه کودش و «فروپاشی تدریجی تخت جمشید» در بی آبگیری کامل سد سیوند، هر چند از سویی باعث شد این ساله به دغدغه بباری از همینهان تبدل شود و حتی در رسانه های جهانی بازتاب یافتد ولی از سوی دیگر به سیوند ساخت سد و مقام های دولتی نیز این فرصت را داد تا در پاسخ گویی نتها بر این موضوع انگشت بگذارد که «پاسارگاد به زیر آب نمی رود»؛ باسخی به ظاهر فانع کننده که هنوز هم کم و بیش از سوی آنان ایرانی شود:

«سد سیوند با ارتفاع ۱۸۶/۵ متر از سطح دریا با بالاترین سیلاب متحمل که هر ۱۰ هزار سال ممکن است اتفاق بیند هم اگر سرزویز شود ۴۰ متر پایین نر از سطح بازار گاد است. به عبارتی دیگر طبق فاصله آخرین رقوم آب گیری، بالاترین تراز دریاچه تا بایه و بی پاسارگاد بیش از ۴۰ متر اختلاف دارد و بی پاسارگاد ۴۰ متر بالاتر از رقوم آب گیری سد سیوند است. سخنان

جالل جامی، معافون برنامه ریزی سازمان آب منطقه ای فارس و مجری طرح سیوند.

اخبار مربوط به غرق شدن پاسارگاد کذب محسن است و این اخبار ناشی از کوشش برخی افراد برای فرار دادن میراث فرهنگی در منافقات سیاسی است. اطلاعات انتشار از خارج ایران سرگرفت و شاید براکنان سعی داشتند با بحرانی جلوه دادن موضوع غرق پاسارگاد به نوعی از بستر سیاسی به وجود آمد به نفع خود و بیانی که در خدمت آن هستند، بهره ببرند».

سخنان سید محمد بهشتی، دیس - وقت - بزوشنگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری... ادعای را بدوی های بیکانه که طی روزهای اخیر تلاش می کردند آب گیری سد سیوند در استان فارس را تهدیدی برای آثار باستانی پاسارگاد و مقبره کوش و وامود کنند، بوج از آب در آمد. محمد حسین طالیان، مدیر باشگاه میراث فرهنگی پاسارگاد گفت: هیچ خطوط متوجه پاسارگاد و تخت جمشید نیست» از روزنامه جمهوری اسلامی.

در این مورد که خود سد، حتی بس از آب گیری کامل، آسیبی به آرامکاه کوش نمی زند

اکثر کارشناسان اتفاق نظر دارند (جنده متقد جدی راه اندیزی سد سیوند همچنان با دکر دلایلی که در خود برسی است بر این باورند که با آبگیری سد، آرامکاه کوش بزرگ را آب فرا خواهد گرفت)، اما دل تکرانی و اتفاق آنان به سه موضوع زیر بازمی کردد. هر چند بن

موضوع ریز و درست دیگر نیز هنوزی پاسخ نانده است:

(۱)

مشکل یکم به سمت بودن خاک منطقه برمی گردد که می نواند زمینه را برای آسبیر رسانی به بی سازه های دشت پاسارگاد (کاخ بارعام، کاخ دروازه، کاخ اختصاصی، گور گمبوژیه، تل نشت ... و بهویزه آرامکاه کوش) آماده سازند.

با بک کمال، مدیر داخلی مجموعه باستانی پاسارگاد و کارشناس مرمت آثار باستانی بر این باور است که: «با توجه به آبرفتی بودن خاک منطقه، حدس زده می شود جمع شدن آب در پاسداران انقلاب اسلامی - آغاز شد. هدف از ساخت این سد، کنترل سیلاب های رودخانه سیوند و آب رسانی به ۱ هزار هکتار از زمین های زیربودست سد در دشت توابع ارسنجان ذکر شده است. سد سیوند از نوع خاکی - با هسته رسی - است و با توجه به فرازی های که در آن

در میزگردی که روز دوشنبه هشتم اسفندماه با حضور منولان در تالار رازی دانشگاه تهران رگزار شد دکتر مسعود آذرنوش، رئیس بزوشنگاه باستانی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با توجه به توقیق صورت گرفته با وزارت نیرو و عده داد نامه ای که سازمان اعلام نکند سد سیوند آبگیری نخواهد شد. در این برنامه که به کوش «پایگاه اطلاع رسانی برای نجات بادمان های باستانی (دشت پاسارگاد)» و میراثی اجمعن آریا (از دانشگاه علم پزشکی تهران) برپا شد

پهندس خلیل رضایان، مدیر عامل شرک سهامی آب منطقه ای استان فارس و دکتر علی نورزاده، معاون اقتصاد پیشین دانشگاه و دکتر محمدعلی دادخواه، حقوق دان و سخنخواه کانون مدافعان حقوق شریعه نخوان متفقان ساخت سد سیوند و دکتر طه هاشمی، دینی بزوشنگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری نیز بر اهمیت، رسمیت و غنای میزگرد یادداشتند. حضور دکتر پرویز ورگاوند، باستان

شنا و استاد پیشین دانشگاه و دکتر محمدعلی دادخواه، حقوق دان و سخنخواه کانون مدافعان حقوق شریعه نخوان متفقان ساخت سد سیوند و دکتر طه هاشمی، دینی بزوشنگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری نیز بر اهمیت، رسمیت و غنای میزگرد یادداشتند. از هم حضور داشتند. حضور دکتر پرویز ورگاوند، باستان

حال با توجه به این که دندگانه های ناشی از آنده های بالا رفتن میزان رطوبت در منطقه - که به آسبیر رسانی به ارزشمندترین بادمان باستانی ایران زمین و نعماد جهانی ارج گزاری به حقوق پسر منجر خواهد شد - و بسیاری دل تکرانی های دیگر هنوز پایر گذاشت و در حالی که همه کارشناسان متفق القولند کار مستندسازی آثار نشانه بلاغی وقت بسیاری طلب می کنند، امید می روید سیونان به سوی توقف ساخت سد سیوند کام برداشند تا مبادا این سد نیز بس از تکمیل هم چون سدهای ملاصدرا و کارون ۲ به ناگهان آبگیری شود.

به این پهنه، پار دیگر برونده سد سیوند را به امید برآتیگش توجه همه ایرانیان - به ویژه سخنان - ورق می زنیم.

سد سیوند سد بیوند در ۹۵ کیلومتری شمال شیراز، ۵۰ کیلومتری تخت جمشید و در حدود ۱۷ کیلومتری باسارگاد، بر روی رودخانه پلوار و درون منطقه ای که به نشانه بلاغی معروف است، ساخته شده

نشانه های معمولاً در جایی قرار می گیرند که دو رشته کوه ایندا به هم نزدیک و سپس از هم دور می شوند. از این دور و نزدیک شدن چیزی مانند ساعت نشی به وجود می آید؛ در بخش های بالا و پایین اش مانند جای های ساعت شنی دو دره و سیم فارم می گیرند که «دشت» خوانده می شوند و کمر گاه ساعت شنی همانی است که «دشت» نام دارد. نشانه بلاغی در دل رشته کوه های زاگرس در استان فارس هم، چنین وضعيتی دارد؛ در شمال آن دشت مرغاب

جای دارد که در پیر گیرنده و پیرانه های از شهر پاسارگاد، نشانه پایتخت مخامنشان است و در می جنوب، دشت مرودشت قرار دارد که به تخت جمشید، باشکوه ترین بادگار باستانی ایران و از برجهای کوه های زاگرس در اینجا می اینجامد. این مجموعه ها آرامگاه کوش بزرگ، نزدیک ترین اثر به نشانه بلاغی است.

فاصله دهانه سد سیوند تا آثار و سازه های اصلی دشت مرغاب (پاسارگاد) نزدیک به ۱۷ کیلومتر و بنا به نظر کارشناسان دولتی، خط بایان آب گیری دریاچه پستان که رو به دشت مرغاب دارد -

نزدیک ترین بازهای کوه های زاگرس می شود دریاچه ای که بیش از آن به وجود می آید در نزدیکی ۲ کیلومتری آرامکاه کوش می ایستد که آنهم به خط مستقیم کمتر از ۲ کیلومتر خواهد شد.

ساخت سد سیوند در سال ۱۳۲۱ بدون هیچ گونه پاسخی از سوی میراث فرهنگی استان فارس به استعمال سد سازان و بدون مخالفت سازمان میراث فرهنگی توسط شرکت سکو - وابسته به سیاده اسناد اقلاب اسلامی - آغاز شد. هدف از ساخت این سد، کنترل سیلاب های رودخانه سیوند و آب رسانی به ۱ هزار هکتار از زمین های زیربودست سد در دشت توابع ارسنجان ذکر شده است. سد سیوند از نوع خاکی - با هسته رسی - است و با توجه به فرازی های که در آن

در ضمن شایسته اشاره است که هم‌اکنون هم عمق سطح آب‌های زیرزمینی در بازارگاد کم است که با آبگیری سد قطعاً ارتفاع این سطح کمتر نیز خواهد شد.

(۲)

مشکل دوم که بسیار جدی تر است و تاکنون هیچ کارشناسی - حتی کارشناسان وزارت نیرو و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری - با فاطعیت آن را رد نکرده‌اند به وظوب ناشی از دریاچه سد بازیمی گردد که در درازمدت بر اکوپیست منطقه تأثیر محدود نداشت و با پذیرید آوردن و رشد دادن گیاهان مغرب بر روی آثار موجود، انواع ویرانگی خواهد داشت.

محمد حسین طالیان، مدیر بنیاد پژوهشی پارسه و بازارگاد معتقد است که: «بی‌هیچ تردید وظوب ناشی از دریاچه سد سیوند در آینده پس از آب‌گیری و اوی مقبره کوشش و محظوظ باستانی بازارگاد اثرات زیان‌باری به جامی گذارد. مطالعات نشان می‌دهد که نمی‌توان جلوی این تأثیر زیان‌بار را گرفت و تنها امید ما کاهش این زیان‌هایت که به کاهش آب‌گیری سد و بادهای موقن و مخالفی که در محیط در حرکت مسد، دارد».

به گفته طالیان: «بیش از این تصویر می‌رفت که بتوان با استفاده از فن آوري، جلو تخریب‌های وظوب را گرفت اما افرزوی باور داریم که این تخریب‌ها اتفاق می‌افتد و ضرر ناشی از وظوب روی سازه‌های بازارگاد و مقبره کوشش در درازمدت قطبی است».

حتی جلال جامی، مجری طرح سیوند هم گفته است که: «قطعاً وظوب بازارگاد بالا می‌رود و بر آثار نیز تأثیر خواهد کرد اما اینکه این تأثیرات به جمیزان پاشد هنوز معلوم نیست. وی در پاسخ به این پرسش که آیا تأثیرات منطقه آبگیری سد و وظوب حاصل از آن بر آرامگاه کوشش و سایر آثار بازارگاد برآورده شده است یا خیر، گفت: «تاکنون هیچ برآورده انجام نشده است».

هم‌چنین باید افزوده شود که «در پیش» موقع جربان بادی از سمت نکه به سمت بازارگاد برقرار است که با وجود دریاچه‌ای در آنجا، بادی که از آن سو می‌وزد وظوب بیشتری را به بازارگاد خواهد آورد. با افزایش میزان وظوب سطح الارضی و تحت الارضی بر میزان رشد گل‌ستک‌ها که یکی از عوامل فراسایی سازه‌های سنتی است، افزوده خواهد شد» (محمد تقی عطایی، کارشناس پژوهشکده باستانشناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری).

(۳)

و اما از همه مهم‌تر خود نکله بلاغی است. این نکله به دلیل سور شایر منطقه و میر کاروان رزو تاریخی، جاده شاهی - معروف‌ترین و کهن‌ترین جاده بین‌المللی جهان - و آثار بسیار ارزشمندی چون بقایای معماری، اشیا و گورهای باستانی متعلق به ۷ هزار سال بیش تاکنون وجود بوسنه‌های گیاهی و زمین‌های کشاورزی از اهمیت به سزایی پرخوردار است و بهبودهای مهندسی ترین منطقه باستان‌شناسی پارسی شناخت عهد هخامنشی و سنتی تولیدی همد آنان است. تاکنون برخی از گورهای فلزی‌زی عهد داربوش بزرگ را بدست آورده‌اند. هم‌چنین از آنجا که عمدۀ حقوق جنسی کارکنان دربار هخامنشی را جو و شراب تشكیل می‌داده است، کارگاه‌های شراب‌گیری پرشمایری در نکله بلاغی بدست آمده است. نیز گورستان‌های وسیعی که خود برای جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی هر دوره‌ای بسیار ارزشمند هستند - در این دشت فرار است به زیر آب روند.

درواقع برخلاف مناطقی هم‌چون میان‌رودان (این‌النهرین) که سالیان درازی است خاک‌برداری از مناطق مسکونی عهد باستان در آنها انجام شده و از آن طریق، اطلاعات و سیمی دریاچه نوع معماری، تقسیم فضاهای خانه‌ها، کارکرد فرمت‌های مختلف خانه‌ها هم‌چون آبریزگاه و آشیزخانه و نوع زیرساخت‌هایی هم‌چون شالوده‌ها و نیز شبکه پساب در این مناطق به عمل آمده، مردوش و دشت مرغاب این گنجینه‌های اطلاعاتی را آغاز ماند و دست آمده است. حفظ کرده‌اند: دو غار که سکونت‌گاه انسان‌های دوره پارتبه‌ستگی - ده هزار سال به قبل - بوده‌اند، گورهای ذوب فلز و گورهای ۲۵۰۰ ساله سفال‌گری، دهکده‌ای متعلق به دوره هخامنشی، دو گورستان بزرگ دوره اشکانی، ۷ کیلومتر مرز سنتی (دیوار دفاعی) مربوط به همین دوران، گورستان و روستای ۹ هكتاری ساسانی - اسلامی، گورهای سنتی دوره‌های فرمان‌روایان محلی فارس (خرقداران)، بخشی از یکی از شققی‌های مازه‌های آبی، ... و نهایت پیش بازمانده از راه شاهی.

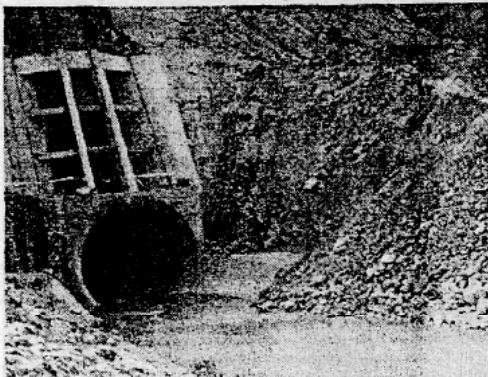
دریاباره اهمیت این راه می‌توان سخنان منیر و بوشکانی، معاون فرهنگی سازمان جهانی بونکو را از نظر گذراند. وی که در دی ماه سال ۸۳ به دعوت مسئولان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به ایران دعوت شده بود تا از لوح نسبت جهانی بازارگاد بوده بود اوی کند، دریاباره نهادهای ناشی از ساخت سد سیوند به مسئولان آن سازمان گفت: «باشد نلاش کنید اهمیت نکله را از لحظه تاریخی و هویتی به مسئولان کشوری تان گوشزد کنید. از طرف دیگر باید بکوشید تا صدای شما به گوش جهانی برسد. من نیز به سهیم خود در آغازه‌سازی مدیران بونکو خواهیم کوشید. نکله بلاغی تها بازمانده راه معرف شاهی در جهان است که با زیر آب رفتن این پیش، تها شاهد راه‌سازی آن دوران را از دست خواهیم داد».

به این ترتیب با آب‌گیری سد سیوند بیش از ۱۳۰ آن و محوطه باستانی شناسایی شده - که هر محوطه شامل اجزای بسیار گوناگونی است - به زیر آب خواهد رفت که بسیاری از آنان تاکنون حفاری و شناسایی علمی نشده‌اند. با از میان وقت آنها بخشی از تاریخ و فرهنگ ما - که امکان بررسی اش وجود دارد - محو خواهد شد که اگر در آن میان اشیای آسیب‌پذیر (فلز،

استخوان و عاج، چوب، پافه و مخصوصاً رنگ) وجود داشته باشد برای همیشه از میان خواهد رفت.

روند آگاهی از این میراث گرانقدر و تلاش‌های انجام شده

هر چند هنوز این موضوع که در همان زمان آغاز به کار ساخت سد، یک یا دو محل مناسب دیگر نیز پیشنهاد شده بودند در هاله‌ای از بهام قرار دارد، نمی‌توان درباره انجام این کار نهایا وزارت نیرو را مقصراً دانست چنان که مهندس دناغ، رئیس کارگروه گردشگری و معاون عمرانی استانداری فارس که به دلیل این دو مسؤولیت، یک نکاه به بازارگاد و نکله بلاغی و میراث فرهنگی و یک نکاه به عطایات عمرانی ساخت و انجام سد سیوند دارد به این‌اعلام می‌کند: «۱۰ سال پیش که بروزه سد سیوند آغاز شد از مسئولان ذی ربط استعلام به عمل آمد و آقابان مخالفت نداشتند». او در توضیح آن عدم مخالفت در گذشته و اعتراض‌های کنونی، می‌گوید: «نماید از جواب جزئیات سد و تراز آن بی خبر مانده‌اند و از طرفی هم می‌تواند به دلیل حساسیت‌های فعلی نسبت به حفظ میراث فرهنگی که بسیار بیشتر از ۱۰ سال پیش است، باشد. جلال جامی، ساختوی مجری ساخت سد نیز در این‌باره می‌گوید: «در مصوبات سازمان مدیریت و پروراه ویزی کشود هیچ اشاره‌ای به قیمة گزارشات در مورد موضوع غرق شدن محوطه‌های باستانی یا تخریب آنها نداشت. البته کارشناسان ما با مسئولان میراث فرهنگی طی این چند سالی از ساخت سد سیوند می‌گذرد ارتباط‌هایی داشته‌اند. مثلاً سال ۲۶ و ۲۷ هشتادی که قصد داشتمی زمینی دواوای ساخت بخشی از تأسیات و فضاهای دفتر بگیریم با همه ارگان‌ها از جمله سازمان میراث فرهنگی در تعاس بودیم. کارشناسان میراث هم به ما گفتند که در آن منطقه ممکن است محوطه‌های باستانی وجود داشته باشد پس در منطقه اخیر با احتیاط عمل کنید. اما طی این چند سال آنها هیچ اطلاعی به ماندادند که بر اثر ساخت سد تعداد بسیار زیادی محوطه باستانی به زیر آب خواهد رفت».



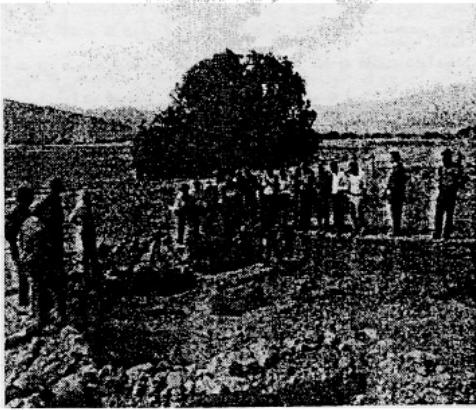
این گونه بود که ۱۰ سال پیش از شروع به ساخت سد یعنی زمستان سال ۸۱ گروهی از کارشناسان بین‌المللی پژوهشی پارسه و بازارگاد با آگاهی از این موضوع که سد سیوند در میر راه شاهی ساخته شده است، واهی نکله بلاغی شدند. پرسی و شناسایی آنها و سپس مطالعات باستان‌شناسی بعدی آشکار کرد که نکله بلاغی فرات از راه شاهی و چند خرفت‌خانه، که به جنم دیده می‌شد، ارزش و اعتبار باستانی بسیاری دارد که از دیده پنهان مانده و خاک‌های این نکله آن را در خود فرو بردند. این گونه است که اوایل سال ۸۲ محمد حسین طالیان، رئیس آن بیاند پس از بازدیدی از منطقه، اهتمت موضوع را به مدیران کلان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری گوشزد می‌کند و گروهی از باستان‌شناسان ایرانی به تعمیل کاوش‌های پیشین می‌پردازند.

در تیرماه همان سال در نشست کمیته میراث فرهنگی جهانی بونکو در کنار اوگ بی، بازارگاد به عنوان پیجینین محوطه جهان ایران با صدر در صد آواه نسبت فهرست میراث جهانی می‌رسد. به دنبال نسبت پارس‌گاد در فهرست یادمان‌های جهانی بونکو، مدیر مركز میراث جهانی این سازمان طی پادشاهی به معاون سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و ریس‌های ایرانی حاضر در پیش و هشتمین اجلال کمیته میراث جهانی از پارس‌گاد به عنوان جواهیر که به فهرست میراث جهانی، زینت و شرافت می‌دهد، باد کرد. این تعریف مدیر مركز میراث جهانی بونکو را نایاب یک نکله که دو غار که سکونت‌گاه انسان‌های دوره پارتبه‌ستگی - ده هزار سال به قبل - بوده‌اند، گورهای ذوب فلز و گورهای ۲۵۰۰ ساله سفال‌گری، دهکده‌ای متعلق به دوره هخامنشی، دو گورستان بزرگ دوره اشکانی، ۷ کیلومتر مرز سنتی (دیوار دفاعی) مربوط به همین دوران، گورستان و روستای ۹ هكتاری ساسانی - اسلامی، گورهای سنتی دوره‌های فرمان‌روایان محلی فارس (خرقداران)، بخشی از یکی از شققی‌های مازه‌های آبی، ... و نهایت پیش بازمانده از راه شاهی.

دریاباره اهمیت این راه می‌توان سخنان منیر و بوشکانی، معاون فرهنگی سازمان جهانی بونکو را از نظر گذراند. وی که در دی ماه سال ۸۳ به دعوت مسئولان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به ایران دعوت شده بود تا از لوح نسبت جهانی بازارگاد بوده بود اوی کند، دریاباره نهادهای ناشی از ساخت سد سیوند به مسئولان آن سازمان گفت: «باشد نلاش کنید اهمیت نکله را از لحظه تاریخی و هویتی به مسئولان کشوری تان گوشزد کنید. از طرف دیگر باید بکوشید تا صدای شما به گوش جهانی برسد. من نیز به سهیم خود در آغازه‌سازی مدیران بونکو خواهیم کوشید. نکله بلاغی تها بازمانده راه معرف شاهی در جهان است که با زیر آب رفتن این پیش، تها شاهد راه‌سازی آن دوران را از دست خواهیم داد».

و نه علمی است و نه کارشناسی». مهندس پروفسور فتاح، وزیر نیرو (در گفت و گو با سایت خدمت).

«اعمار مطالعاتی ویژه در این باره در نظر گرفته شده است و تاکنون نیز گروههای کاوشگر ایرانی و خارجی مطالعاتی در منطقه نگاه بالغی انجام داده اند اما بعد است آثار فوق العاده ارزشمندی (؟) پیدا کنند». مهندس خلیل رضاییان، مدیر پیمان پژوهشی پارسه و پاسارگاد - که پیش حتی چهارهای علمی جون محمد حسن طالبیان، مدیر پیمان پژوهشی پارسه و پاسارگاد - که پیش از این گفته بود هر اثر به نوبه خود حائز اهمیت است و تکمیلی، منطقه‌ای طبیعی بین پارسه و پاسارگاد است که پیشترین اتفاقات اجتماعی، اقتصادی و تاریخی در آن رخ داده و از دوره هخامنشی گا دوره اسلامی آثار فراوانی در آن یافت شده است و در حالی زیر آب می‌رود که از دیدگاه باستان‌شناسان یک نظام اجتماعی، تاریخی و اقتصادی محض می‌شود که هیچ کدام از آنها جدا از هم نیستند - می‌گوید: «طبق توافق با سولان وزارت نیرو مقرر گردید تا زمانی که از زیر آب رفتن اثر فرهنگی خاص (؟) اطمینان حاصل شود کار ساخت سد ادامه داشته باشد». وی در جایی دیگر نیز گفته است: «اگر یک اثر ارزشمند شامل هر چیزی، خواه معماری یا مفهوم و... در این محوطه یافت شود به نحوی که ارزش بیش از ۵۰ میلیارد هزینه سد داشته باشد از سولان سد می‌خواهیم که سدشان را در جای دیگر بزرگی.



اما طاها هاشمی، معاون پیشین بارلمانی و رییس کنونی پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به درستی بر این باور است که: «... و در صورتی که مطمن شویم از ابتدای کار احداث سد، مجریان طرح سد سیوند از سازمان میراث فرهنگی استعلام کردند، کلیه سولان می‌ذشته سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ناید باشند». از این پس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری قبل از شروع هر یروزه‌ای حسابت‌های لازم را به کار خواهد گرفت و تلاش خواهد کرد نظر کارشناسی خود را با توجه به جواب ماله اعلام کند... بعد از اتمام احداثات و کاوش‌ها، در صورتی که نظر کارشناسان ایرانی - آلمانی نیز با شروع کاوش‌های یادداشت آمده است، تیم مشترک باستان‌شناسان ایرانی - آلمانی نیز با اطلاعاتی را در مورد مرگ، وجود بیماری‌های احتمالی و خصوصیات فیزیکی ساکنان این منطقه در اختیار می‌باشد. باستان‌شناسان ایرانی - فرانسوی در

نهایت کیا، سربرست مجموعه باستانی پاسارگاد در مورد محوطه‌های باستانی شناسی شده گفت: «در این بروسی‌های باستانی آثاری شامل تپه‌های پیش از میلاد، کوره‌های ذوب فلز، غار و سکونت‌گاه‌های پیش از تاریخ، دو قبورستان دسته جمعی مربوط به دوران اشکانی و آثار دیگر بدست آمده است». تیم مشترک باستان‌شناسان ایرانی - آلمانی نیز با شروع کاوش‌های هزار سال پیش را به همراه یک مهر باستانی بست سد سیوند در نگاه بالغی یک محوطه باستانی مربوط به ۲ هزار سال پیش را به کار بردند. و غار باستانی مربوط به دوره پارینه‌سکی ۱۰ هزار

سال پیش و گشی از این غارها حاصل تلاش این هیأت بود. آخرین هیأتی که به جمع کاوش گران نگاه بالغی بیوته هیأت ایرانی - آمریکایی است که بر روی راه شاهی به کار بردند. آنها با گشی ساختارهای جالی از این جاده باستانی و مسیر کاروان رو اسلامی به این نتیجه رسیدند که درباره تداوم آن پایدار جاره‌ای اندیشه شد ذیرا طبق بروسی‌ها امکان استفاده گردشگران از این راه همچنان وجود دارد.

در حال حاضر دو میون فصل کاوش در نگاه بالغی به پایان رسیده و دکتر آذرنوش - در گفت و گو با نویسنده - عنوان کرده است که سه هیأت برای ادامه کار اعلام آمادگی گردیدند تا اردیبهشت‌ماه به منطقه اعزام شوند. از ۴۸ نقطه‌ای که بناد پژوهشی پارسه و پاسارگاد در نظر دارد روی آنها کاوش اضطراری انجام دهد نیز تاکنون تنها ۱۶ نقطه کاوش شده است. البته پیش از این حدود ۲۴ نقطه مورد حفاری غیرمجاز واقع شده بود که اطلاعات آنها را از بین رفته است.

اکنون چه کاری انجام می‌شود؟

هنوز سه دغدغه‌ای عمده‌ای که آب میری سد در بی دارد، پایرجاست. سولان دولتی در پایر این دغدغه‌ها دو راه در پیش گرفته‌اند: ۱- چنین عنوان می‌کنند که اگر آثاری «سیار ارزشمند» بدست آید کار به پهنه‌برداری رسانند سد را متوقف خواهند کرد (که طبیعی است هیچ وقت یک اثر که به نهایی دارای ارزش مادی سیار بالایی باشد - مثلاً معادل هزینه ساخت سد - بدست خواهد آمد); ۲- هر چه بود، این است که ما تا به حال چیزی آنچه کشف نکردیم، در عین حال پایان که بیش از اینهای نهاده ای این چند اکباد داخلی و خارجی دارند آنچه گمانه زنی می‌کنند که بیش از اینهای آنچه استخراج می‌کنیم. چون چیزی تا الان بیدانده است و همه آن گمانه است

از گردشکران را راهی ایران کنند، آن چنان که به آسانی جشم بر سازه‌های دنگارک و مصنوعی کنودهای حاشیه خلیج فارس بینندند». به قول دکتر علی حضوری، استاد آگاه تاریخ: «مجموع سودی که از این مدد بدست خواهد آمد با درآمدی که از راه فروش بلیت برای دیدار از این مناطق می‌توان بدست آورد برای نمی‌کند».



به گمان ما کاری که اکنون می‌توان کرد این است که از تراویط پیش آمده هرمه جسته و با باری یونسکو - چنان‌که با اعزام پیش از ۷۰ هیات باستان‌شناسی برای مستندسازی محوطه‌ی نویبه، آن را برای ساخت سد آسوان در مصر آماده ساخت - کار شناسایی علمی و حفاری منطقه‌ی نمکه بلاغی را با دقت به اتمام رساند. هم‌چنین با توقف ساخت سد سیوند باید برای حل دو مسئلک آبرفتی بودن خاک منطقه و طوطوت ناشی از نکل گیری در راهه سده چاره‌ای اندیشید، چاره‌ای تعلیمی و از روی یقین، نه احتمالی، چون نمی‌شود با بناهایی که خاطره‌ی هزاران سال تاریخ ایران را در دل دارند به صورت آزمون و خطاب برخورد نمود.

این خواستی است که «بایگاه اطلاع‌رسانی برای نجات بادمان‌های باستانی» (دشت باسازگاد) به نامه‌گیری شماری از انجمن‌های غیردولتی می‌گیرد آن است. قعده‌ای از این انجمن‌ها چندی پیش (آذینه ۱۳ آبان‌ماه سال گذشته) با گرد آمدن در محوطه‌ی تاریخی پاسازگاد یا بهای در این زمینه صادر کردند. امضا کردن نمایندگان انجمن‌ها در بای این‌یابیه - که ضمن آوردن دلایل خواهان به عقب افتادن آبگیری سد سیوند شده است - هم‌چنان ادامه دارد. «بایگاه اطلاع‌رسانی» که اکنون در دفتر «ادیجه فرهنگی ایران زمین» (افزار) - ولی مستقل از آن - مفتر است نزدیک به هفت ماه پیش با گردآوری همه‌ی آگاهی‌ها پیامون سد سیوند و نمکه بلاغی، هم‌چنین به باور خانم دکتر شیرین عبادی، حقوقدان بر جسته: «حفظ آثار باستانی، مهم‌ترین وظیفه‌ای است که بر عهده دولت و تک تک افراد جامعه فرار دارد و از این‌رو مخالفت با چنین عمل اشتباهی باید صورت گیرد. در حالی که سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بخواهد در این رابطه که کاری کند و از طرح شکایت به مبنای جلو گیری از احداث سد انتقام کند، کانون مدافعان حقوق پیش‌روزه خود می‌داند که برای حفظ میراث فرهنگی کشور اقامه دعوا کند هم چنان که در مورد برج جهان‌نمای پیش‌قدم شد. پیش‌کامی این کانون باعث شد سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به خود بیاید و آنها نیز طرح دعوا کردند و به این ترتیب میدان نقش جهان را از دستبرد برج‌سازان بی‌اعتنای فرهنگ حفظ کردیم».

در تهیه این نوشتار از مقاله‌ها، گزارش‌ها... که پیش از این در این باره نوشته شده بود، بهره بیار برده شد. از همه‌ی کسانی که در این راه گام برداشته و برمی‌دارند، سپاسگزاریم.

چه کار می‌توان کرد؟

نخست باید این نکته را یادآور شد که سد سازی تنها راه برای حل مشکلات کم آمی زمین‌های کشاورزی نیست. تجربه چند هزار ساله ایرانیان نشان داده که بوزیر در سر زمین ما که با مسئلک «کم‌بود آب» و «طفیان آب» دست و پنجه نرم می‌کند طرح‌هایی چون «آبخوان داری» (مهار سیالاب که باعث افزایش ذخیره آب سفره‌های آب‌های زیرزمینی - آبخوان - می‌شود) بیار کاربردی‌تر است. که در نتیجه به یاری نظام کاریزی (فات) رساندن آب به هر نقطه‌ای بیار باصره‌تر انجام می‌شود. در تاریخ این مرز و بوم دیده شده که نیاکان مابا وجود داشتن توانایی‌های بیار، به ندرت اعدام به ساخت سد گرده‌اند و معمول کم آبی را به یاری کاریز پشت سر گذاشته‌اند.

به هر روی اکنون وضیحت به آنچه رسیده که نزدیک به سچهارم عملیات ساخت سد سیوند انجام شده است. حتی سخت ترین متفقدان ساخت این سد نیز با یکسرت و ابدانی مختلف نیستند اما آیا تراز داده‌ها و گرفته‌ها یا به عبارتی دیگر سودها و ضرورها نیز چنین پیشرفتی را نشان می‌دهند؟

فراموش تکنیم مسوی دیگر قبیله نه کارشناسان میراث فرهنگی و سازمان یونسکو، که در وافع پیشنهاد معدن کوهن‌مال و دیرینه‌ای است که می‌تواند خلوف چند سال آینده یکی از بزرگترین مراکز تحقیقاتی، بزوختی و گردشگری باشد؛ امیاز و استعدادی که به صورت بالقوه در سراسر ایران زمین وجود دارد... وسعت، پراکنده‌گی، کیفیت، قدامت و اهمیت میراث تاریخی کشورها آن چنان است که به اعتقاد برخی به راحتی می‌تواند قابلیت جایگزینی نقش نفت دد اقتصاد را داشته باشد و علاوه بر جدب تیم‌های کارشناسی و علاقه‌مند به تاریخ می‌تواند بیاری

احتمال نمی‌رود که با دادن زمان بیشتر - آن هم بدون وارد فشارهای روانی مبنی بر شتاب دادن به کار - به باستان‌شناسان، آثاری دیگر و حتی به مرائب به خنی تک شود؟ آیا شناخت بیشتر تاریخ ایرانیان که رمز وحدت ملی و پایداری فرهنگ ملی امروزی آنان در آن نهفته است تا این پایه‌ی اهمیت است که چنین می‌اعتنای می‌خواهیم از کنار آن بکدریم؟ درباره وطوبت ناشی از آبگیری سد نیز تنها به این بسته شده که: «با بایان آوردن میزان آبگیری، میزان رطوبت را کاهش دهیم». هم‌چنین عنوان شده است که برای منحرف ساختن مسیر رطوبت، می‌شود اقدام به درخت کاری در خلاف جهت آثار باستانی کود زیرا درختان در دورانی که نهال هستند جذب کننده رطوبت‌اند، در حالی که همین نهال‌ها از چند سال و با به رطوبت نسبی وسیدن منطقه، خود ایجاد کننده نم و رطوبت هستند که نهمنی و حشتناک برای آناری از نوع پاسارگاد به شمار می‌رود.

به این ترتیب با شروع آبگیری سد در نیمه اسندمه دو سال زمان می‌بیند تا در حدود ۸ کیلومتر از نکله ۱۸ کیلومتری بلاغی به همراه آثار درون آن به زیر آب فرو رود و زمانی بیشتر فیاض است تا وطوبت خاک و هوا مهه ترین آثار نمادنی تاریخ ایران را فرسوده و تابود سازند.

وجهه قانونی

محوطه باستانی پاسازگاد - که دربر گیرنده نکله بلاغی نیز هست - پنجمین محوطه جهانی ایران است که طی آخرین نسخه یونسکو که در چین برگزار شده به عنوان ناخنمه‌های فروانی با صدرصد آزاد از فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید. هر اثر که در فهرست جهانی یونسکو جای می‌گیرد طبق «کنوانسیون میراث فرهنگی و تاریخی باید از سوی کشور تقدیر از این مورد نوجه و وزیر فرار گیرد و هیچ کونه اقدامی در راستای به خطر افتادن آن انجام نشود».

علاوه بر این به گفته دکتر محمدعلی دادخواه، سختکوی کانون مدافعان حقوق پیش: «یک سری از قواعد هست که قانون ساز است. این معاهدهای جهانی که ما به آنها بیوسته‌ایم مانند میثاق اجتماعی - فرهنگی که در ماده ۲۵ آن صراحتاً بیرون فرهنگی را در زمرة حقوق پیش ذکر کرده و ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق پیش که بر این هم باید فشرده است، اینها با توجه به ماده ۹ قانون مدنی ایران در حکم قانون داخلی است و هر ایرانی می‌تواند به آنها استناد کند. و چون این معاهدهای قانون‌ساز بوده‌اند، هر قانونی که برخلاف اینها باشد در وجهات قانونی نیست که دادگاه به آنها استناد کند».

هم‌چنین به باور خانم دکتر شیرین عبادی، حقوقدان بر جسته: «حفظ آثار باستانی، مهم‌ترین وظیفه‌ای است که بر عهده دولت و تک تک افراد جامعه فرار دارد و از این‌رو مخالفت با چنین عمل اشتباهی باید صورت گیرد. در حالی که سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بخواهد در این رابطه که کاری کند و از طرح شکایت به مبنای جلو گیری از احداث سد انتقام کند، کانون مدافعان حقوق پیش‌روزه خود می‌داند که برای حفظ میراث فرهنگی کشور اقامه دعوا کند هم چنان که در مورد برج جهان‌نمای پیش‌قدم شد. پیش‌کامی این کانون باعث شد سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به خود بیاید و آنها نیز طرح دعوا کردند و به این ترتیب میدان نقش جهان را از دستبرد برج‌سازان بی‌اعتنای فرهنگ حفظ کردیم».

نخست باید این نکته را یادآور شد که سد سازی تنها راه برای حل مشکلات کم آمی زمین‌های کشاورزی نیست. تجربه چند هزار ساله ایرانیان نشان داده که بوزیر در سر زمین ما که با مسئلک «کم‌بود آب» و «طفیان آب» دست و پنجه نرم می‌کند طرح‌هایی چون «آبخوان داری» (مهار سیالاب که باعث افزایش ذخیره آب سفره‌های آب‌های زیرزمینی - آبخوان - می‌شود) بیار کاربردی‌تر است. که در نتیجه به یاری نظام کاریزی (فات) رساندن آب به هر نقطه‌ای بیار باصره‌تر انجام می‌شود. در تاریخ این مرز و بوم دیده شده که نیاکان مابا وجود داشتن توانایی‌های بیار، به ندرت اعدام به ساخت سد گرده‌اند و معمول کم آبی را به یاری کاریز پشت سر گذاشته‌اند.

به هر روی اکنون وضیحت به آنچه رسیده که نزدیک به سچهارم عملیات ساخت سد سیوند انجام شده است. حتی سخت ترین متفقدان ساخت این سد نیز با یکسرت و ابدانی مختلف نیستند اما آیا تراز داده‌ها و گرفته‌ها یا به عبارتی دیگر سودها و ضرورها نیز چنین پیشرفتی را نشان می‌دهند؟

فراموش تکنیم مسوی دیگر قبیله نه کارشناسان میراث فرهنگی و سازمان یونسکو، که در وافع پیشنهاد معدن کوهن‌مال و دیرینه‌ای است که می‌تواند خلوف چند سال آینده یکی از بزرگترین مراکز تحقیقاتی، بزوختی و گردشگری باشد؛ امیاز و استعدادی که به صورت بالقوه در سراسر ایران زمین وجود دارد... وسعت، پراکنده‌گی، کیفیت، قدامت و اهمیت میراث تاریخی کشورها آن چنان است که به اعتقاد برخی به راحتی می‌تواند قابلیت جایگزینی نقش نفت دد اقتصاد را داشته باشد و علاوه بر جدب تیم‌های کارشناسی و علاقه‌مند به تاریخ می‌تواند بیاری

نجات بخشی سد ۱۷۰۰ ساله هرمز ساسانی در رامهرمز خوزستان

نجات بخشی سد ۱۷۰۰ ساله هرمز ساسانی در رامهرمز خوزستان به دلیل اختلاف میراث فرهنگی و گردشگری و وزارت نیرو در پرده ایهام فرار دارد.

ار ساخت سد مخزنی جدید «جره» در رامهرمز که تاکنون ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته، آبگیری آن تا سال آینده انجام می شود، اما تاکنون یکی از میراث فرهنگی و مطالعاتی را انجام دهنده ولی تاکنون هیچ کاری صورت نگرفته است. مدیر گنجینه آب سازمان آب و برق خوزستان در این زمینه گفت: سد باستانی مذکور به دلیل سابقه تاریخی و به عنوان گواهی از فن مهندسی سد سازی بسیار پیشرفته برای مانیز از اهمیت ویژهای پرخوردار است و حفظ این سازه باستانی از دغدغه های سازمان آب و برق نیز هست.

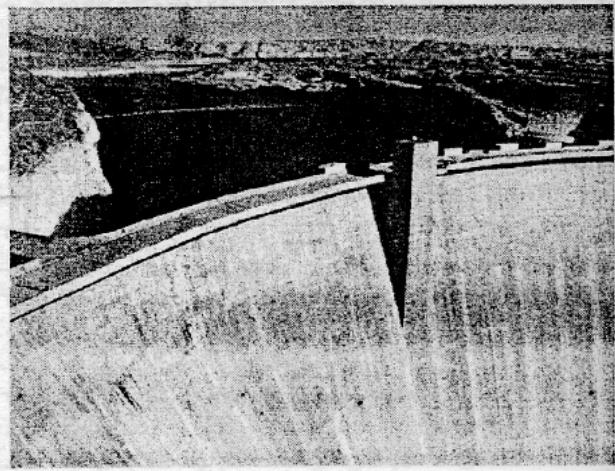
«حمدید رضا فخر احمدی» از افراد: براساس توافق انجام شده قرار داد میراث فرهنگی مثاره منتخب خود را که در این زمینه است به معرفی کند تا هر تضمینی که این مثاره بگردید ما اعمال کنیم. وی از افراد: اعمال خواست میراث فرهنگی مشروط به این است که راهگاه های جابجایی این سد، شرکت و بیانکار مورد تایید و توانمند، و نقطه جایگزینی سد برای ما توسط این مثاره مخصوص ارایه شود.

وی با این اینکه سازمان آب و برق خوزستان نمی تواند خود مثاره مخصوص را تعیین کند گفت: از آنجا که سازمان آب و برق خود مجری طرح سد مخزنی جدید است برای رفع شیوه تعیین مثاره بر عهده میراث فرهنگی فراز گرفت مدیر گنجینه آب سازمان آب و برق خوزستان گفت: اصراراً ما بر دارا بودن ویه شخصی لازم برای مثاوار از این جهت است که درگاه جابجایی سد قدیم باشد و ضبط زمین، مقاوم سازی، دستگاه های پرش شخصی، تائیر حرارت دستگاه های مورد استفاده بر سازه، بلوك بندی و امکان بازیل بندی قطعات سد و تعیین نقطه مناسب در انتقال سد، که نیاز به توان مهندسی و شخصی بالا دارد مخصوص شود وی از افراد: نقل قول از کارشناسان درخصوص امکان جابجایی سد تاکنون در حد یک ایده بوده است.

وی با اشاره به اینکه مثاوه این کار قبل از کشورهای مصر، چین و اخیراً در ترکیه نیز انجام شده گفت: متناسبه دولتان میراث هنوز مثاره مخصوص با این ویژگیها به ما معرفی نکرده اند تا هرگونه همکاری در این زمینه انجام شود و گرنه ما اعلام کرده ایم که هیچ گونه مستکلی از نظر

تایین هزینه های لازم برای گرفتن مثاوه داخلی با خارجی در این زمینه نداریم.

وی در خصوص دلیل انجام شدن مطالعات تاریخی و فرهنگی پیش از اجرای سد مخزنی جدید در منطقه گفت: تا سال آلمجی گونه قانونی منی برای سازمان های انجام چنین مطالعاتی پیش از اجرای طرح های عمرانی وجود نداشت و این قانون در سال ۱۴۱۶ میلادی شد. در حالی که اجرای این پروژه از سال ۱۳۲۶ آغاز شده است، احمدی افزود: اکنون نیز که این طرح اجرا شده سازمان آب و برق خوزستان خود را موظف می داند تا هنگام گرفتن تصمیم نهایی، مجوز آبگیری سد را صادر نکند مدیر دفتر گنجینه آب سازمان آب و برق خوزستان در خصوص ممانعت از ورود کار شناسان میراث فرهنگی به محوطه سد جرہ گفت: به دلیل وضعیت خاص اجرایی پروژه، استقرار کارگاه و تردد مانشین آلات و تجهیزات مهندسی در این محوطه حضور افراد متفرقه ممکن است خطرساز باشد و به افراد آسیب بررسد بنابراین از ورود افراد به دلیل این شرایط بدون همراهی که ممانعت می شود. احمدی گفت: این به منای ممنوعت ورود این کارشناسان یا هر کس که می خواهد باشند و با افراد آسیب بررسد بنابراین از ورود افراد به دلیل این و از ایه نامه کنی از سوی مسوولان باشد.



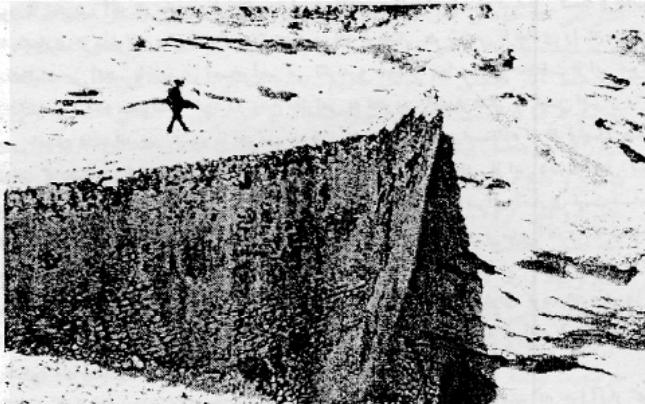
رئیس اداره میراث فرهنگی و گردشگری رامهرمز در این باره گفت: وزارت نیرو سد مخزنی جدید در منطقه را بدون انجام هیچگونه کار مطالعاتی تاریخی و بدون همراهی با میراث فرهنگی اجرا کرده است.

«فردین بیکدلی» از افراد: از آنجا که برای ساخت سد جدید تعدادی از اهالی را از منطقه کوچ داده اند به همین دلیل دیگر نمی توان گفت که سد هرمز کاربری کشاورزی دارد ولی پیشنه تاریخی و ارزش فرهنگی آن هیچگونه جای تردیدی ندارد. وی اضافه کرد: طبق قانون، وزارت نیرو موظف است قبل از اجرای هر گونه پروژه ای مطالعات موردنیاز را در همه زمینه های انجام دهد ولی در اجرای این پروژه هیچ کار مطالعاتی را انجام نداده اند. اما با بیکسری انجام شده و برگزاری چندین نشست با مسوولان مربوطه آنان بدیرفتند که مثاوه بگیرند و مطالعات لازم را انجام دهند ولی با وجود اینکه تا سال آینده این سد به مرحله آبگیری می رسد هیچگونه اقدام عملی را شاهد نبوده ایم.

بیکدلی، سد جرہ را از نظر سد سازی دارای ویژگی های منحصر به فرد دانست و گفت: نیاکان هزمند و مخصوص ماد در دوران ساسانی برای ساختن سد از شرایط طبیعی محیط اطراف پیشترین بیرون را گرفته اند به گونه ای که مطالعات امروری با استفاده از ایزار و تکنولوژی مدون نیز پس از سالها مطالعات خاک، دقیقاً همان محل سد قدیم را برای ساخت سد مناسب تشخیص داده اند که پیشینان ما بدون استفاده از این ایزار به آن دست یافته بودند و این نشان از توان فنی بالا و مهندسی پیشرفته سد سازی آن زمان آنان دارد.

وی با این اینکه سد جرہ با استفاده از نوعی ساروج خاص و سکه های قلوه ای رود خانه ای و ملات گچ و آهک ساخته شده گفت: حتی گفته شده در ساخت این سد از موی بیز و زرده تخریج در ساروج سد استفاده شده و استحکام سد به حدی است که گذشت ۱۳۲۰ سال آثار مان و نیز وقوع افجارات های متعددی که وزارت نیرو برای ساخت سد جدید انجام داد، نتوانسته تائیری بر آن بکار رود.

رئیس اداره میراث فرهنگی و گردشگری رامهرمز افزود: متأذل و ساختهای زیبایی با ستونهای مصری و طاقهای جناغی شکل نمایانگر سبک و اسلوب معماری صفوی در منطقه پشت سد جرہ مربوط به این دوران وجود دارد که همه اینها با آبگیری سد به زیر آب خواهد رفت. بیکدلی گفت: با وجود نیت سد باستانی جره در شهرست آثار ملی در سال ۱۳۷۸، حق و وظیفه قانونی میراث فرهنگی در بازدید از این اثر، وزارت نیرو از حضور کارشناسان میراث فرهنگی و ورود آنان برای تهیه گزارش و عکس به محوطه سد ممانعت می کند.



میراث فرهنگی، قدرتمند همانند نیروی هسته ای

کاوش سایی

هموند پایگاه اطلاع رسانی برای فجات یادمانهای باستانی

در آمدش از کشاورزی کمتر است؟ بی شک اینکه نیست. بسیار جایز است که این تعداد مکانهای تاریخی می باشد مردم حاشیه این آثار با فخر دست و پنجه نرم کنند تا مجبور به سرقت و فروش این آثار به بیکانکان شوند؟ جراحتی می باشد کمتر از بک در صد درآمد حاصل از صفت گردشگری جهان را داشته باشیم؟ هنما چون زیر ساختهای جذب گردشگر در کشور ما آماده نیست. آها این باشی معمول است. چگونه کشورهایی ضعف ترا از ما، توسعه اقتصادی و سیاست خود را تضمین می نمایند و درآمد آسیب پذیری اقتصادی و فرهنگی را کاهش می دهد.

آیا در سرزمین ما سازمانی نیست که برناهه ویژی کلان برای توسعه صفت بود آمد گردشگری داشته باشد؟ چرا سازمانها هیچ برنامه ریزی این صفت نداورند. تکرانی که در بیشتر مواقع مولان ما از آن یاد می کنند و رود مجموعه ای فاهجاری های فرهنگی - به زعم ما و در فرهنگ ما - از واه گردشگر خارجی - به ویژه غربی - به ایران است. این نظریه موردی ندارد چون تمام آشنازیان به مسائل فرهنگی ایران بر این باورند که گردشگران خارجی ای که به ایران می آیند گردش گرانی فرهنگی هستند که تنها برای بازدید از آثار به این جا می آیند و نه چیز دیگر. فقط گافی است مقداری زیرساخت ها و امکانات را تقویت کنیم که این برای ایرانکردن داخلی هم مفید است. اندکی هم باید از بروکاری اداری و سختگیری های بی مورد در دادن رواید کاست.

فرض کنید با سرمایه ای مکانی را به اندازه واقعی تخت جمشید بازیم و آن مکان را محل استقرار گردشگران نماییم و تمام کارکنان آن مجموعه را با لباسهایی برگرفته از همان دوران مورد پذیرایی قرار دهیم تا با زندگی در آن دوره آشنا گرددند. آیا چنین طرحی هریه ای بیش از احداث سدی مانند سیوند می برد؟ بر فرض که ببرد، آیا عمر مفید و ماندگاری چنین بنایی (اگر به کونه ای بر آن نظرات شود که کار بطور صحیح و به دور از هر گونه اختلال صورت گیرد تا قیمت تمام شده مانند اغلب بروزه های نجومی تگردد) بیش از یک سد نیست؟ مگر از قدیم نگفته اند: اگر می خواهید کسی را یک شب سیر کنی به او یک ماهی بده، اما اگر می خواهی عمری او را سیر کنی به او ماهیگیری باد بد. متأسفانه سردمداران سرزمین ما به دلیل عدم آگاهی از تاریخ و فرهنگ سرزمینشان (حتا به طور سطحی) به ارزش واقعی و سرمایه خپله در این مکانها اهمیت نمی دهد. کشوری با نعمت فراوان و نیاز میرم به اشتغال می باشد

حرث خروج آثار فرهنگی و میراث کهن خود را بخورد و با ادامه روند کنونی به دور از هر گونه تعصی باید شاهد آن باشیم که فرزندانمان برای شاخت و با تحقق در تاریخ سرزمینمان با قبول رنج فراوان به کشورهای دیگری بروند و در آنجاشاخت از خود را مورد مطالعه قرار دهند که این جای افسون دارد. بدون هیچگونه زیاده گویی باید بگوییم که با این سرعت تخریب فکری و فرهنگی، فرزندان بروند این سرزمین در آینده به جای افتخار به کشورش بزرگ و سایر نیاکانمان به ساختهای تخلی و عجیب همچو سوپرمن ها و هری پاترها و... افتخار خواهند کرد و آنها را الکوی خود می مازند و پس از رشد و بالانسکی، فردی می شوند با فرهنگی مخلوط و عدم ثبات که این عدم ثبات باعث می شود با نیمه خواه از سمت غرب و خواه از سمت کشورهای عربی یا خاور دور بدان جهت گرایش باید.

ایند آنکه سرزمین آذیتی از این آسیب ها به دور باشد.

در جهان کنونی بکی از اهرم های بسیار مؤثر و قوی برای هر کشور اقتصاد است. کشوری که اقتصادی قدرتمند دارد، قدرت چانه زنی آن در جهان بسیار بالا می رود. همین امر باعث می شود که کشورهای بزرگ جهان سعی در جذب سرمایه و رشد اقتصادی خود کنند. در اقتصاد، جذب سرمایه و به دنبال آن اشتغال زایی و گردش بول، رشد و پیشرفت یک کشور را به همراه دارد و کشوری که از سرمایه های به دست آمده خود به بهترین وجه استفاده نماید، توسعه اقتصادی و سیاست خود را تضمین می نماید و درآمد آسیب پذیری اقتصادی و فرهنگی را کاهش می دهد.

در اقتصاد در فیال کالای تولیدی که ازانه می شود، خردبار می باشد بول و یا کالای مورد احتیاج فروشده را که از نظر ارزشی با کالای ازانه شده برای این تند پرداخت نماید. نمی تواند کشمان کرد که برسودترين تجارت آن است که کالایی هادی برای فروش ازانه شود اما در قبال آن بهای از سایر کشورها دریافت شود. چند خط بالا اشاره ای است به یکی از برسودترين تجارت های امروز جهان که سومین صفت قرن کنونی را ایجاد کرده است و آن صفت گردشگری و جذب سرمایه برای زیرساخت های گردشگری می باشد که گاه خود کشورها و دولت مردان کشورها آن را متفق می شوند و گاه از درآمدهای مملکتی زیرساخت هایی نظیر هتل، راه ها، بازارهای خرد و مراکز خوراکی و تزیبی را ایجاد کرده (مانند کشورهای ایتالیا و مصر) و در برخی دیگر سرمایه ها را از سایر کشورها کنمن می کنند (ترکیه).

اما صفت گردشگری برای کشورهای حائز اهمیت است که کشورشان دارای آثاری کهنه باشد تا با جاذبه های آن بتوانند مردم سایر کشورها را ترغیب به دیدار از کشور خود سازند. بسیاری از کشورهای غربی از این نظر غیر هستند و به ناجا مجبور گشته اند آثاری مخصوصی را ایجاد سازند (شهریاری مانند دیسمبی لند و پارک های آئی و...) و با بهانه طبیعی خود مراججه می کنند (استوپوریت) و راه آخر آنکه با چاپول آثار کشورهای غنی از نظر تاریخی و فرهنگی و بنا احداث موزه هایی بزرگ از آثار چاپول شده از سرتاسر دنیا، با اتخاذ از مردم همان سرزمین هایی نظیر هتل، راه ها، بازارهای خرد و مراکز خوراکی و تزیبی را ایجاد کنند که به کشور آنها یابند و گنجینه های خودشان را مشاهده کنند و از این نظر درآمد براي کشور خود کسب کنند.

عامل فقر و عدم آگاهی مردم سرزمین های کهنه یکی از بهترین نیروهای در کمک به این جریان و چاپول آثار فرهنگی - تاریخی می باشد که در گذشتگان نهادی است، به عنوان مثال از چاپول آثار شهر سوخته در سیستان، چند بیش نهایشگاهی در گذشتگان بروبا شد و

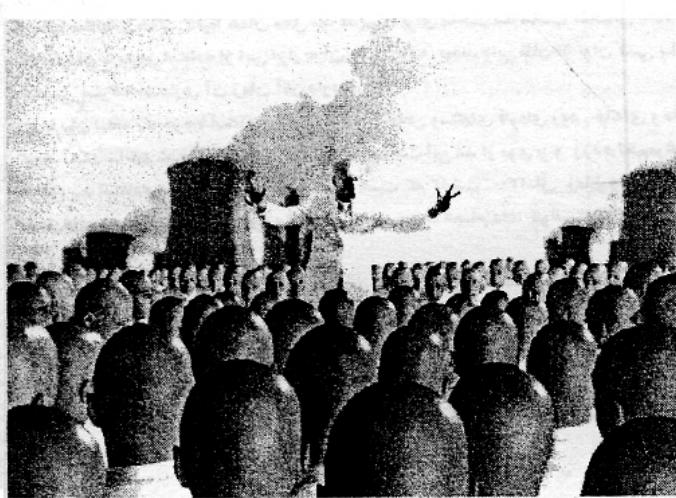
جانب آنکه برخی از این آثار توسط مردم همان شهر به بیکانهان و قاجاقچان فروخته شده است. کشور ما ایران از نظر تعداد آثار باستانی و محوطه های کهنه رتبه چهارم در دنیا را دارد.

اما جانب آنکه از نظر جذب گردشگر و درآمدزایی رتبه بسیار بایینی دارد و مسئولان مملکتی ایران در میان سایر کشورها تنها در فرصت سوزیها و تخریب آثار باستانی رقه نخست را کسب کرده اند و شاید در کسب این رتبه نیز بسیار کوشیده اند!

میزان اشتغال زایی و توسعه و یخش تروت که به واسطه گردشگری ایجاد می گردد با هیچ صفتی قابل مقایسه نیست و نفوذ فرهنگی که با تماش و معرفی تعدد هر کشور به کشورهای مجاور آن رسخ می کند شاید قدرتمند ترین سلاح برای ارتش هر کشور باشد، اما متأسفانه در

کشور ما اینجا از تخریب آثار فرهنگی و فرهنگی به امری عادی و تغیر روزمره تبدیل گشته و جالب آنکه شماری از مسئولان سازمان گردشگری و میراث فرهنگی هر شخص یا هنری دا که در این امر فعالیت می کند، با دیدی تصریح آزمی تکرند و خود را اینها مسئول حفاظت از این میراث می دانند، که البته مسئولیت خود در عدم اعتراف به تخریب آثار فرهنگی و کهنه ایران را به خوبی انجام داده اند. در کشور ما تخریب میراث کهنه جایگزین این استفاده از ظرفیهای بسیار فراوان گردشگری، با توجیهاتی به ظاهر منطقی شده است. نمونه هایی از این دست شامل: برج جهان نما، چغازنبیل، سد سیوند، پیشون و... نشانه هایی شاخته شده برای آثاری که شناخته شده نیستند. جواب دست اندک کاران به این خود کشی فرهنگی چیست؟ در حالی که با شعار بر روی کاغذ خشکیده مبارزه با تهاجم فرهنگی «سالها مردم ایران را بسیاران کرده اند و امروز به همان توسعه اقتصادی کشور، وسائل دفاع فرهنگی مردم این سرزمین را که آثار باستانی و هویت فرهنگی آنهاست ازین می بیند.

هسته ای که از نعامی دولتها خدمتکار و مردمی روی کار آمده می برسیم که جرا آثار کهنه این سرزمین را اینکه از بین می برد با جواهی عجیبی روپر می شویم. برخی می گویند که برای توسعه اقتصادی نیاز داریم که سرزمینمان را توسعه دهیم و توسعه هزینه دارد و مانعی باشد بایست بخاطر یک مشت خاک و گوزه شکسته توسعه مملکت را غصب پیشاند. اگر کمی صدایمان را بالاتر بیریم، جوابی که می شویم این است: خودتان بروید جواب کشاورزی را که در پایین داشت متوجه آب سد سیوند است بدیدن (برای نمونه سد سیوند را مطرح کرده ام)، غافل از اینکه جرا از نیروی آن کشاورز ناید در جای دیگر در صفت گردشگری برهه برد، آیا



تاریخ نویسان و معنی سد سیوند

ارشیا لشگری

نارنگار(بولاس) و نارنگارنویسی در حصر اطلاعات از جمله پدیدهای غیرمتوجههای بود که با برایم بیشتر شد که از روی یک نظره عادی و معمولی، فاصله میان پاسارگاد تا نخست جمشید را از رشدی چشمگیر و به دست آوردن مخاطبان بیار نواست به قبیلی بزرگ برای خبرگزاریهای سنتی که با بودجه های کلان توسط اروپایان قادر اداره می شوند تبدیل گردد. تارنگارنویسی در ایران نیز همزمان با دیگر نقاط جهان آغاز گردید و به جرات می توان گفت با آزادی عمل و اینکاری که جوانان ایرانی از خود نشان دادند به یکی از بزرگترین صاحبان بولاس در جهان تبدل شدند. آنان هر زمان مناسب با وقایع روز با نوشتن مطالب و بوشنگ گشته آن در سطح اینترن موجی را برای می انداختند که اثرات آن در جامه قابل مشاهده بود. کمکایی که برای زمین لرزه دی به جمع آوری شد به همراه همدردیهایی که انجام می گرفت، اختلاف به تحریف نام خلیج بارس، نظرات مختلف درباره انتخابات ... و نمونه اخیر آن اطلاع رسانی گشته ای که در قبال ساخت سد سیوند و اثرات ناشی از آن بر محظه پاسارگاد انجام گرفت، در نوع خودش قابل توجه بود و نشان دهدنه اهمیتی که این موضوعها برای جامه جوان ایرانی دارد و ای کاش مسولان ما که در اکثر مواقع گشته برای جوانان و نظرات آنها - جز هستگام انتخابات - ارزش چندانی قائل نیستند و به بیان ملایمتر گفت فرست دارند که با جوانان سر یک میز نشته و نظرات آنان را جوغا شوند با مراعته به ویلگها و خواندن تعدادی از آنها به عنوان مبنی واقعی از خواست جامعه به اهمیت موضوع بی بیرنده و کمی انعطاف پیشتر در قبال مسائل این جنبه ای از خود نشان دهن. به عنوان نمونه تعدادی از متن هایی که در این زمینه در ویلگها نوشته شده در ادامه آورده می شود و چون تعداد این متنها بی شمار است از آوردن منبع خودداری می نهایم تا حقی از آنها کار گردند اما قابلی از آنها آورده نشده ضایع تگردد: ایران سرزمینی است با پیش از هد هزار سال تاریخ تمدن و سیوند روسانی است از روساهای ایران که در استان فارس و در سه کیلومتری جاده شیراز - آباده واقع شده کاست در این منطقه سدی در حال ساخته شدن است تا گذشته این سرزمین را به بیانی بکشد، آرامگاه کوروش بزرگ، کاخ بار عالم، کاخ دروازه و نشانه بلاغی از جمله بناهای باستانی است که با ساخته شدن این سد به زیر آب خواهد رفت. در زمانه ای که دولت های آگاه و متعدد برای تکه داری کوچکترین شیه تاریخی خود هزینه های بسیار می برد از این زمینه در سرزمین ما ایران، سرایه مملکت صرف ساختن بدون مطالعه سدی می شود که تنها و تنها یکی از بیانی هایی که به بار می آورد به زیر آب بودن هشت کیلومتر از نشانه هجده کیلومتری بلاغی است که به گفته کارشناسان، غارهای، مسیرهای باستانی، تپه های ویژه دفن مردها، آبراهها و بیاری از مراکز موجود در آن تاکنون ناشناخته مانده اند. از آن جایی که گوشی شنوا در میان کارهای دستان برای شنیدن صدی ای از درد و بیانی گذشته اش به فریاد برآمده، نمی بینم و از آنچا که ابعاد این فاجعه را فرامی می دانیم، همکان را برای حفاظت از آنچه تعلق به ایران و نوع پسر است به باری فرمی خواهیم، قبل از ذکر هر مطلبی سد سیوند در استان فارس و تعدادی از آنچه تکمیل سد سیوند در این فارس را به ایران دوستان و ایران پرستان تبلیغ بکویم. با تکمیل شدن سد سیوند در استان فارس ۲۵۰۰ ساله ایران برای همیشه زیر آب مدفع خواهد شد. تکنیکی که در فراسوی افکار عمومی فرار دارد این است که چرا مسولان ذیپر در سکوت مطلق بسیار می بزند و خود را آماده سوگواری برای تقدیم ایران سرزمین می کنند! اتفاقا جای تاسف است که خبرگزاری میراث فرهنگی از مکان های تاریخی این کشور بی اطلاع است و نمی داند که آبگیری سد سیوند برای نشانه بلاغی و تپه باستانی رحمت آباد خطرناک است نه برای محوطه باستانی پاسارگاد. چند سال پیش فرستی شد تا بیک هوایمای سپاه متعلق به یک شرکت لهستانی که خلبانی آن را یک لهستانی عاشق فرهنگ ایرانی به نام مستر بوگدان بر عهده داشت بر فراز آنچه که امروز سد سیوند نام گرفته و زمین های بایین دست آن که فرار بود بعدها به زیر آب بود، برواز گرد. وقتی بر فراز آنچه که نشانه بلاغی نام دارد برواز می کردیم و جود تکمه ای که دارای دیواره های سرگی بیاری منظمی بود توجه من را به خود جلب کرد. چند روز بعد با توجه به اینکه عجیب بودن این دره من را بیار منحیر گرده بود با چند تن از دوستان به نشانه بلاغی رفیتم و از کنار رودخانه ای که آنچه بود میری را پی گرفتم. البته بعدها فهمیدم که دره بربده شده مذکور همان جاده شاهی است که توسط داریوش هخامنشی اجرا شده بود. برایم عجب بود که در میان صخره های سنتی بیار بلندی که در آن میر و جود داشت در بعضی نقاط به نظر می رسید که برشی در سنتها ایجاد شده است. خوب که دقت کردیم در یافتن بعضی از قسمت های میر این دره طبیعی و برخی به وسیله برش کوه و شکافن صخره های ایجاد شده است و از همه جالب تر نوع برش های سنتک بود که با نوع برش سنتک های بزرگ و حجمی در تخت جمشید بیار شاهد شد. تمامی ظواهر نشان می داد که این میر در زمان داریوش با یک نشانه مهندسی دقیق راه سازی و با هنگامی که میر و جود داشت. همانچنانچه در زمان داریوش با یک نشانه مهندسی دقیق راه سازی حکومت هخامنشی یا در زمان کوروش با در زمان داریوش با یک نشانه مهندسی دقیق راه سازی و با پیجده ترین ایزد و آلات حفاری و تقطیع آن زمان ساخته شده است. لازم به ذکر است پس از گذشتن از نشانه بلاغی به دشته وارد می شدیم که پس از طی میری به طول ۲ یا ۳ کیلومتر به سمت شرق به منطقه پاسارگاد و مقبره کوروش می رسید. عجیب بودن این موضوع و تکنولوژی های مورد استفاده جهت ایجاد این راه بین مقبره کوروش ۶ شهر استخر (لازم به کرد پیش از بشیمانی).

منشور حقوق بشر کورش بزرگ، برگه‌ای ذرین از جهش تکاملی بشریت

رضا مرادی غیاث آبادی

اما با وجود رفشارهای ناپسند پادشاهان آشور و بابل و حکمرانان امروز جهان، کورش پس از ورود به شهر بابل با مردم شهر چین و فشار کرد... آنکه که بدون جنک و پیکار وارد بابل شد، همه‌ی مردم گامهای مرأ با شاده‌های بدیرفتند... مردوک او دقت کنید که کورش با وسعت دیدی بی همراهی مردوک، خدای بابلیان ائمه دارد و جون «خداؤند جان و خرد» را فراتر از هر چیزی می‌بیند، منع‌بانه‌ی تها بر قام وی تیکه نمی‌کند تا میادا دون شان خود بینند نام دیگر خداواری و آوانویی و ترجمهدی آن انجام شد، نشان داد که این نوشته در سال ۵۳۸ پیش از میلاد به هنگام آزادسازی شهر بابل و به فرمان کوش بزرگ هخامنشی (۵۰۵-۵۰۰ پیش از میلاد) نوشانده شده است.

اما با وجود رفشارهای ناپسند پادشاهان آشور و بابل و حکمرانان امروز جهان، کورش پس از ورود به شهر بابل با مردم شهر چین و فشار کرد... آنکه که بدون جنک و پیکار وارد بابل شد، همه‌ی مردم گامهای مرأ با شاده‌های بدیرفتند... مردوک او دقت کنید که کورش با وسعت دیدی بی همراهی مردوک، خدای بابلیان ائمه دارد و جون «خداؤند جان و خرد» را فراتر از هر چیزی می‌بیند، منع‌بانه‌ی تها بر قام وی تیکه نمی‌کند تا میادا دون شان خود بینند نام دیگر خداواری و آوانویی و ترجمهدی آن انجام شد، نشان داد که این نوشته در سال ۵۳۸ پیش از میلاد به هنگام آزادسازی شهر بابل و به فرمان کوش بزرگ هخامنشی (۵۰۵-۵۰۰ پیش از میلاد) نوشانده شده است.

از زمان تکارش این فرمان تا به امروز ۲۵۴۴ سال می‌گذرد. ترجمه و انتشار فرمان کوش بزرگ (کورش دوم) پرده از نادانه‌های بسیار پوادشت و به زودی به عنوان «نخستین منشور جهانی حقوق بشر» نظری عالمگیر بافت و نایابندگان و حقوق‌دانان گوتاگون جهان در سال ۱۳۶۸ خورشیدی با گرد همسایه در کنای آرامکاه کوشش در بازار گاد، از او به نام نخستین پیش‌گذار حقوق بشر جهان یاد گردند و اورا ستودند، حقوقی که انسان امروز پس از دهار و پانصد سال در ادبیات ایجاد و فراهم سازی آن افتاده است و آرزوی گسترش آن را در سر می‌بروراند.

جه چیز باعث شده است تا فرمان کوش به این بایه از شهرت پرسد؟ باخ این پرسش هنگامی در ریاضت می‌شود که فرمان کوش را با دستورها و نوشته‌های دیگر فرمانروایان همزمان خود و حتاً حکمران امروزی به سنجش نکنند و بین آنها داوری کنند.

آشور نصر پال، شاه آشور (۴۸۸ پیش از میلاد) در کتبیه خود نوشته است:

«... به فرمان آشور و بشارة، خدايان بزرگ و حاميان من... شتمد فرق از لشکر دشمن را بعد ملاحظه سر بریدم و سه هزار نفر از اسرائين را زنده زنده در آتش سوزاندم... حاکم شهر را به دست خودم زنده بوسیت کنم و بیوش را به دیوار شهر آویختم... بسیاری را در آتش کباب کردم و دست و گوش و بینی زیادی را بریدم، هزاران چشم از لکه و هزاران زبان از دهان بیرون کشید و سرهای بزیده را از درختان شهر آویختم...»

در کتبیه ساتخرب، شاه آشور (۴۶۸ پیش از میلاد) چنین نوشته شده است:

«... وقی که شهر بابل را تصرف کردم، تمام مردم شهر را به اسارت بردم، خانه‌هایشان را جنان ویران کردم که به صورت تلی از خاک در آمد. همه‌ی شهر را جنان آتش زدم که روزهای بار دود آن به آسمان می‌رفت، نهر فرات را به روی شهر جاري کردم تا آب حتا ویرانهای را نیز با خود ببرد...»

در کتبیه آشور بانیال (۴۶۵ پیش از میلاد)، متعدد ترین پادشاه آشور، پس از تصرف شهر شوش، پایان‌نخست ایلام (تمدن ایلامی، جنوب ایران را فراگرفته بود) آمده است:

«... من شوش، شهر بزرگ مقدس... را به خواست آشور و ایثار فتح کردم... من زیگورات شوش و خدايان و الاه‌هایش را به باد بینما دادم. سپاهان من وارد بیهودهای مفترش شدند که هیچ پیشانه‌ای از کارش تکذیبه بود، آن را دیدند و به آتش کشیدند. من در فاصله یک ماه و بیست و پنج روز راه، سرزمین شوش را تبدیل به بک ویرانه و صحرای لم بزرع کردم... ندای انسانی و فریادهای شادی... به دست من از آنجارا خخت بریست، خاک آنجا را به توپه کشیدم و به مازان و عقربها اجازه دادم آنها را اشغال کنند...»

و در کتبیه نبوکد نصر، شاه بابل (۵۶۵ پیش از میلاد) آمده است: «... فرمان دادم که حد هزار چشم در آورند و حد هزار ساق با را بستند. هزاران دختر و پسر جوان را در آتش سوزاندم و خانه‌ها را جان ویران کردم که دیگر باتک زنده‌ای از آنجا بخیزد...» این رویدادهای غیر انسانی تهیه به آن روزگاران تعلق ندارد، امروزه نیز مردمان جهان با چنین ستمها و خلوت‌هایی رو به رو هستند. هنوز جنایت‌های جنک‌های جهانی یکم و دوم فراموش نشده‌اند، کورهای

آدم سوزی هیتلر، اردوگاه‌های مرگ استالین، جنایت‌های آمریکا در ڈاین و ویتنام، فرانسه در الجزایر، ایتالیا در جسته و لبی، بریتانیا در آمریکای لاتین، و انگلستان در سراسر جهان از پادها نزفه‌اند. آزاداندیشان هرگز فراموش نخواهند کرد که در عراق، صدام ایا بستبیانی

همین مدعیان غربی حقوق بشر ایمپهای شیمیایی بر سر مردم بی دفاع هلهجه فرو ریخت و همه‌ی آنها را از پیر و جوان و زن و کودک به وضعی رفت اتفاقی غایب کرد و در افغانستان دهها

هزار تن از مردم غیر نظامی و بی دفاع شهرها قربانی مطاعم گروههای چون طالبان شدند، در حالیکه در زندگی روزمره نیز از قحطی و بیماری‌های همه‌گیر، از گرسنگی و وبا و سرما رنج می‌برندند. در بوسنی و در گاتون اروپای متعدد نهایا به اتفاقیهای فرازایی، مردان و زنان و خنا

کوکان را از پیر و جوان و زن و کودک به وضعی رفت اتفاقی غایب کرد و در پیش‌فرن و پیش‌فرن و متنعدن جهان، سلاح‌های مرگی کشان را از شهادت می‌کردند. کشورهای بزرگ و پیش‌فرن و

مستقیماً بر کاشانه مردم رها نمی‌کنند، بلکه آنها را به یهایی گزاف در اختیار خود کامگانی همچون صدام می‌گذاشند تا بر سر جوانان ایران زمین پریزند و آنکه باز هم به یهایی گزاف به درمان

زخم‌های آنان بپردازند و از نقض حقوق بشر گلایه کنند و خود را بزد کشتن بنتیان آن بدانند.



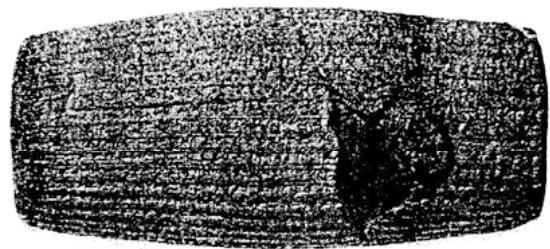
پیشاند، همه‌ی خدايان این نیایش گاههای را به جاهای خود بپارز گردانند. اهالی این محله‌ها را گرد آوردم و خانه‌های آنان را که خراب گردید بودند، از نو ساختم. صلح و آرامش را به تمامی مردم اعطای کردم...» کورش پس از ورود به شهر بابل - در کنار رود فرات و در جنوب بنداد امروزی - فرمان آزادی هزاران بیوه‌ی را صادر گرد که قریب هفتاد سال در بابل به اسارت گرفته شده بودند، هزاران آوند زین و سیمین آنان را که پادشاه بابل از ایشان غنیمت گرفته بود، به آنان بازگرداند و اجازه داد که در سرزمین خود نیایش گاههای بزرگ برای خود بپارز گردند. رفشار کورش با یهودیان موجب کوچ بسیاری از آنان به ایران شد که در درازای بیست و پنج قرن هیچگاه نی آنان و ایرانیان جنک و خشونت و درگیری رخ نداد و آنان ایران را همچن دوم خود می‌دانسته‌اند. در این باره در باب‌های گوتاگون اسفار عزرا و اشیعیا در کتاب تورات آمده است:

«خداؤند روح کورش، پادشاه فارس را برانگیخت تا در تمامی مملکت خود فرمانی صادر کند و بتویسد؛ کورش، پادشاه فارس چنین می‌فرماید که یهود، خدايان آسمان را از مردم بفرموده است که خانه‌ای برای او در اورشلیم که در یهود است بنا نمایم، پس کیست از شما از تمامی قوم او که خداش با وی باند و به اورشلیم که در یهود است برود و خانه یهود را که خدای حقیقی است در اورشلیم بناید؟... پس همکی برخاسته و روان شدند تا خانه خداوند را که در اورشلیم است بنایند و کورش پادشاه، ظروف خانه خداوند را که نبوک داد نصر آنها را از اورشلیم آورده و در خانه خداوند خود گذاشته بود، بیرون آورد و به ریس یهودیان سپرد. در اینجا ماملکه به این تکه تاکید کنید که با وجود اینکه منشور کورش بزرگ را «نخستین اعلامیه جهانی حقوق بشر» می‌دانند، اما نوآوری چنین فرمائی از کورش نبوده است، بلکه این فرمان فرآیند فرهنگ ایرانی بوده است؛ فرهنگی که هرگز دستور به غارت و آدکنی و ویرانی نداده است، و کورش این رفشار را از مردمان سرزمین خود، از نیاکان خود، از یهایی گزاف در اختیار خود کامگانی همچون مادر و از بروش او آموخته بوده و به کار بسته است. سرافرازی نخستین یاشه جهانی حقوق بشر نه تنها برای کورش، بلکه همچنین برای فرهنگ کنوری است که سراسر یهنه بهناور آن از کهن

توین روزگاران، تابش گاه اندیشه نیک و کودار نیکی بوده است که امروزه و از پس هزاران سال، مردمان جهان در آرزو و آرمان فراهم ساختن آن هستند. یافته که مانیز... چونان گذشته ها در کار جهانی پلشیامنشور کورش هخامنشی ارمنی است از سرزمین ایران برای جهانی که از جنگ و خشونت خسته است و از آن رنج می‌برد.

متن کامل

منشور کورش هخامنشی



۱۲. از دودمانی که همیشه شاه بوده اند و فرمانروایی اش را «بیل» (خدا) و «نبو» گرامی می‌دارند و با خرستنی قلبی پادشاهی او را خواهانند ... آن گاه که بدون جنگ و پیکار وارد بابل شدم.

۱۳. همه‌ی مردم گام‌های مرا باشدامانی پذیرفتند. در گاه پادشاهان بابل بر تخت شهر باری نشتم. مردوک دل‌های یاک مردم بابل را متوجه من کرد ... زیرا من او را ارجمند و گرامی داشتم.

۱۴. ارتش بزرگ من به آرامی وارد بابل شد. نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید.

۱۵. وضع داخلی بابل و جایگاه‌های مقدس اش قلب مراتکان داد ... من برای صلح کوشیدم. نبونید مردم درمانده‌ی بابل را به بودگی کشیده بود. کاری که در خورش آنان نبود.

۱۶. من بوده‌ی داری را برآنداختم، به بدینختی‌های آنان بان بخشمیدم. فرمان دادم که همه‌ی مردم در پرسش خدای خود آزاد باشند و آنان را نیازارند. فرمان دادم که هیچ کس اهالی شهر را از هستی نیندازد. مردوک از کار نیک من خشوند شد.

۱۷. او بر من، که سایشگر او هستم و بزرگم بجهه بسر من و همجنین بر همه‌ی سپاهان من.

۱۸. برکت و مهربانی اش را ارزانی داشت. ما همکنی شادمانه و در صلح و آشتی مقام بلندش را ستدیم. به فرمان مردوک همه‌ی شاهان بر اورنگ پادشاهی نشناختند.

۱۹. همه‌ی پادشاهان سرزمین‌های جهان، از دریای بالا تا دریای پایین (دریای مدیرانه تا خلیج فارس)، همه‌ی مردم سرزمین‌های دور دست، همه‌ی پادشاهان «آموری»، همه‌ی چادرنشیان.

۲۰. مرخ خراج گذارند و در بابل بر من بوسه زدنند. از ... تا آشور و شوش.

۲۱. من شهرهای «آکاده»، «اشتونا»، «زمبان»، «متورنو»، «دیر»، سرزمین گوتیان و همجنین شهرهای آن سوی دجله را که بیروان شده بودند از نو ساختم.

۲۲. فرمان دادم تمام نیاشگاه‌های را که بسته شده بود، بکشانند. همه‌ی خدایان این نیاشگاه‌ها را به جهای خود بازگرداندم. همه‌ی مردمانی را که برآنده و آواره شده بودند به جایگاه‌های خود برگرداندم. خانه‌های بیرون آنان را آبد کردم.

۲۳. همجنین پیکره‌ی خدایان سومر و اکد را که نبونید بدون واهمه از خدای بزرگ به بابل آورده بود، به خشنودی مردوک، به شادی و خرمی.

۲۴. به نیاشگاه‌های خودشان بازگرداندم، باشد که دل‌های شاد گردد. بشود که خدایانی که آنان را به جایگاه‌های مقدس نخستین شان بازگردانیم.

۲۵. هر روز در نیاشگاه خدای بزرگ برایم خواستار زندگی بلند باشند. بشود که سخنان بر برکت و نیخواهانه برایم بیانند، بشود که آنان به خدای من مردوک بتوونند: «کورش شاه، پادشاهی است که تو را گرامی می‌دارد و برش کمبوجه».

۲۶. یا گمان در آرزوهای سازندگی، همه‌ی مردم بابل پادشاه را گرامی داشتند و من برای همه‌ی مردم جامعه‌ای آرام مهاساختم و صلح و آرامش را به نفامی مردم اعطای کردم.

۲۷. ... باروی بزرگ شهر بابل را استوار گردانیدم ...

۲۸. ... دبور اجری خندق شهر را.

۲۹. که هیچ یک از شاهان پیشین بازدگان به بیکاری گرفته شده، به پایان نرسانده بودند،

۳۰. ... به انجام رسانیدم.

۳۱. دروازه‌هایی بزرگ برای آنها گذاشتیم با درهایی از جوب سدر و روکشی از هرق ...

۳۲. ... جوی ناهی خوب که او را باری دهد. آنکه او نام کورش پادشاه «اشنان» را برخواند. از او به نام پادشاه جهان یاد کرد.

۳۳. او تمام سرزمین «گوتی» و همه‌ی مردمان مادر را به فرمانبرداری کورش درآورد. کورش با هر سیاه سر» (منظور همه‌ی انسانهاست) دادگاه رفاقت کرد.

۳۴. کورش با راستی و عدالت کشور را اداره می‌کرد. مردوک، خدای بزرگ با شادی از کاردار نیک و اندیشه نیک این بنشیان مردم خوستد بود.

۳۵. بنابر این او کورش را برانگیخت تا راه بابل را در بیش گیرد. در حالی که خودش همچون باوری راستین دو شادو شو او گام بر می‌داشت.

۳۶. لشکر پر شمار او که همچون آب رودخانه شمارش نایذر بود. آراسته به انواع جنگ افزارها در کنار او ره می‌سپرددند.

۳۷. مردوک مقدار کرد تا کورش بدون جنگ و خونریزی به شهر بابل وارد شود. او بابل را از هر بلایی این داشت. او نبونید شاه را به دست کورش ببرد.

۳۸. مردم بابل و سراسر سرزمین سومر و اکد و همه‌ی فرمانروایان محلی فرمان کورش را پذیرفتند. از پادشاهی او شادمان شدند و با چهره‌ای درخنان او را بوسیدند.

۳۹. مردم سروری را شادباش گفتند که به باری او از جنگال مرگ و غم رهایی پالند و به زندگی باز گشتد. همه‌ی ایزدان او را ستودند و ناشی را گرمی داشتند.

۴۰. منم کورش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه دادگر، شاه بابل، شاه سومر و اکد، شاه چهارگوشه جهان.

۴۱. پسر کمبوجه، شاه بزرگ، شاه اشنان، نوه کورش، شاه بزرگ، شاه اشنان، نیمه‌ی چیش بیش، شاه بزرگ، شاه اشنان.

ایران، اسلام و نگهداشت یادمانهای باستانی

محسن قاسمی شاد



در حدود ۹۸٪ مادرم ایران مسلمانیم، ما ایرانیان مسلمان به اسلام به حکم اینکه مذهب ماست ایمان و اعتقاد داریم و به ایران به حکم اینکه میهن هاست مهر می ورزیم. از این رو سخت علاقه مندیم که مسابلی را که از یک طرف با آنچه به آن ایمان و اعتقاد داریم و از طرف دیگر با آنچه به آن مهر می ورزیم بیوند دارد به روشی درگ کنیم و تکلیف خود را در آن مسابل بدانیم. ما هم احساسات مذهبی اسلامی داریم و هم احساسات مهندی ایرانی، که این احساسات هیچ کدام همیگر را تقض نمی کند. همانطور که می دانیم حب الوطن به عنوان نشانه ای از ایمان فرموده ی پیامبر اکرم (ص) است.

برای اسلام به عنوان یک دین که به حکم محتوای غنی خود ملتی با هوش و مندم و صاحب فرهنگ را شیخته ی خود ساخته است و برای ایران به عنوان یک ملت که به حکم روح حقیقت خواه و بی تخصیب فرهنگ دوست خود بیش از هر ملت دیگر در برایر حقیقت خضوع کرده و در راهش فداکاری نموده است. نزدیک ۱۴ قرن، ما با اسلام به سر برده ایم و این دین در متن زندگی ما وارد و جزء زندگی ما بوده است، با آداب این دین مردمهای خود را به خاک سپرده ایم، تاریخ ما، ادبیات ما، سیاست ما، فناوت و دادگستری ما، فرهنگ و نعمت ما، شون اجتماعی و بالآخره همه جیز ما با این دین توان بوده است و خواهد بود. ملتهای بسیاری به اسلام گرویدند و در خدمت این دین در آمدند و در راه نثر و بسط نسلیم آن کوشیدند و با همکاری با هم تمدنی عظیم و با شکوه به قام تمدن اسلامی به وجود آوردند. می دانیم که سهم خدمات ما، ایرانیان به اسلام از تمام مسلمانان بیشتر است. ما ایرانیان بودیم که باعث نثر اسلام در سرزمینهای هند، اندونزی، مالزی، چین، یمن و ... و دیگر سرزمینها شدیم که با داد و ستد بازگشایان ایرانی با دین اسلام آشنا شده و مسلمان شدند. از دلیل‌هایی که در این نفوذ اسلام از راه ایران به شرق دور می توان باد کرد، این است که در خاور دور هشتاد طرز صحیح قرائت قرآن برای نشان دادن حروف مصوت الفای عربی، اصطلاحات فارسی به کار می بردند نه عربی. نشانه ای دیگری نیز از قانیر فرهنگ ایرانی در ضمن مطالعات آثار شرق دور می توان یافته این است آنها برخی از واژه های دینی را از مفاد لارسی آن پهنه مند می شوند ماقنند نماز که صلاه نمی گویند (برای اطلاعات بیشتر بکنید به کتاب اسلام، صراحت مقتضی، صفحات ۴۶۶ تا ۴۶۷). از خدماتی که ایران به اسلام کرده، نخست نعمت بزرگ ایرانی است که ایرانیان بقایای تمدن قطبیت شده و پرورده ای را به اسلام تحويل دادند که بر اثر آن حیاتی که این مذهب در آن دیدگان تازه ای گرفت: اداره ی سوزمین اسلامی، نشر و تبلیغ اسلام، سربازی و فداکاری نسبت به اسلام، دانش و فرهنگ عظیم ایرانی، قرائت و تفسیر قرآن، روایت، کلام، حدیث،

در جای دیگر افرادی را به عنوان اسوه پاد می کنند توجه به شخصیت دنیابی آشنازدارد. شخصیت اخلاقی و انسانی را در نظر می گیرد آنچنانکه به لفمان لقب حکیم می دهد و بکسری هم به نامش می شود. در جاهای بسیاری هم انسانهای بدسرشت را مورد تکوهش قرار می دهد تا کسانی که مطالعه می کنند باعث سرمشق گرفتن از آنها شوندو یا قرآن صحنه های مختلفی را به پاد می آورد که در آن صحنه ها گروههایی از مستضطان را محکوم و داخل در گروه کافران و مشمول عذاب الهی معزوف می کنند. (سوره ناء آیه ۱۲، سوره ابراهیم آیه ۲۱، سوره سبا آیه ۳۲ تا ۳۷، سوره غافر آیه ۴۲ تا ۵۰)



و در جای دیگر علی (علیه السلام) در آن سخن تاریخیش که در لابلای وصایایش به فرزند برومندش کرده جنین می فرماید:

فرزند من هر چند عمر پیشین را یکجا نداشتام، ولی در اعمال آنها نظر افکندم، در اخبارشان اندیشه نمودم، و در آثارشان به سیر و سیاحت پرداختم، آنچنان که گوئی همچون یکی از آنها شدم بلکه گونی من به خاطر آنچه از تجربیات تاریخ آنان دریافت شده با اولین و آخرین آنها عمر گردد ام. امیر مومنان در خطبه ۱۸۳ می فرماید، شما در راهی روش گام بر تلاش و کوشش در تمام جنبه های مدنی پیدا می کنند. دیگر می توانیم بگوییم که ما هستیم و می توانیم در این دهکده جهانی مفید و ارزشمند باشیم. تاریخی که ما همینه فقط از خودمان دفاع کردیم و در اوج و قدرت نیز از مستضطان جهان حمایت کردیم، باید دست اند دست هم خودمان را با تهدادش یادمانهای فرهنگیمان بهتر بشناسیم.

منابع:

- ۱- خدمات مقابل اسلام و ایران: استاد مرتضی مطرب
- ۲- فصله های قرآن: سید محمد صحفی

سرگذشت گذشتگان و شرح حال پایه ایان عالیقدر، انسانهای نیکو سرشت، امتهای و ملتهای یشین است، ولی هدف از نقل داستانهای پیشینان، سرگرمی و داستانسرایی نیست بلکه قرآن کریم در تشریح این امور، یک هدف را تعین می کند و آن، هدایت و راهنمای مردم و تربیت جوامع بشی و عبرت گرفتن آیندگان از سرنوشت گذشتگان است. به این ترتیب، قرآن کریم در آیات متعددی تصریح فرموده و یادآوری می کند ما داستانهای ملتهای گذشته را بازگو می کنیم تا مردم بیندیشند و خرد خود را به کار اندازند و از ماجراهایی که بر گذشتگان رفته، بندگیزند. در سوره اعراف، پس از بیان قضتی از سرگذشت بنی اسراییل در آیه ۵۷ می فرماید: اینست مثل مردمیکه آیات ما را تکذیب کردند، پس تو ای یاپیر گرامی، داستانهای آنرا برای امانت بازگو کن، شاید بیندیشند و اندیشه خود را بکار گیرند. در سوره ی يوسف، پس از نقل داستان آموزنده ی يوسف در آیه ۱۱۱ می فرماید: همانا در داستان يوسف و برادرانش، عبرتی است برای خردمندان، اینها سرگذشتاهای دروغین و ساختگی نیست، بلکه تصدیق ماجراهایی است که در دیگر کتابهای اسلامی موجود است و بیان اموری است که مردم در راه رسیدن سعادت و رستگاری، به آنها نیازمند و محتاجند و وحتمی است برای مردم با ایمان. به عنوان نمونه دیگر افالم بیرون ای ارض فیضروا کیف کان عاقبتة الذین من قبلهم کانوا اکثر منهم و اشد قوہ و آثاراً فی الارض فاما اخشی عنهم ما کانوا یکسون»

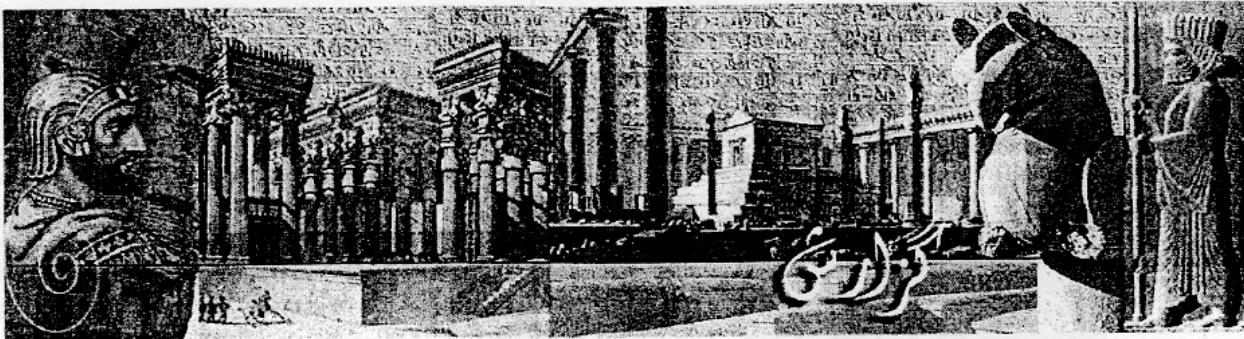
«آیا مردم در زمین به سیر و سفر نمی روند تا عاقبت حال پیشینان خویش را که آنان بسیار بیشتر و فوی تر و موثرتر در سرزمین بوده اند، مانده کنند؟ و آنچه اندوخته آنها را (از مرگ و هلاک) حفظ و حمایت می کرد؟

قرآن جامعه را به دو قطب مادی و معنوی تقسیم کرده، قرآن کافران، مشرکان، منافقان، فاسقان، مفسدان، مستکبران و مستکران را از مومنان و موحدان و صالحان جدا کرده است. قرآن در درسهای تاریخی خود نه تنها از پایه ایان به نیکی یاد کرده است بلکه مومنان و انسانهای نیک سرشنی را از ایله می دهد که از متن طبقه بولدار و مرغ هستند؛ مانند مومن آل فرعون در سوره مومنون، و یا زن فرعون که شریک زندگی فرعون بود ولی از بهترین زنان پیشی به حاب می آید. برای نمونه دیگر می توان به داستان دوالقین (کوروش بزرگ) در آیه های ۸۱ تا ۹۷ سوره کهف اشاره نمود، که بیشتر جاهای خود را برای دادگیری به سلطه خود در آورده بود. و در احادیث هم این مطالب به وضوح دیده می شود که از تاریخ به عنوان عبرت استفاده کنند. به طور یک نمونه از یاپیر که از تاریخ طایل بخطار بدل و بخش و مهمان نواز بودن (در عین اینکه مسلمان بوده) به نیکی یاد کردن تا خط می مسلمان شود. حضرت علی می فرماید:

«خلف لكم عبر من آثار الماضی عن قبلكم، لتعمروا ایهاء
گذرگاهی از آثار گذشتگان برای شما باقی مانده است تا از دیدار آنها عبرت گیریده (نهیج البالغ)

می دارید و سخنانی را که مردمانی پیش از شما می گفته بازگو می کنید. و یا در خطبه ۱۵۲ می فرمایند: روزگار بر باقیماندگان آن سان می کلدند که بر گذشتگان گذشت و آخرین روزگار همچون نخستین روزگار است، اعمال و رفاقت مانند یکدیگر و شانه هایش روش و آشکارند و در این می بینیم رویدادهایی که در این امت واقع می شود از برخی جهات، شیوه رویدادهای امنهای بیشین است. در واقع منظور بالا اینست که مردمی که تاریخ گذشتگان خود را نداند آن تاریخ را دوباره تکرار خواهند کرد.

علم دیگری که قرآن از تاریخ باد کرده، اینست که، بدون تردید، طبع انسان، به شنیدن و خواندن سرگذشتها و داستانها رغبت و میل فراوان دارد و قرآن کریم، نخستین کتابی است که نقل داستانها و سرگذشت های واقعی پیشینان را در راه تربیت و ارشاد مردم، به کار گرفته و از این میل و رغبت طبیعی، در راه هدایت آنها بهره بوداری کرده است. پس از این پیش می توان استفاده مفید کرد و تاریخ را مورد بررسی و بیووهش قرار داد تا عبرت ما و دیگران باشد و از آنها برای بهتر زیستن استفاده کنیم، ولی این نیاز دارد که تاریخ تکار هم منابع گذشته را بخواند و هم به دیدن یادمانهای گذشته بپردازد زیرا ماد برسی تاریخ تکار در گذشته وجود داشته و زمان وقوع آن در گذشته است و اکنون وجود ندارد، تنها اطلاعاتی از آن ها و بروندۀ ای از آنها در اختیار تاریخ تکار است. تاریخ تکار خود مانند قاضی دادگستری است که بر اساس قرآن و شواهد موجود در بروندۀ فناوت می کند نه بر اساس شهود عینی. تاریخ تکار تحلیهای خود را در آزمایشگاه خرد با ابزار استدلال و قیاس انجام می دهد هر چند موضوع و مورد بررسی تاریخ علمی حواویث و وقایعی است که به گذشته تعلق دارد، قابل تعمیم به حال و آینده است. این جهت تاریخ را بسیار سودمند می گرداند و آن را به صورت یکی از منابع شناخت انسانی در می آورد و او را بر آینده اش مسلط می نماید. اگر ما این ابزار و ابزارهای دیگریم دیگر تاریخ تکار نمی تواند در این زمینه بیووهش کند و در اختیار دیگران برای عبرت قرار دهد. پس شایسته است که از یادمانها و آثار و میراث فرهنگی خود به نحو احسن تهدادی کنیم و تکلاریم این آثار ارزشمند از این بود و یا باعث از این رفتن این آثار باساخت سد و جاده و غیره شویم چون این یادمانها نه تنها متعلق به ماست بلکه متعلق به تمام انسانها و حتا شهای آینده است و برای آنها نمی شود قیمت و ارزشی تعیین کرد. اگر ما امروز از تاریخ صحبت می کنیم برای آن نیست که خودمان را فریب بزنیم یا به دیگران فخر بفروشیم. ما تاریخ را یاد می گیریم که از تجربیات گذشته بهره گیریم، به آن نیاز داریم تا در مقابل کسانی که قصد تخریب و تغیر ما را دارند استدایگی کنیم. و غیر از تجربه و عبرت باعث هویت ما و نسل های بعدی می شود. دیگر



گزارشی از نشست «نگهداری یادمان‌های باستانی، عزم ملی»

لیلا صمدی

عکسها از: مهسا خسروی

دومین نشست بایگان اطلاع رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی در مورد سد سیوند و مکلاط آن، روز دوشنبه هشتم اسفندماه در تالار رازی دانشگاه علوم پزشکی تهران با حضور مسوولان دولتی و غیردولتی متخصص و مرتبط با سد سیوند، دانشجویان و ایران‌دوستان برگزار شد. حکومت، اطلاع‌گیری به دست آورد. در این‌دادی این نشست که به منظور شفافسازی و اطلاع‌رسانی در مورد روند و پیشرفت ساخت ورگزار شد، دشغدها و ابهامات موجود در مورد سد سیوند و مکلاطی که برای آثار باستانی سد برگزار شد، پذلاغی و مجموعه بازارگاه ایجاد می‌کند از سوی مهندس علیرضا افشاری، دیگر قلعه‌ای و یک قلعه‌ای در این مکان به دست آمده که حکایت از آین و اعتقادات مردم این مکان دارد. وی از وجود آثار متعارف به فرد در این منطقه خبر داد و گفت: گورهای خرسنگی، چند قلعه‌ای و یک قلعه‌ای در این مکان به دست آمده که حکایت از آین و اعتقادات مردم این مکان دارد. وی از وجود آثار متعارف به فرد در این منطقه خبر داد و گفت: گورهای خرسنگی، چند قلعه‌ای و یک قلعه‌ای در این مکان به دست آمده که حکایت از آین و اعتقادات مردم این مکان دارد. وی از وجود آثار متعارف به فرد در این منطقه خبر داد و گفت: گورهای خرسنگی، چند قلعه‌ای و یک قلعه‌ای در این مکان به دست آمده که حکایت از آین و اعتقادات مردم این مکان دارد. وی از وجود آثار متعارف به فرد در این منطقه خبر داد و گفت: گورهای خرسنگی، چند قلعه‌ای و یک قلعه‌ای در این مکان به دست آمده که حکایت از آین و اعتقادات مردم این مکان دارد. وی از وجود آثار متعارف به فرد در این منطقه خبر داد و گفت: گورهای خرسنگی، چند قلعه‌ای و یک قلعه‌ای در این مکان به دست آمده که حکایت از آین و اعتقادات مردم این مکان دارد.

ورگاوند ابراز امیدواری کرد که گروه‌های باستان‌شناسی داخلی و خارجی بتوانند با نشان دادن

اهمیت بالای تئنه بلاغی از زیر آب رفتن تاریخ هشت هزار ساله این مرز و بوم جلوگیری کنند.

وی سپس به استناد نفعه دیقی که نفعه ای از آن در یونسکو قرار دارد و آن برای نسبت

جهانی منطقه بازارگاه پیره برده شده است اظهار داشت که بخشی از تئنه بلاغی به ثبت جهانی

رسیده و در نتیجه مانع است به نگهداری آن در برایر جهان ممنوعیم.

این استاد پیش داشتگاه گفت: عمر طولانی ترین سدها در ایران بین ۵۰ تا ۲۰۰ سال است، با

توجه به شرایط نایابدار اقلیمی تئنه بلاغی می‌توان عمر سد سیوند را بین ۱۵ تا ۲۰ سال تخمین

زد. باید چنین پدیده‌ای را از نفعه تنفس پیوند با تاریخ و ارزش‌های اکنونوریم و گردشگری

بررسی و ارزش‌گذاری کرد.

ورگاوند تاکید کرد: امروز که نفعه‌های ناخوشابندی در برایر وحدت ملی از سوی یکانکان سر

داده می‌شود باید روی آثار باستانی تکیه کرد و ارزش آن را به مردم بازتاباند، جوں میراث

فرهنگی این سرزمین است که می‌تواند مردم آن را در کنار هم نگه دارد.

وی ادامه داد: در طول زندگی ام کوشیدم که توانم بالانی که می‌تواند برج‌صدار سریلنگی

ایران باشد ارتیاط نزدیک داشته باشم و به خواسته‌ایشان باخیخ گویم. متأسفانه امروز

مجموعه‌ای از عوامل دست اندر کار است که نسل جوان را از نشاط پسنداد و بخشی از آن را

روانه دیار غرب کند تا مغزاها و قدرت بازداشت و ایجاد میکانکانی قرار دهد که در طول

تاریخ تلمذه‌های فراوانی به این مرز و بوم وارد کردند.

وی افزود: امروز به کوشش همه جوانان این مرز و بوم درود می‌فرستم که هر چند راه تلاش

سیاسی بر آنان بسته شده اما با فعالیت فرهنگی وجود خود را به منصه ظهور گذاشته‌اند. آنان باید

ایمان داشته باشند که هر از روی اضطرار به این کوشش‌ها روی آورده‌اند بلکه فرهنگ زیر

ماخت هر گونه فعالیت در این سرزمین است.

هر کس بخواهد آگاهانه قدمی در راستای تخریب و محبو آثار

باستانی کشش بودار، خائن است

در بخش دیگری از این نشست جنت‌السلام سید طه هاشمی، دیپیس بزوہ‌نشگان سازمان میراث

فرهنگی به عنوان نهاننده این سازمان، فعالیت‌ها و تلاش‌های سازمان میراث فرهنگی و

گردشگری را برای حفظ آثار باستانی بالاروشن تئنه بلاغی توضیح داد.

هاشمی گفت: هر کس بخواهد آگاهانه قدمی در راستای تخریب و محبو آثار باستانی کشش

بردازد خائن است و باید جلوی وی ایستاد.

وی اظهار داشت: باید برایه کار کارشناسی و فارغ از مایل احساسی از تخریب و آسیب‌رسانی

به تاریخ و تمدن کشور جلوگیری کنیم.

وی گفت: آنچه در مورد سد سیوند تکران گفتند است تخریب آثار باستانی موجود در تئنه

بلاغی است و شروع کاوش در تئنه بلاغی برای این بود که این آثار از بین نوود.

که روند به هم پیوسته تاریخ یک سرزمین را در خود جای داده است.

در این‌دادی این نشست که به منظور شفافسازی و اطلاع‌رسانی در مورد روند و پیشرفت ساخت ورگزار شد، دشغدها و ابهامات موجود در مورد سد سیوند و مکلاطی که برای آثار باستانی موجود در تئنه بلاغی و مجموعه بازارگاه ایجاد می‌کند از سوی مهندس علیرضا افشاری، دیگر باستانی مهندس مجموعه باستانی مطرح شد و احتجاج‌ران نیز با دیدگاه‌های باستانی برای نجات یادمان‌های باستانی مطرح شد و حفظ آثار باستانی از سوی مسوولان، متفاوت به منظور هشدار از تبعات ساخت سد با اطمینان به حفظ آثار باستانی از سوی مسوولان، این موضوع را تصریف کردند.

بخشی از تئنه بلاغی به ثبت جهانی رسیده و در نتیجه ما نسبت به نگهداری آن در برابر جهان مسئولیم

دکتر بروز روحانی، باستان‌شناس و وزیر فرهنگ دولت وقت، اولین سخنرانی بود که دشغده‌های خود را از دیدگاه کارشناسی در مورد سد سیوند بیان کرد و هشدار داد در صورت بهره‌برداری از سد زبان‌های جراثی نایابزیری به آثار باستانی متفقه بازارگاه وارد خواهد شد.

ورگاوند گفت: در طول تاریخ، فرهنگ و تاریخ این مرز و بوم، این ملت را از بحران‌های سهمگین رهانیده است و همه اینها به دلیل علاقه مردم و شناخت و شعور بالای آنان در باستانی کشش و تاریخ‌شان است. تلاش مردم در پرگاده‌گذشت فرهنگ ملی و حفظ آثار باستانی کشش و تاریخ این مرز و بوم، این ملت را از بحران‌های باستانی حکایت از این دارد که قلب ملت ایران همچنان برای حفظ هویت ملی خود می‌تبند و می‌تواند آن را استوار روی پا خود تکه دارد وی افزود: به یک دلیل بیشتر از هر مسوول و

شیوه‌ولی نسبت به نقش جهان، تخت جمشید و مجموعه‌اش حاصلی دارم زیرا در تمام دوران رژیم گذشته تلاش شدیک اثر آثار باستانی ایران به ثبت میراث فرهنگی جهان برسد و این کار صورت تکرفت ولی در دولت وقت برای اولین بار در تاریخ یونسکو به اثر تاریخی

چغازنبیل، تخت جمشید و نقش جهان از ایران را به ثبت جهانی رسانیدم و این حاصل دو ماه تلاش و کار مادر دولت وقت بود.

وی ادامه داد: درین است که جمیع سودجو جرات کنند بروند جهان نمایانه اینجا بگشند. باید گفته شود چه قدرت‌هایی پشت سر آن ایستاده و مقاومت کرده است که از ارتفاع جهان‌نمای کائنه نشود و جای تأسیف است در حالی که حنجره‌ها باره می‌شود اما با تهدید یونسکو مجبور به تخریب بخش‌های اضافی برج جهان‌نمای شویم.

این باستان‌شناس گفت: متأسفانه در این کشور دید کارشناسی به معنای واقعی گلمه دیدی است که با آن سرستی وجود دارد. امروز در این کشور لطفه‌های ویران‌گرانی افزون بر چند دهه قبل بر میراث فرهنگی این کشور وارد شده است. متأسفانه موقف شدند آثار باستانی و فرهنگی

برجامون حرم امام رضا را تخریب و ازین بیرونند. در این باره سخن بسیار است در مورد برج جهان‌نمای هم امیدواریم تنها به تخریب پنجه‌ها بسته نشود.

ورگاوند در بخش دیگری از ساخته‌ها متفقه بازارگاه و مکلاطی از سد سیوند اشاره کرد و گفت: شاید از اولین کسانی بوده‌ام که رسانه‌های خارجی را از مکلاط سد سیوند باخبر کرده‌ام. امیدوار بودم که سازمان میراث فرهنگی و گردشگری نقش بک جریان فعال را در این مساله بازی کند اما این اتفاق نیفتاد. وی با پره بردن از اسلامیها و تصاویری از تئنه بلاغی و سد سیوند ضمن اشاره به این که آن نکه از نظر گونه میانه‌شناسی برای بزوہ‌نشگان حائز اهمیت است و احداث سد

اکوستیم منطقه را ازین میان می‌گذراند. گفت: این نکه در یک طول ۱۳ تا ۱۴ کیلومتری مجموعه‌ای از حرکت تاریخ یک جامعه از هزاره پنجم قبل از میلاد تاکنون گفتند است تخریب آثار باستانی موجود در تئنه بلاغی است و شروع کاوش در تئنه بلاغی برای این بود که این آثار از بین نوود.

وزارت نیرو برای آبگیری منتظر اعلام ما خواهد بود ولی قضمینی وجود ندارد

معود آذرنوش، دیس پژوهشکده باستان شناسی نیز در این میزگرد به توسعه پایدار کشورها اشاره کرد و گفت: توسعه امری نیست که تنها از یک بعد امکان پذیر باشد و مبنی بر توسعه فرهنگی است.

او افزود: در ماله سد سیوند هدف این نیست که به دنبال مقصود بگردیم، ما همه در تکرانی ها در مورد سد سیوند سهیم هستیم.

آذرنوش به حاضر امن اطمینان داد که باستان شناسی تمام توان خود را به کار خواهد بست که کوش های لازم را انجام دهد و نتیجه کاوش را در اختیار همکان قرار دهد.

وی تنهه های باستان شناسی کشور را از اولویت های سازمان میراث فرهنگی و گردشگری برسرمرد و افزود: تنهه های باستان شناسی در دفاع از مایل اطمینان افساری، مجری میزگرد که آن محظوظ می شوند. وی افزود: از سراسر جهان در مورد سد سیوند ابراز تکرانی شده و ما ضمن

نشکر از این حسابت به مردم اطمینان می دهیم که به این ماله توجه زیادی داریم.

ریس پژوهشکده باستان شناسی در پایان این پرسش مهندس افساری، مجری میزگرد که آن زمانی برای آبگیری مخصوص شده است. گفت: اطمینان می دهیم تازمانی که بررسی ها و کاوش

زا داده دارند، سد آبگیری نشود. وزارت نیرو برای آبگیری منتظر اعلام ما خواهد بود. ما هنوز زمانی را اعلام نکرده ایم، اتفاقی آبگیری سد ملاصدرا را مثل زد که سرانجام سیوند چنین نشود؟

راه معرفی تمند خودمان است، گفت: از آنجا که غرب همواره ایرانیان را از تکاه یونانیان

شناخته ما هم اکنون یابد کلاش داشته باشیم با عرفی آثار باستانی خود به چهانیان، دهیت منفی

نسبت به ایران را ازین بیریم.

هاشمی گفت: ما باید بتوانیم آثار ملی را در حالی که به پیشرفت و توسعه نیز می اندیشیم، حفظ کنیم ذرا لایدهای تاریخ روی هم قوار گرفته و به هم مروبطند.

وی پار دیگر این جمله را که در دیگر سخنرانی هاشم آورده بود به سخنان افزود که: البته

آنار این چندهزار سال تمند بر روی هم ساخته شده اند و این روایی گزینه تبدیل است.

مقبره کوروش، تخت جمشید و پاسارگاد دارای جایگاه بالاتر در مقایسه با اهرام ثلاثه مصر

امیرضا خادم، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس نیز در این نشست گفت که وزارت نیرو متعدد

شده است که تا بایان اطمینان کاوش و اعلام تاییج کارشناسان سد را آبگیری نکند.

وی افزود: تکاه کمیسیون فرهنگی مجلس به عملکرد وزارت نیرو در این خصوص مثبت است و در این زمینه تکرانی وجود ندارد.

خادم همچین با گلایه از سازمان میراث فرهنگی و گردشگری گفت: ۱۰ سال پیش در استعلامی سازمان آب منطقه ای استان فارس به عوام نماینده وزارت نیرو گفت: به موازات حسابت در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و مردم به پیشنهاد تاریخی این کشور، سایر دستگاه های اجرایی هم به رغم این که حفظ آثار باستانی وظیفه اصلی آنها نیست، نسبت به این پیشنهاد تاریخی بیگانه نیستند.

وی افزود: همه دستگاه های اجرایی با اعتقاد عمیق به پیشنهاد تاریخی بین تخت جمشید و پاسارگاد، به خصوص نشکه بلاغی، به ارزش این آثار توجه دارند.

وی افزود: مجلس هم در قالب برنامه پنج چشمگاهی تکمیل خواهد شد مگر این که نقطه نظرات کارشناسان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در آن لحاظ شود و قضاآنها و اجرایی طرح ها تنها با صلاح دید سازمان میراث فرهنگی و گردشگری میسر است.

ریس سازمان آب منطقه ای استان فارس پاد آورد شد: وزارت نیرو مدتی قبل تفاهم نامه ای را با سازمان میراث فرهنگی نهایی کرده است که تا بایان کاوش ها آبگیری سد به تقویت افتد.

وی افزود: امروز در کنار توسعه، مسوولان کشور و به وزیر ریس جمهوری باتکاه ارزشی به

مسائل میراث فرهنگی می تکرند و در بحث سد سیوند نیز به این ماله توجه دارند.

و خایان این که سخنان مسوولان بحثی جدا از هم نیست، تصریح کرد: جلسات متعددی بین دستگاه های مرتبط انجام شده و وزارت نیرو سد سیوند را آبگیری نمی کند و آبگیری سد

منوط به جمع بندی نهایی مسوولان مملکتی و کنار هم گذاشت فضایای و تضمیم گیری نهایی در مورد آن است وی بایان این که وزارت نیرو می توانست سد سیوند را امسال آبگیری کند.

البرود: به خاطر این که در آینده بشیمانی به بار نیاید، فرست لازم به میراث فرهنگی داده شد تا کاوش ها را در این زمینه ادامه دهد.

ریس سازمان آب منطقه ای استان فارس با اشاره به این که اقدامات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در دو سال گذشته در تکه بلاغی بین نظری بوده، گفت: تکرانی مهم در مورد سد سیوند متوجه پاسارگاد و مقبره کوروش است که با توجه به این که این آثار با فاصله مناسبی از دریاچه سد قرار گرفته تا حدودی تکرانی ها بر طرف می کنند.

وی افزود: بین سد و منطقه رشته کوهی است و تأثیر رطوبت بر مقبره کوروش نمی تواند منطقی باشد زیرا فاصله به قدری است که نمی تواند به مقبره آسیبی وارد کند. خادم با اشاره به تعامل

بین سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و وزارت نیرو گفت: دغدغه در مورد سد سیوند به حداقل برساند و این حداقل رسیده و امیدواریم در آینده شاهد تکرار چنین موضوعاتی نباشیم.

وی افزود: در تفاهم نامه ای که سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با وزارت نیرو به امضا رسانده، مقرر شده تا بایان کاوش ها آبگیری سد به تقویت یافتد.

هاشمی یاد آور شد: با توجه به این که در گذشته تمند ها در کنار رودها شکل گرفته باشد با مطالعات کارشناسی و طرحی علمی و جامع، بین توسعه و حفظ آثار باستانی تعامل به وجود آوریم.

وی افزود: اخیراً گروه کارشناسی هیات راهبردی پاسارگاد و تخت جمشید به تکنولوژی پرخی از سازه ها در آن زمان دست پیدا کرده که ما هنوز قدرت شناخت آن و آندازیم. در معماری آن زمان حتی محاسباتی برای رویارویی با زلزله نیز انجام گرفته است.

وی افزود: هم اکنون سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با حسابت فراوان روی ماله سیوند متمرکز شده و از گروه های باستان شناسی دعوت کردیم برای کاوش های باستان شناسی در نشه بلاغی به ایران یابند.

ریس پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری خاطر نشان کرد: در این زمینه برای او بینان بار بود که ایرانیان برای هیات های خارجی سوال و هدف را طراحی می کردند.

وی افزود: هفت گذشته تابع مطالعات باستان شناسی در مورد منطقه تکه بلاغی و سد سیوند بررسی و از سوی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری اعلام شد تا مطالعات در این زمینه برای بیان نرسیده، سد آبگیری نشود.

هاشمی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به حفظ آثار باستانی گفت: نهای مورد منحصر به فردی که ایرانیان را به هم گره می زند میراث فرهنگی است که متعلق به همه ایرانیان است.

ریس پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با این این که حفظ بایست فرهنگی تنها معرفی تمند خودمان است، گفت: از آنجا که غرب همواره ایرانیان را از تکاه یونانیان شناخته ما هم اکنون یابد کلاش داشته باشیم با عرفی آثار باستانی خود به چهانیان، دهیت منفی

نسبت به ایران را ازین بیریم.

هاشمی گفت: ما باید بتوانیم آثار ملی را در در حالی که به پیشرفت و توسعه نیز می اندیشیم، حفظ کنیم ذرا لایدهای تاریخ روی هم قوار گرفته و به هم مروطنند.

وی پار دیگر این جمله را که در دیگر سخنرانی هاشم آورده بود به سخنان افزود که: البته آثار این چندهزار سال تمند بر روی هم ساخته شده اند و این روایی گزینه تبدیل است.

سد هر چقدر ارزشمند باشد به ارزشمندی تخت جمشید و پاسارگاد نیست

در میزگردی که پس از سخنانی دکتر هاشمی تکلیف شد تخت مهندس خلیل رضاییان، ریس سازمان آب منطقه ای استان فارس به عوام نماینده وزارت نیرو گفت: به موازات حسابت در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و مردم به پیشنهاد تاریخی این کشور، سایر دستگاه های اجرایی هم به رغم این که حفظ آثار باستانی وظیفه اصلی آنها نیست، نسبت به این پیشنهاد تاریخی بیگانه نیستند.

وی افزود: همه دستگاه های اجرایی با اعتقاد عمیق به پیشنهاد تاریخی بین تخت جمشید و پاسارگاد، به خصوص نشکه بلاغی، به ارزش این آثار توجه دارند.

وی افزود: مجلس هم در قالب برنامه پنج چشمگاهی تکمیل است که هیچ بروزهای اندکی نخواهد شد مگر این که نقطه نظرات کارشناسان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در آن لحاظ شود و قضاآنها و اجرایی طرح ها تنها با صلاح دید سازمان میراث فرهنگی و گردشگری میسر است.

ریس سازمان آب منطقه ای استان فارس پاد آورد شد: وزارت نیرو مدتی قبل قتل تفاهم نامه ای را با سازمان میراث فرهنگی نهایی کرده است که تا بایان کاوش ها آبگیری سد به تقویت افتد.

وی افزود: امروز در کنار توسعه، مسوولان کشور و به وزیر ریس جمهوری باتکاه ارزشی به

مسائل میراث فرهنگی می تکرند و در بحث سد سیوند نیز به این ماله توجه دارند.

و خایان این که سخنان مسوولان بحثی جدا از هم نیست، تصریح کرد: جلسات متعددی بین دستگاه های مرتبط انجام شده و وزارت نیرو سد سیوند را آبگیری نمی کند و آبگیری سد

منوط به جمع بندی نهایی مسوولان مملکتی و کنار هم گذاشت فضایای و تضمیم گیری نهایی در مورد آن است وی بایان این که وزارت نیرو می توانست سد سیوند را امسال آبگیری کند.

البرود: به خاطر این که در آینده بشیمانی به بار نیاید، فرست لازم به میراث فرهنگی داده شد تا کاوش ها را در این زمینه ادامه دهد.

ریس سازمان آب منطقه ای استان فارس با اشاره به این که اقدامات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در دو سال گذشته در تکه بلاغی بین نظری بوده، گفت: تکرانی مهم در مورد سد سیوند متوجه پاسارگاد و مقبره کوروش است که با توجه به این که این آثار با فاصله مناسبی از دریاچه سد قرار گرفته تا حدودی تکرانی ها بر طرف می کنند.

وی افزود: با این که با اجرای این طرح از سویی بر آثار نشکه بلاغی بر جای نهادن، وضمن ارایه آماری از سد سیوند، گفت: امروز جامعه به این حد از توانایی رسیده که در کنار امر توسعه، زیان رسانی به مجموعه های با ارزش تاریخی و باستانی را به حدائق برساند و این امکان وجود دارد.

وی افزود: سد هر چقدر ارزشمند باشد به ارزشمندی تخت جمشید و پاسارگاد نیست.

مروdest به این میزگرد آمده بود تکانی را پیرامون شیرکارشناسی بودن طرح و بی توجهی با میراث فرهنگی استان فارس منذکر شد.
پیاری از پوشش‌ها پیرامون این موضوع بود که: اگر پس از آنکه همیندیم که آثار آسیب می‌بینند آنکه چه می‌کنیم؟
مهندی رضایان، نهادنده وزارت نیرو و ریس سازمان آب منطقه‌ای استان فارس به سوالاتی که درباره سد بود، پاسخ داد. وی در مورد کم بودن عمر سد سیوند اطمینان داد: که عمر سد سیوند حدود ۱۰۰ سال است نه ۲۰ سال. این سه نه تنها به حق آب دائمی و سهم دریاچه بختان آسیب نمی‌رساند بلکه بهمودیخانی نیز می‌کند.

ریس سازمان آب منطقه‌ای استان فارس گفت: این سه به وسیله نخبگان و طراحان مطروح این کشور در سازی، طراحی شده و میزان سود و زبان آن برای منطقه برآورده شده است. وی اشاره کرد که طرح ساخت این سد مربوط به پیش از انقلاب است. در این باره مهندس افساری باد آور شد که بباری از طرح‌های عمرانی مربوط به دوران قبل از انقلاب و لی چرا تنها هشتمی که بروزهای به مشکل برخورد می‌کند این موضوع عنوان می‌شود؟
خلیل رضایان در پاسخ به سوالی مبنی بر این که رطوبت حاصل از سد تا جه میزان به آثار باستانی موجود آسیب می‌رساند، گفت: باید سد ساخته شود و بد از آن این موضوع را محاسبه کرد که محمدعلی دادخواه در پاسخ وی گفت: علاج واقعه را باید قل از وقوع آن کرد، اینکه ما سد را بازیم و بعد میزان تأثیر رطوبت آن را بر آثار موجود بستجهم، برخلاف خرد جمعی است.

وی افزود: باید بنایی گذاشت که حرast از میراث فرهنگی بر عهده مردم باشد و باید با فرهنگ‌های این کار را رواج داد.

هشتمی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه چرا از دانشجویان و دانشگاهیان در کاوشهای نشانه پلاگی استفاده نمی‌شود، گفت: تمام کاوشهای بر عهده دانشگاهان و متخصصان این امر است. امروز سیاست این است که از ظرفیت همه دانشگاه‌ها برای کاوشهای باستانی شناسی استفاده کنیم.

آذرنوش نیز با بیان اینکه باید کارشناسی در این مورد صحبت کرد در پاسخ به اعتراض و پرسخی از سوالات مطرح شده در این نشست، گفت: ما اگر بدون توجه به بیوهش‌های انجام گرفته در مورد سد سیوند سخن بگوییم، راه پیموده‌ای را پیموده‌ایم.

مهندین افساری درباره این سخن رضایان که درصد احتمال آسیب ندیدن پاسارگاد بیار پیش از درصد احتمال آسیب دیدن آن است به سنجیدن میزان ارزش دو سوی عادله اثارة کرد: که حتی اگر آثار پاسارگاد به احتفال ضیافت آسیب بینند، ارزش این خطر کردن را نداش.
طه هاشمی نیز در ادامه این پرسش و پاسخ از حاضران در نشست خواست که سازمان میراث فرهنگی نیز در ادامه این سخن دولتی فلمداد نکنند بلکه آن را در کنار خود بینند.

وی افزود: بحث سیاستی در ایوان بحث کشته‌ای است. سیس دکتر ورگاند به جمع‌نده موضع برداخت و باز بر این تکه با فشید که بهره‌برداری از سد سیوند بر آمده‌ای زیان بار بسیار را در نیز خواهد داشت.

علیرضا افساری، دبیر پایتیاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی از زاویه‌ای دیگر موضوع را مورد بررسی قرار داده و هشدار داد: حتی اگر - به فرض - مستندسازی آثار نشانه پلاگی به طور تکمیل انجام شود و باز حتی اگر - به فرض - بیدریم که این سد هیچ ضروری برای آثار باستانی ندارد باز هم با توجه به خواست اکثر ایران دوستان که مخالف بهره‌برداری از این سد هستند و آنکه این را به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌کنند به گمان دلسوزان مملکت و خدمدانان، به صلاح نیست که ساخت این سد به پایان برسد.

خدم نیز در بیان پرسش و پاسخ و با توجه به فضای موجود نشست که در حال منتج ندن بود، اظهار داشت: بحث سد سیوند را نایاب سیاسی کرد و باید خشود بود که بیک حرکت مردمی نگران آثار باستانی است. وی افزود: در این که در کشور سوء مدبریت وجود دارد، بخش نیز و نمی‌توان آن را نیز کرد اما نمی‌توان دولت را در فضای این این دست خانن و دیگران را وفادار به کشور بوضمده.

وی افزود: موارد غیرسیاسی را باید در جایگاه خود پیگیری کرد و در جهت رفع آن برأیم. پس از میزگرد، نشست با خوانش شعری درباره سیوند بر دست پاول توران شهریاری به کار خود پایان داد. نشست تکه داشت پادشاهی باستانی، عزم ملی با محوریت مکلات سد سیوند که به همت پایگاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی، انجمن آرها و انجمن افراز در نالار رازی دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران برگزار شد، به جای ساعت از پیش تغییر شده، ۱۸ ساعت ۱۹/۴/۵ به کار خود پایان داد.

افشاری به بخشی از «توارش آفای عظایی، کارشناس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استاد کرد که: در پیش موضع جریان بادی از سمت نشانه به سمت بازارگاد برقرار است که با وجود در ریاجه‌ای در آنجا، بادی که از آن سوی ورز رطوبت پیشتر را به بازارگاد خواهد آورد. با افزایش میزان رطوبت سطح اراضی و تحت اراضی بروز رشد سل سنتکه که یکی از عوامل فراسایی سازه‌های سنتی است، افزوده خواهد شد. همچنین هم اکنون هم عمق سطح آبهای زیرزمینی در بازارگاد کم است که با آنکه سد فضلا ارتقای این سطح کمتر نیز خواهد شد.

با توجه به ماده ۹ قانون مدنی ایران، ماده ۲۵ میثاق اجتماعی - فرهنگی که در آن میراث فرهنگی در زمرة حقوق پسر ذکر شده در حکم قانون داخلی است و هر ایرانی می‌تواند به آنها استاد گند.

محمدعلی دادخواه، حقوقدان و سختکوی کانون مدافعان حقوق پسر نیز با اشاره به مراحل ساخت برج چهان‌نما و تلاش‌هایی که آن کانون برای جلوگیری از ادامه ساخت آن انجام داده گفت: برج چهان‌نما حاصل بی توجهی بزرخ از مسولان به این قضیه است. ما گفتیم نازید، ساختند و گفتم این ساختن به ضرر است اما گوش نکردند، پس هم ساختند، هم خراب گردند و هم سرزنش جهانی را برای خود خردند.

وی افزود: قطعاً شما تقاضاً قفل و گلید را می‌دانید، گلید حکایت از پیشرفت، توسعه و ترقی دارد اما قفل حکایت از انداد. متناسبه به شهرداری که سه سال این بروزه را قفل کرده بود گلید شهر نهضن های اسلامی در سال ۲۰۰۶ اهدا شد.

سختگوی کانون مدافعان حقوق پسر ادامه داد: در مورد سد سیوند نیز همانند بحث برج چهان‌نما اصفهان عمل نکنیم زیرا که در آن زمان هم کارشناسان و صاحب‌نظران به این بحث مسولانه نشانند.

وی در پاسخ به جمله‌ای از نهادنده سازمان میراث فرهنگی گفت: این که گفته شد اگر کسی که به میراث فرهنگی خیانت کند قابل تعقیب است بسیار از زندگانه است اما در عمل برای اینکه مدیران دیگر بیاموزند که نباید در جهت به خطر انداختن منافع ملی به خاطر منافع خاص دیگری گام بردارند، باید اجرایی شود. متناسبه در کشور ما به دلیل منع قانونی افراد حفیضی نمی‌توانند در زمینه حفظ میراث فرهنگی از سازمان ها شکایت کنند.

دادخواه در این میزگرد از منظر حقوقی به بررسی شرایط طرح سد سیوند و آثار باستانی منطقه برداخت و گفت: نظر فهایی متولیان و مسولان وزارت نیرو در این خصوص این است که توجه به شرایط فنی، اجرای طرح برای تأمین آب ضروری است. ولی فراموش نکنیم توسعه یعنی رفع مکملات و توسعه گر کسی است که بتواند مکملات موجود را در میز حقق اهداف ازین بین ببرد، ولی تخریب راه حل ملی برای رفع هر مکملی نیست.

دادخواه با اشاره به مکملاتی که در روند احداث سد آسوان در کشور مصر وجود داشت، گفت: مقامات مصری در زمان ساخت سد آسوان با توجه به این که آنکه سد مکلائی را برای آثار باستانی هنوز به وجود می‌آورد، از همه خدمدانان جهان در این زمینه کمک لکری و مالی گرفتند تا مکمل را به صورت منطقی حل کنند.

وی افزود: اگر آثار باستانی منطقه نشانه پلاگی برگی از شناسمه ایرانی است باید به این نشانه توجه داشته باشیم که توسعه و رفع مکمل این نیست که تنها با ارایه یک راه حل و اصرار بر اجرای آن اقدام کنیم. این حقوقدان با استناد به «گفته‌های یکی از کارشناسان امر گفت: اصولاً با توجه به موقعیت اراضی منطقه، این سد مفید نخواهد بود چون این سد موجب کاهش آب‌های دیگر منابع زیرزمینی منطقه می‌شود.

این حقوقدان گفت: یک سری از فواده هست که قانون باز است. این معاهدهای جهانی که ما به آنها بیوسته ایم مانند میثاق اجتماعی - فرهنگی که در ماده ۲۵ آن صراحتاً میراث فرهنگی را در زمرة حقوق پسر ذکر کرده و ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق پسر که بر این مهی بای فشرده است، اینها با توجه به ماده ۹ قانون مدنی ایران در حکم قانون داخلی است و هر ایرانی می‌تواند به اینها استاد گند. و چون این معاهدهات قانونی ساز بوده‌اند، هر قانونی که برخلاف اینها باشد در وجهت قانونی نیست که دادگاه به آنها استناد کند. دادخواه اشاره کرد: محوطه باستانی پاسارگاد - که در پیگردنه تکله پلاگی هست - پیچین محوطه جهانی ایران است که طی آخرین نشست یونسکو که در چین برگزار شد به علت دارا بودن شاخصه‌های فراوانی با صدرصد آزادا در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید. هر اثر که در فهرست جهانی یونسکو جای می‌گیرد طبق کنوانسیون میراث فرهنگی و تاریخی باید از سوی کشور تکه‌دار نهاده از این موردن توجه و پیزه فرار گیرد و همچ گونه اقدامی در واسطه ای به خطر افتادن آن انجام نشود.

پوشش و پاسخ

در بیان میزگرد، مجری به خواندن چند تا از اعراضها و سوال‌هایی که بر روی کاغذهای پخش شده نوشته شده بود برداخت و هر چند برگزارکنندگان از طرح شفاهی یونسکو ها از سوی حاضران به خاطر حفظ نظم نشست عذر خواستند وی با این حال چند نفری موفق به بررسیدن سوال‌هایشان شدند. اینها پیش از طرح آنها براز بازیوندی، دبیر انجمن جنبش آرایی ها که از

برای باقی ماندن، باید تاریخ و میراث فرهنگی مان را بشناسیم

مسئله ای که مهم است عبارت از این است که در این کشور دید کارشناسی - کارشناسی به معنای دقیق کلمه - دیدی است که با آن سرتیز وجود دارد و به همین دلیل لطمہ های ویرانگر ای طی این بیست و شش هفت سال، افزون بر آنچه که در طول جند دهد قبیل وارد شده بود بر میراث فرهنگی ایران وارد شد. بیضید چه فاجعه ای را در پیرامون حرم حضرت رضا به وجود آوردند. منی که وجب به وجہ آن بافت را بررسی کرده بودم و در مقابل قدرت آن زمان شاه ایستادم و به آقای ولیان اجازه ندادم که بخش های کوچکی را تخریب بکند، با کمال تأسف در این دوران [...] توفیق پیدا کرد که مجموعه‌ی بافت پیرامون حرم را در هم بریزد و به نابودی بکشاند. من اگر بخواهم فهرستی را از ویرانگری ها در میراث فرهنگی ایران فشاری را که بپژوهان عزیز درباره یکی از مسائل مربوط به فرهنگ و میراث فرهنگی ایران صحبت کنم.

بیشتر از یک هفته است که در اینجا بروی نایاب شوانت مانع من شود که در این فشاری را که بپژوهان عزیز در طول زندگی ام کوشیده ام که باشی که به اختقاد من جمع حضور نیایم. بد لیل اینکه در طول زندگی ام کوشیده ام که باشی که به اختقاد من همیشه می تواند پرچم دار سرپلنگی فردی ایران باشد. یعنی نسل جوان، ارتباط نزدیک داشته باشم و به خواست هایشان پاسخ بدهم. به ویژه نسل جوان امروز ایوان که با همه‌ی تلاشی که می کند، مجموعه‌ی ای از عوامل دست اندک است که این نیروی جوان و بیوای را از ثبات و توان بیندازد و بخش عده ای از آن را روانه ی دیگر غربت بکند تا مغزاها و تواناییها، مدیریت‌ها و قدرت بازوانش را در خدمت بیکاتان، به ویژه بیکاتانی که در طول زمان لطمہ ها و ضربه های ستین به این سوزین وارد گردیده اند بگذارند. به اینکه روزی این روند در دنیاک و تلخ به سر پیاده و نسل جوان ایران با پویایی تمام نیروی خودش را در خدمت بزرگداشت و پیشرفت و توسعه‌ی سوزین بزرگ و ارزشمند خودش قرار دهد.

من به این کوشش جمعی از شما جوان ها که در طی چند سال گذشته در تهران و شهرهای مختلف با آن خود داشتم درود می فرمتم به این دلیل که چون راه تلاش سیاسی را بی شما بستند، راه دیگری را مسیر فعالیت فرهنگی آغاز گردید. نه، واقعیت تاریخ ایران حکایت از این دارد که در طول دوران های طولانی، این فرهنگ ایرانی بوده است که موجات توانمندی این ملت را فراهم گردید و این ملت را از گذرگاه های بحران های بسیار مخت و سهمگین و هابنده است. آرزو دارم در یک سخن دیگری به این بیزاری تسلیم فرهنگ شما می شود، چنانه عرب در مقابل شما به زان در میابد، مغلول، ترک، روس، انگلیس و هر متاجوز دیگری. همه‌ی اینها به دلیل علاقه‌ی مردم و شناخت و شعور بالای مردم این سوزین در پادشاهی از تاریخ و فرهنگیان است. و این تلاشی که امروز شما در قبال مسئله‌ی بزرگداشت میراث فرهنگی و ملی تان از خود نشان می دهید، دغدغه خاطری که از خود در قبال حفظ از این آثار شان می دهید، حکایت از این دارد که این ملت قلب پنده اش همچنان می زند و همچنان می تواند او را استوار روی پای خودش تکه دارد.

امروز صبح به سهیله یکی از گردانندگان مجموعه‌ی ای از این جمله های فرهنگی و پادشاهان میراث فرهنگی در اصفهان مطلع شدم که تبعه های میان چند پیجه جهان نما در قبال مسئله‌ی این سوزین کامی مؤثر باشد. من به یک دلیل شاید بیشتر از هر فرد منقول و غیر منقول دیگر در این مملکت به مسئله‌ی جهان نما و در تبعه میدان نقش جهان و تخت جمشید و مجموعه‌ی اش احسان و ایستگی دارم، بد لیل اینکه همکان می دانند در تمام طول دوران رزیم گذشته سایران دراز تلاش شد برای اینکه فقط یک البر، یک افراد ای از ایران به ثبت میراث فرهنگی جهانی در آید اما چنین نکشند. ولی به ایاری دادار پاک، من در بحرانی ترین شرایطی که در دولت موقت منولیت وزارت فرهنگ و هنر را داشتم، برای اولین بار در قاریخ بونسو - این را تمام دوستانی که ارتباط دارند می دانند - در یک نشست ماسه مجموعه‌ی بزرگ ایران را به ثبت میراث فرهنگ جهانی رسانیدم و این در تاریخ بونسو بی سابقه است. و این نبود مگر اینکه ما مطی دو ماه تمام در تلاش و کوششی آجنبانی اقدام کردیم، با نخست وزیر و وزیر خارجه و وزیر فرهنگ پیش از بازدید کشور تعاس برقار کردیم تا تواسیتم حمایت همکان را برای این مسئله‌ی بزرگ به دست یاوریم و توفیق پیدا کردیم که سه مجموعه‌ی چنانزیل، تخت جمشید و میدان نقش جهان را به ثبت میراث فرهنگی جهان برسانیم. و حالا این درین لیست که جمیع سودجو...

شاید جمیع من مناسب باز دیگر به زندان رفتن نیست، ولی هیچ گاه تا آخرین نفس از ایمان حقایق دست بر نمی دارم، حرثات گند بروند چهان نما را مطرح کنند تا بینند چه قدرت هایی پشت رش بوده و چهان نما را بربا داشته و چه قدرت هایی که امروز مقاومت کرده اند برای اینکه از ارتفاع جهان نما کاسته نشود. در دنیاک ترین تکه هایی که در عین حال که در این مملکت حنجره ها باره می شود که ما متفاهمیم، هنوز به جای اینکه خودمان بتوانیم تصمیم بگیریم، آنقدر باید عناصری نایخود در تصمیم گیری دخالت داشته باشد، که ما بمریان دستور بونسو مجبور به کاهش ارتفاع جهان نما باشیم. کی اجازه می دهد که یک شهردار با کدام شناخت و با کدام شعور در قالب مسائل میراث فرهنگی، در مقابل مجموعه‌ی از اکارشناسان میراث فرهنگی، اظهار نظر و مقاومت بکند و سرانجام زمانی تعلیم بشود که بونسو اولتیماً توم بدهد که اگر از ارتفاع جهان نما تاکیدیم که آن را به فهرست بناهای در معرض خطر خواهیم برد.

آنچه در بی می آید متن سخنان دکتر برویز ور جاوند، پاستان شناس، پژوهشگر و وزیر فرهنگ دولت وقت است که در همایش «پاسداری از بادمان های پاستانی، وظیفه ای ملی» (با محورت مشکلات سد سیوند و آسیب رسانی آن به بادمان های پاستانی) به تاریخ هشتم اسفندماه سال گذشته در نالار رازی دانشگاه علوم پزشکی تهران، عنوان شد.

به نام خداوند جان و خرد

خوشحال که بار دیگر توفیق این را بیندا کردم که در جمع شماری از جوانان و دانشجویان و هموطنان عزیز درباره یکی از مسائل مربوط به فرهنگ و میراث فرهنگی ایران صحبت کنم. پیشتر از یک هفته است که در اینجا بروی نایاب شوانت مانع من شود که در این فشاری را که بپژوهان عزیز در طول زندگی ام کوشیده ام که باشی که به اختقاد من جمع حضور نیایم. بد لیل اینکه در طول زندگی ام کوشیده ام که باشی که به اختقاد من همیشه می تواند پرچم دار سرپلنگی فردی ایران باشد. یعنی نسل جوان، ارتباط نزدیک داشته باشند و بخواست هایشان پاسخ بدهم. به ویژه نسل جوان امروز ایوان که با همه‌ی تلاشی که می کند، مجموعه‌ی ای از عوامل دست اندک کار است که این نیروی جوان و بیوای را از ثبات و توان بیندازد و بخش عده ای از آن را روانه ی دیگر غربت بکند تا مغزاها و تواناییها، مدیریت‌ها و قدرت بازوانش را در خدمت بیکاتان، به ویژه بیکاتانی که در طول زمان لطمہ ها و ضربه های ستین به این سوزین وارد گردیده اند بگذارند. به اینکه روزی این روند در دنیاک و تلخ به سر پیاده و نسل جوان ایران با پویایی تمام نیروی خودش را در خدمت بزرگداشت و پیشرفت و توسعه‌ی سوزین بزرگ و ارزشمند خودش قرار دهد.

[دکتر] ور جاوند به استناد نقصه ای دقیق، رود طوار و جانی را که بد در آن ساخته می شود به حاضران نشان داد و به بخشی از حضوره ایگری - بنا به گفته کارشناسان وزارت نیرو - پراخت[۱] این حلقة های زرد که مشاهده می کنید، اینها به های پاستانی پیش از تاریخ پس از سفرهای هستند. چون دکتر آذرنش اینجاست و دقیق تر در متن قضیه هست که خداوند سلامش بدارد به عنوان یک پاستان شناس - که خوب درس خونده، خوب مطالعه کرده و امروز یک استاد خوبی است و با همه‌ی تأثیراتی های پژوهشکاره را به دوش می کشد و امیدوارم خدا به او توفیق بدهد - بتواند اطلاعات من را تکمیل کند. این مجموعه، مجموعه‌ی جانی است که در انتظار کار کاوش است.

این نقصه که ملاحظه می فرماید، فکر می کنم تا به حال جز تعداد کمی از سوران سازمان بیرون، کس دیگری با این نقصه آشناش نداشته باشد. این نقصه، نقصه ای است که به اعتبار آن چند ماه قبل مجموعه‌ی پاسارگاد جزو میراث فرهنگی جهانی به ثبت رسید. شما در اینجا محوطه‌ی حریم پیشین پاسارگاد و به روستا در مجاورت آن را که باید جایجا پسوند ملاحظه می کنید. این محدوده زرد رنگ نیز حریم جدید پاسارگاد است که برای ثبت در میراث جهانی تعیین شده است. این حریم به کیلومتر و نیم از دهانه‌ی تنگ پلاسخ را به عنوان حریم منظر در بر می گیرد. یعنی وقیعی این نقصه به ثبت میراث فرهنگی جهانی می رسد، از فردای آن روز سازمان یونسکو حق دارد روح هر عملکردی که در این مجموعه صورت می گیرد و باعث تعاظز به این حریم می شود انتکت بگذارد و توضیح بخواهد و بخواهد که این موافع و تعاظزها از بنی بروند. بنابر این بادمان پاشد مسئله‌ی سیر راه موجود، مسئله‌ی میر راه آهنی که قرار است از اصفهان به طرف شیراز برود و تمام فعالیت‌های عمرانی، اجراء باید در چهارچوب این محدوده ای که من در اینجا نشان می دهم، سامان دهی شود.

برای اینکه با سیر تنگ چشمیم یا تنگ بلاغی آشناشی پیشتری پیدا کنیم، چند تا تصویر را با هم نگاه می کنیم. بینند این نظره ای است از تنگ بلاغی، من از نشان دادن این چند تصویر می خواهم توجه شما را به یک تنک جلد کنم، بادقان پاشد که الان میراث فرهنگی یک سازمان جد و گردشگری یک سازمان جدا نیست. امید بود و قیمی که این دو با هم ادغام شوند توانند در کار هم نشی یک جریان تعیین را بازی کنند، ولی نمی دانم عاقبت چه خواهد شد و آیا میراث فرهنگی قرآنی گردشگری خواهد شد یا نه؟ این تنک یکی از زیارتیون تنگ هایی است که از نظر نوع پوشش گیاهی برای سیاری از پژوهشگران حائز کمال اهمیت است. در آنکری سد، تمام این مجموعه گیاهی و این اکوسیستم منطقه تنگ بلاغی به نابودی کشانده می شود. بخش قابل ملاحظه ای از کاوش هایی که در جاهای مختلف میر صورت گرفته جیزی جز گفمانه ها و تراشه های کوچک نیست. این تراشه های باید گسترش پیدا کنند. یک تراشه پیچ در پیچ یا ۵ در ۵ و قیمت گسترش پیدا بگذارد خواهد داشت. الان نمی توانید بگویید این میرست گسترش در واقع جست. آیا حصاری میگیری ای این دروش چیزی است در دروش چیز دیگری که این دروش را باید عناصری نایخود در تصمیم گیری دخالت داشته باشد، که ما بر همین اینکه از ارتفاع جهان نما کاسته نشود. در دنیاک ترین تکه هایی که در عین حال که در این مملکت حنجره ها باره می شود که ما متفاهمیم، هنوز به جای اینکه خودمان بتوانیم تصمیم بگیریم، آنقدر باید عناصری نایخود در تصمیم گیری دخالت داشته باشد، که ما بر همین دستور بونسو مجبور به کاهش ارتفاع جهان نما باشیم. کی اجازه می دهد که یک شهردار با کدام شناخت و با کدام شعور در قالب مسائل میراث فرهنگی، در مقابل مجموعه‌ی از اکارشناسان میراث فرهنگی، اظهار نظر و مقاومت بکند و سرانجام زمانی تعلیم بشود که بونسو

اینکه از ارتفاع جهان نما تاکیدیم که آن را به فهرست بناهای در معرض خطر بناهای های صخره ای زندگی می کرددند آزمایی که از این بناهای صخره ای بیرون می آیند

و در دشت استقرار بیدا می کنند، از هزاره چهارم و سوم به بعد محل استقرار بوده تامی دسیم به دوران هخامنشی.

در دوران هخامنشی تا به حال جاهایی که مورد کاوش قرار گرفته و جامعه با آنها آشناشی دارد، هی توان نخستین را شوش داشت، پس تخت جمشید، پاسارگاد، برازجان و یکی دو مورد دیگر. در مورد شوش بخصوص، ناگزیر این را بگوییم و توجه بدده که شوش به دایل نخوه دیگر. کاوش هایی که در آنجا انجام گرفت، بد دلیل هم زمان بودن کاوش هایی با کاوش هایی که در میان رودان صورت گرفت، با کمال تأثیر بخش های عمدۀ ای از آثار دوران های بالایی از بین وقت و ما اطلاعات زیادی را زد دست دادیم؛ زیرا کاوشگران می خواستند تا هر جهه سریعتر به دوران پیش از تاریخ دست بیابند.

تکه جالب در نتک بلاغی آن است که تا به حال به دو روستای دوره هخامنشی برخورد شده که استنباط باستان شناسان بر این است که روستاهای به نسبت گستردۀ ای بوده اند با اولین گفته هایی که زده شده در آنجا به سازه های معماری سنتی برخورد شده و اگر این دو روستا به طور کامل شناسایی بشود، شاید بروای نخستین بار است که از زندگی اجتماعی، اقتصادی و سازماندهی مردم عادی غیر وابسته به دستگاه دولت و حکومت آگاهی های لازم را می شود به دست آورد.

آثار دیگری در اینجا به دست آمده که حکایت از فعالیت های قابل ملاحظه ی گستردۀ فلزکاری و ذوب فلز داریم؛ که پیشنه قابل ملاحظه ای است. آثار دوره ی اشکانی اینجا به شدت قابل ملاحظه است و آثار دوره ساسانی، و بعدی آیدی به دوران پس از اسلام از نظر نوع گورهایی که در اینجا به دست آمد، گورهای خرسکی، گورهایی که با بوش سنتک تکه

ساخته شده اند، گورهایی که با چند قطعه سنتک بوش شده اند. بر روی هم، سه گونه ی گور تا به حال در اینجا شناسایی شده، که هر یک از اینها حکایت از متنه نخوه ای آین و اتفاقات مردم این مکان در دوران های مختلف دارد.

بنابر این از هزاره پنجم پیش از میلاد تا به امروز، وقتی می گوییم تا به امروز، بد دلیل اینکه هنوز تنگ بلاغی، تنگی است که پنج ایل عمدۀ ای منطقه در میز کوچ سالیانه خودنمایی برداشت. یعنی این میز نه ته‌ها میز شاهی از آن می گذشته است - جاده ای که از شوش می آمده و به اینجا و تخت گمشید می رفته - بلکه در

طول زمان یک میز کاروان رو و یک میز بر تعریف بوده که در واقع هیچ گاه در زندگی به روی آن بسته نشده و همیشه در اینجا حرکت تداوم داشته است. بنابر این یک چنین میزی از نقطه نظر شناخت مجموعه اش ارزش های بسیار بالایی برای تاریخ تمند ایران دارد.

البته اقداماتی شده و نزدیک به هشت هیأت باستان شناسی خارجی و ایرانی، چند ماهی در آنجا کار کرددند که امیدواریم کار اینها به طور مستمر با افزوده شدن تعداد زیاد دیگری هیأت به آنها نی گرفته شود تا بتوانند این بستره را که ممکن است وقتی به زیر آب برسود و به ناودی گشاده شود و همه ای این برگهای مختلف تاریخ هفت هزار و پانصد ساله ای این میز را از دست می بگیرند، متند سازی کنند. و آن وقت نسبت به سطح آبگیری و اینکه اسلا باید آن را آبگیری کرد یا نه تصمیم گرفت. زیرا اگر باقی ها در اینجا در وضعی استثنائی باشند و علم باستان شناسی بر حفظ آنها در محل خود حکم کند آنوقت باید دید این سد و آن آثار کدام را باید برگزید؟

باید تان باشد پهترین سدها در ایران سدهایی هستند که برای اشان عمری بین پنجاه تا هشتاد سال را در نظر می گیرند. در اینجا شرایط میز به گونه ای است که درست جایی که رود بلوار وارد تنته بلاغی می شود، و حشی ترین شرایط را در پیش روش دارد. بنابر این میزان رسوئی که می آید بالاست و اینکه تا به این لحظه که من اینجا هستم هیچ اقدامی در زمینه مسائل آبگذاری شاخه هایی که آب را به بلوار می رساند صورت نکرته است. شیده هایی که ممکن است نادرست باشد. عمر این سد و رود حشو چند دهه پیشتر از زیارتی نمی کنند. از این رو باید از زیارتی کرد که یک چنین محوطه ای از نظر پیوند با تاریخ و فرهنگ ایران و از نظر ارزش

هایی که برای اکوپیستم منطقه دارد، از نظر ارزش هایی که برای اکوتوریسم و ایرانکردی دارد، این دو نارا چکونه باید با هم‌بگر ارزشایی کرد، در کار هم گذاشت و در موردش تصمیم گرفت.

این تصویر باز یکی از کاوش هایی است که شده و در حال در آوردن یک خمره بسیار بزرگ هستند. من می خواهم با نشان دادن این اسلامیدها بدو اینکه با قاطعیت حرفی زده بششم، متنه ای را که دغدغه ی جمع فراوانی از باستان شناسان است مطرح کنم و آن عبارت از این است که آیا با آبگیری در ریچه و نشت آب و بالا آمدن سطح آب ها، ما با مسئلی در قبال مجموعه آثار معماری پاسارگاد برخورد خواهیم کرد یا نه؟

این دو زمینه دارد، یکی هر طوب شدن زمین است که باید از زیارتی بشود و اینکه در آنجا گذشته بشود. دیده بشود که این مقدار آب در ریچه، چند رطوبت را بالا می بود و این مقدار بخار آب اشباع شده چه مقدار می تواند اثر بگذارد. چون از باد نمیریم مجموعه ای آثار پاسارگاد، ممه سنتک های آنکه هستند. بنابر این به شدت در مقابل مسئلله رطوبت آسیب پذیرند. من در اینجا سریع می گذردم به دلیل اینکه بعضی از این اسلامیدها در این فیلم بوده [فیلم مستندی درباره پاسارگاد که در آغاز همایش پخش شد]. وارد این بحث راجع به آرامگاه کوروش نمی شوم، فقط این را نشانان می دهم، این خط و دام می بیند؟ این خط قهوه ای تا اینجا. این داغ آبی است که تا سه سال پیش به دلیل اینکه یکی از میزهایی که آب را باشد به طرف بلوار ببرد باید از زیر پلی دمی شد که آن بُل مناسب نبود، در تبعیه آب زد و تا

دکتر مسعود آذرنوش، ریس پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در گفت‌وگو با گروه گزارش پایگاه:

اگر نظر مرا بخواهید می‌گویم آبگیری سد را باید متوقف کرد تا همه‌ی کارها تا آخر تمام شود، شاید ۱۰ سال

زمان ببرد

برای برخی پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی که می‌دانستند که کار کردن در ایران علاقه‌مند هستند، منها از یونسکو - که شما در پیانه‌تان به آن اشاره کردید - گمک ترقیتیم چون خودمان قادر بودیم آن را سازماندهی کنیم، یک تیم ملی و چند تیم مشترک با همکاری محققان کشورهای ایتالیا، فرانسه، لهستان، آلمان و ژاپن تشکیل دادیم و تمام محظوه‌های را که از دیدگاه پژوهشی، ارزش کار روی آنها وجود داشت مورد حفاظی قراردادیم. دیروز من تزارشی را به طور نهایی آماده کردم که نتایج تلاش‌های این تیم‌ها در یک یا دو فصل کار در ساختمان‌های قدیمی عمارت مسعودیه واقع در خیابان اکباتان برگزار شد.

پیش از رود به متن سخنان استاد لازم است به چند تکه اشاره شود:

۱- اشاره‌ی ما به یونسکو که در متن پیامی شورای هماهنگی انجمن‌های ملی هم آمده است نه از این دو بود که مدیریت کار مستندسازی آثار برو عهدی، آن سازمان جهانی فرا گیرد چرا که ما نیز بر این باوریم که توافقی پژوهشگران و باستان‌شناسان ما از هیچ کجا کم ندارد، بلکه قصد ما از آوردن نام یونسکو به کمیت کار برمی‌گشت. می‌دانیم که یونسکو در جایان ساخت ده آسوان دست به بیجیجهانی ذد و باعزم بیش از ۲۰ هیات باستان‌شناسی کاری بزرگ دارد انجام وساید که در نتیجه‌ی آن در مدت کوتاهی کار مستندسازی بسیاری از آثار داشت نوبیه انجام گرفت، از سوی دیگر فراموش تکنیم که همکاری با یونسکو فرصت استفاده از امکانات و ایزراهای روز جهان را هم به ماید دهد.

۲- در مورد این که در نوعیه تمام آثار مستندسازی تند و بسیاری از آنها به زیر آب وفت، و این است به این اشاره خدمتمنان عرض می‌کنم که این اولین بار است که نه تنها این اتفاق در ایران می‌افتد بلکه در خاورمیانه هم تاکنون چنین پژوهش‌هایی سابقه ندارد. این تیم‌ها با هماهنگی کامل و غالباً در کتاب‌نگاری کار کردند و ما حتی تلاش کردیم که نرم‌افزار به کار معرفه شده برای نسبت اطلاعات این محظوه‌ها به گونه‌ای باشد که ارتباط بسیار از این را از دیدگاه پژوهش برای همه فراهم کند. یعنی تا آنجا که ممکن است از یک مجموعه‌ی نرم-افزاری استفاده شود. این‌دوران به زودی این فرصت برای همیشی باید که همایشی کوتاه در تهران یا شیراز سازماندهی کنیم و نتایج اقدام‌هایی را که انجام گرفته از دیدگاه علمی به آگاهی جامعه‌ی ایرانی برسانیم.

رویت پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی درباره‌ی خطرهایی که سد سیوند با هر سد دیگری که ممکن است به میراث‌های فرهنگی بسازند خواهش کرد تا با سعی صدور و با عنایت به مبالغ کلان ملی تکاه شود. وی با اشاره به «توسعه‌ی پایدار» که پایدندزده مهندسی شود «چه مثولان و چه فرد فرد جامعه» گفت: «معنی توسعه‌ی پایدار این است که هیچ کس از یک بعد به قضیه‌ی توسعه تکاه نکند. یعنی شما که به عنوان سازمانی، غیردولتی برای حفاظت و دفاع از میراث فرهنگی پاره‌ی گر ما هستید یا دوستانان یا افراد جامعه‌ی تها از دیدگاه مفاف حفظ میراث فرهنگی به قضیه-ی توسعه تکاه نکنید. ما باید توسعه را در سطح کلان خودش مورد توجه قرار دهیم. چرا که ما در کشوری زندگی می‌کنیم که با کمبودهایی بیشتری مبالغ آب و خشکسالی‌های متمادی نمی‌رفت. آیا قرار بود سوره با عراق جنگ‌زده با عربستان و قطر و یا کشورهایی باشند که همیشه به هر شکلی که توانیم پاسار میراث کهنه خود بوده و هستیم؟

۳- این که ایران از نظر سویش‌های باستان‌شناسی و توجه به میراث نیاکان (?) در منطقه از دیگران بالاتر استاده و عنوان مرکز منطقه‌ای یونسکو را گرفته است. غیر از این هم انتظاری نمی‌رفت. آیا قرار بود سوره با عراق جنگ‌زده با عربستان و قطر و یا کشورهایی باشند که همیشه تاریخی واقعی - که همیشه به تاریخ‌سازی و از آن خود کردن دانشمندان و بزرگان دیگران مشغول بوده‌اند - مرکز منطقه‌ای یونسکو شوند؟ توانیهای ما در این زمینه‌ها هنوز هم بیش از دیگران است و جدا دارد با تلاش مثولان بسیاری پیش‌زده و در جایگاه شاخص استاد قرار بگیرد.

۴- فراموش تکنیم که سازمان میراث فرهنگی و گردشگری اگر زمانی را هم برای کوشش‌های مستندسازی در نشی بлагی به دست آورد، مرهون همین فشار افتخار عمومی - ولو غیرعادلات و غیرمنطقی (!?) - است. هر چند برای نخستین بار با لاش عزیزانی که در آن سازمان هستند - چون همین آقای دکتر آذرنوش - این خبر رسانی صورت گرفت اما این که استاد اصرار دارند فروار از مستولیت خود بینداشند و به فکر همه‌ی نهادها و سازمان‌ها باشند به گمان ما در جامعه‌ای که بسیار نیازمند این است که هر کسی کار خود را به خوبی انجام دهد و تکرار حرف خود و سازمان ممبوغض پایمال سود کمی آرامان گرایانه است.

به هر روی از وقته که استاد مسعود آذرنوش به ما دادند و از گام‌هایی که در واه پیشرفت و سرافرازی داشت باستان‌شناسی ایران برمی‌دارند، سپاسگزاریم. دکتر آذرنوش نخست به بیان مقدمه‌ای پیرامون نوهوی رویارویی سازمان میراث فرهنگی با سابل مربوط به حفظ میراث فرهنگی در گذشته و حال پرداخت: «می‌دانید در خوزستان در زمان پیش از انقلاب اسلامی چند سد بسیار مهم ساخته شد و چندین طرح عمرانی (شاد) و مثلاً طرح نیزکر که در ده‌ها هزار گذاشده شد، سدهایی مانند کارون و (در) محمرضا شاه) می‌دانید که این بروزه-های در آن به اجراء آمد به واقع از هزار کمترین دوران نمدن بشیری در این قسمت‌ها واقع بود و با کمال صدها محظوه‌ی بسیار مهم از کشور از دیدگاه میراث فرهنگی بود.

ناسف هیچ اقدامی در مورد حتی بزرگ‌ترین پیش‌هزاری که این بروزه-های در آن سدها به چند محدودیتی توریستی می‌شود اطلاعات بسیار غلطی داده می‌شود چرا که در آن سدها به چند محدودیتی توریستی می‌بینید که معباید بسیاری می‌شود چرا که در آن سدها به این بروزه-های از آب بیرون زده است.

دکتر آذرنوش درباره توانایی‌های ایران بادآورش: «مسئول باتک جهانی در جله‌ای به من کشف مایش از این که به ایران بایمیم فکر می‌کردیم که باید به شما کمک کنیم ولی الان که همه جا را دیدیم به این نتیجه رسیدیم که ما باید از شما برای منطقه کمک بگیریم. و این اتفاق برای ایران افتاده است جراحتی از ما برای اخراج این اتفاق را آغاز سال آینده ادامه دارد. الان کشورهای اطراف از ما برای اخراج این اتفاق در خواست باری دارند.

دکتر آذرنوش درباره نیاز به زمان برای مستند سازی تکمیلی پلاگی می‌گوید: «تا آنجا که من می‌دانم موافقت کرده‌اند که در استندمه‌ای آبگیری سد انجام نشود، چون ما یک سری حفاری داریم که تا آغاز سال آینده ادامه دارد. همچنان که سوچکتین افری هم که ممکن بود به عنوان میراثی بسیاری از این قدر و وقتی می‌گوییم ۱۳۰ اثر باستانی، تعدادی از این نمونه‌ها هستند. بقدر فراخوانی ارسال کردیم

کیلوتر بالغ خواهد شد و فاصله‌ی آرامگاه کورش تا آنجا حداقل ۵ کیلوتر است. میان دشت پاسارگاد و دره‌ی بلاغی بک رشته کوه قرار دارد که امکان رسخ رطوبت را از میان می‌برد. حال روی این موضوع که حضور چه جمه آنی، چه میزان رطوبتی به وجود می‌آورد که در چه شرایطی از کوه می‌گذرد و در چه درجه‌ی حرارتی باعث آبیز به آثار می‌شود باید کار پژوهشی انجام داد که این از عهده‌ی ما خارج است و بر دوش پژوهشکده‌ی حفاظت و مرمت است و شما می‌توانید در این باره با آقای دکتر وطن دوست، پیوست آن پژوهشکده گفت و سوگیند.

وی درباره‌ی تلاش‌های پیش رو و حجم کار باقی مانده ازvod: ما آنکنون داریم بک نوانسی بررسی زنوفیزیک را آغاز نهادیزی می‌کنیم تا ایزارهای دقیق که امواج الکترونیکی با مناطقی را تا عمق خاصی به زیر زمین می‌فرستند محظوظ را از نظر بودن برخی از انواع آثار بورسی کنیم، ما در نظر داریم در چند تا از محوطه‌ها که فکر می‌کنیم غنی تو باشند این کار را انجام دهیم. وقتی این کار را انجام دادیم می‌توانیم بگوییم چه حجم کاری در پیش رو داریم. اینسان ضمن تأکید بر اینکه تا اواخر بهمن ماه سه تیم دیگر برای پژوهش به منطقه فرستاده خواهند شد دوباره عنوان کرد دست کم تا اوایل سال آینده کار خواهیم داشت: بعد از آن نی دانم و این تضمیمی است که باید در سطح کلان تر گرفته شود».

دکتر آذربوشن بار دیگر درباره‌ی نزوم تکه منطقی به طرح سدازی عنوان کرد: «منافع کشاورز محلی هم باید مورد توجه قرار بگیرد. باید اظهار نظر منصنه داشته باشیم، شما از بنده به عنوان مسؤول پژوهشکده اگر نظر بخواهید می‌گوییم آنکه سی دهندۀ کارها تا

نامه‌ی «پایگاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی» به پیوست متن دست‌نویس زیر توسط یکی از دوستان به طور حضوری به دست رئیس جمهور رسانده شد. دلایل این کار در متن دست‌نویس آورده شده است که از نظر تان می‌گذرد.

به نام خداوند جان و خرد

آقای رئیس جمهور!

با سلام، به پیوست متن درخواست «پایگاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی» تقدیم می‌شود. این پایگاه توسط تنی چند از نمایندگان انجمن‌های فرهنگی - مردمی شکل گرفته است. آنان که دغدغه‌های بیوند میان ایران‌گرایی، اسلام‌گرایی و دانش‌گرایی را دارند و به سفارش امام علی (ع) مبنی بر مبانروی معتقدند در آبان ماه، با حضور خود در کنار آرامگاه کورش بزرگ که بیناکدار حقوق بشر است و به تعییر شادروان علامه طباطبائی در قرآن کریم از او به نام ذوالقرنین یاد شده، یانی‌ای صادر کردند و خواهان تعویق آنکه سی دهندۀ کار خواهند شدند. این یانی پاسخی تکریت. آن را به همراه نامه‌ای برای ریاست سازمان میراث فرهنگی و گردشگری فرستادند و با استناد به سخنان باستان‌شناسان که زمان لازم برای مستندسازی آثار تاریخی بلاغی - جایی که سد در آن زده شده است - را چهار سال عنوان کرده بودند، خواهان تعویق چهارساله‌ی آنکه سی دهندۀ کارش را می‌گذرد. رونوشت این نامه در کمیسیون فرهنگی مجلس و وزارت نیرو به بایکانی سپرده شد و خود آن هم پس از مذشت بیش از دو ماه هنوز پاسخی از سازمان مربوطه دریافت نکرده است. اینکه این جوانان به شما و آورده‌اند، شما که چون خود آنان به مسائل ملی دهید و جون یک شیوه‌ی راستین، اسلام و ایران را - با ملات عدالت - به هم پیوند زده‌اید. درخواستی را که برای تعویق ادامه‌ی ساخت سد سیوند به عنوان شما آماده شده بود به مرکز رسیدگی به شکایات مردمی دفتر ریاست جمهوری (در خیابان پاستور) دادیم که در آنچه به شماره‌ی ۲۱۴۰۰ به ثبت رسید و به کارشناس مربوطه (به شماره‌ی ۸۵۴) تحويل گردید. آن کارشناس با اشاره به این که رساندن نامه به دست شما امکان‌پذیر نیست دوباره آن را به مسیرد تا از سوی دفتر ریاست جمهوری به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری تحويل دهیم. ما ضمن انجام دادن این کار، رونوشتی از درخواستمن را به این وسیله به دست شما می‌رسانیم تا در جریان امور باشید و اگر توانستید با همراهی را ما، به «ایران دوستان» نیروی دوباره دهید. این سد - هر چند شاید سخنی سنجیده نباشد - اکنون به نعاد مبارزه با تاریخ ایران باستان تبدیل شده است در حالی که سرزمین ما تنها سرزمینی است که تاریخی هر چند بر فراز و نسبت ولی پیوسته دارد و ما هنوز با ویشه‌ی فرهنگی خود در ارتباطیم. جهان امروز نیازمند آشنازی با تجربه‌ی این پیر خرابات است. ما را دریابید.

دوستان تان در «پایگاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی» (دشت پاسارگاد)



ماه نیز دوباره برپا شود تا در مورد همایش بزرگ دانشگاه تهران تصمیم‌هایی گرفته شود، ولی به علت نداشتن جا پایگاه نتوانست که این نشست را برگزار کند. کارهایی که پایگاه تا کنون انجام داده عبارتند از:

- ۱- گردداری آگاهی ها درباره یادگارهای آبگیری سد سیوند
- ۲- بازدید از دشت پاسارگاد به همراه صد تن از علاقمندان تهرانی با هماهنگی «شورای هماهنگی انجمنهای ملی ایران» و صدور بیانیه ای در این زمینه
- ۳- فرستادن نامه ای به رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در راستای بیکاری بیانه پاسارگاد
- ۴- برپایی همایش «یادمانهای باستانی و هویت ملی» با محوریت موضوع پرونده سیوند در دانشگاه تهران
- ۵- راه اندازی تارنمای پایگاه برای آگاهی رسانی گسترده اگر علاقمند به حضور در این نشست هستید با ما تماس بگیرید.

گزارش فعالیت‌های سه‌ماهه‌ی پایگاه

درود بر شما دوستداران «ایران و یادمان‌های گران قدرش!» به ووال همه‌ی کسانی که در کاری هم‌اندیشانی دارند، گزارشی از کوشش‌های پایگاه در سه‌ماهه‌ی نخست سال ۱۳۸۵ را - البته با قدری تفصیل، چون نخستین گزارش از این دست است - خدمت شما سروان ارایه می‌دهیم:

- ۱- در این مدت نشست‌های هفتگی هم‌وندان پایگاه - برای پیشبرد کارها - برقرار بود. در این نشست‌ها بسته به نوع نشست و کار پیش رو از ۴ تا ۱۲ هم‌وند حضور داشتند. گفتنی است این نشست‌ها که در سه ماهه‌ی آغازین خود «دو بار در هفته» تشکیل می‌شده - تقریباً بدون گستالت - از شهریور ماه سال گذشته در جریان بوده است. مکان برگزاری این نشست‌ها نیز در جاهای گوناگونی چون خانه‌ی تشكّل‌های غیردولتی استان تهران، بنیاد چمشید، دفتر انجمن افزار و دفتر یکی از دوستان، در گرگونی بوده است. و باز شایسته‌ی اشاره است که در این ۹ ماهه نزدیک به ۳۰ نفر با پایگاه همکاری داشته‌اند.
- ۲- تارنمای سیوند - که البته به کندی برپا است - در این سه ماه هم کماکان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پایگاه بوده است در حالی که ماه سر این باوریم که نباید این گونه باشد و این همه از ما وقت و توان ببرد. گفتنی است این تارنمای که قرار بود بر دست یکی از هم‌وندان پایگاه در آبان‌ماه سال گذشته راه بیفتند با از دست دادن زمان مفید قابل توجهی و تا حدودی فروکش کردن شور و حرارت اولیه‌ی مخالفت با ساخت سد سیوند، برای مدتی صفحه‌ی آن بالا رفت (که البته کاری حرفه‌ای و در خود توجه بود) ولی باز به خاطر مشکلاتی در روز‌آمدسازی، دچار وقفه شد تا این بار بر دست یکی دیگر از هم‌وندان پایگاه - در شکلی ساده ولی کاربردی - در اسفندماه کارش را پس گرفت. این بار نیز مشکلات عدیده‌ای بر سر راهمنان قرار گرفت که مهم‌ترین آن خوابی گاه به گاه بخش گردآوری امضا بود. به هر روی در درسها را با پشتکار و

پایگاه زیر پوشش قانونی بنیاد افزار

یکی از مشکلاتی که در طی یک سال گذشته گریبان گیر پایگاه اطلاع رسانی بود، نداشتن مجوز رسمی بود. این مشکل به ویژه در گرفتن تالار برای همایش خودنمایی می‌کرد. هر چند که باید سازمان‌های مردم نهاد به طور خودجوش و بدون وابستگی و لو در حد گرفتن پروانه‌ی فعالیت از نهادهای دولتی شکل بگزند همان طور که هیات‌های مذهبی کماکان این رویه را دنبال می‌کنند، ولی به هر رو برای میان برداشتن این مانع «پایگاه اطلاع رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی» (دشت پاسارگاد) با تصویب گردانندگانش و از سوی دیگر با بذریش هم وندان شورای مركزی «بنیاد افزار» (اجمن دوستداران میراث فرهنگی افزار) به زیر پوشش آن بنیاد در آمد. بنیاد افزار که در صدمین سالگرد جنبش بزرگ مشروطیت با برپایی نشستی از هم وندان آینده‌ی خود، اعلام موجودیت کرد دارای پروانه از «سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری» است. لازم به اشاره است که تا پیش از این، پایگاه برای برپایی همایش‌های خود از یاری انجمن افزار (دارای پروانه از سازمان ملی حوانان و خاستگاه افزار)، کانون آریا (دانشگاه علوم پزشکی تهران) و کانون ایران‌شناسی دانشگاه علم و صنعت ایران بهره گرفته بود که بدین وسیله مراتب قدردانی خود را از همراهی این سازمان‌ها اعلام می‌کند و امیدوار است این همراهی کماکان ادامه یابد.

گزارش‌های پایگاه از ابتدا تا تاکنون

یکمین مجمع عمومی پایگاه اطلاع رسانی عصر پنجمین سیزدهم بهمن ماه (۱۳۸۴)، گروهی از کسانی که برگه همکاری با «پایگاه اطلاع رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی» (دشت پاسارگاد) که در همایش «یادمانهای باستانی و هویت ملی» ارایه شده بود پر کرده بودند به دعوت پایگاه گرد هم آمدند تا پیرامون راهکارهای جلوگیری از آبگیری سد سیوند و نجات آثار دشت پاسارگاد تبادل نظر داشته باشند. در آغاز نشست، مهندس کاوه متین، سرپرست بخش فنی پایگاه پیرامون نکته‌های فنی سد سیوند و نحوه اسیب‌رسانی به آثار سخن گفت. سپس مهندس علیرضا افشاری، مدیر پایگاه به کوتاهی در مورد شکل گیری پایگاه و کارهای انجام شده تاکنون سخن گفت. سرپرست روابط عمومی پایگاه به نیازمندیهای پایگاه برای همکاری اشاره کرد و نظر حاضران را جویا شد. و آن را جمع بندی کرد. این نشست با حضور بیش از سی تن از علاقه‌مندان به یادمانهای فرهنگی در دفتر انجمن «یادگار نیاکان ما» برگزار شد. گفتنی است بسیاری از دانشجویانی که برگه همکاری را پر کرده بودند به خاطر امتحانهای دانشگاه از حضور در نشست بازماندند. قرار بر این شد که نشست در پنجمین بهمن ۲۷

دلنگرانی‌های دوستداران یادمان‌های باستانی پاسخی در خور داده نشده است، نویمیدگنشده است.

۶- نامه‌ای را که به ریس جمهور داده بودیم پی‌گیری کردیم، گویا پاسخی در کار نبوده، در حالی که در وزراهای پایانی سال پیش از دفتر رسیدگی به نامه‌های مردمی ریاست‌جمهوری به ما گفته بودند که می‌توانیم پاسخ ایشان را از مرکز رسیدگی به شکایات مردمی - در خیابان پاستور - بگیریم، در آنجا پس از کلی معطلی - که عادی است - گفتند یکبار دیگر نامه را به ما بدھید تا در سفری به ایشان بدهیم. گویا نامه را گم کرده بودند؛ نامه‌ای را که به دست ایشان رسانده بودیم و احتمالاً ایشان حاشیه‌ای نوشته بودند. نمی‌دانیم عمدی در کار بوده یا نه، به هر روی خواهیم رفت به سوی «شکایت به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی». فراموش نشود یاری گرفتن از نهادهای معتبر جهانی، گزینه‌های آخر هستند.

۷- برای کامل شدن گزارش، نگاهی هم به وضعیت امور مالی پایگاه می‌اندازیم. پایگاه در این ۹ ماه فعالیت خود تنها برای مساعی که زمینه‌ی خرج کرد مشخص و آماده بود، اقدام به گردآوری پول از هم‌وندانش کرد. ۱۴ نفر از هم‌وندان که برخی برای مدتی با پایگاه همکاری داشتند و برخی همچنان به همکاری خود ادامه می‌دهند از ۱۰ هزار تومان تا ۳۰ هزار تومان به آن کمک کرده‌اند که این مبالغ خرج خرد بانک ذخیره‌ی اطلاعات (برای تارنما)، بخشی از هزینه‌های برگزاری همایش‌ها - به ویژه سه شماره نشریه‌ای که به چاپ رساندیم - (بخش بزرگی از هزینه‌ی همایش‌ها را خود دانشگاه با انجمن برگزارکننده بر عهده می‌گرفته است) و هزینه‌های پیش‌بینی نشده‌ی این سفر آخر، شده است. شاید برای حرفا‌ای تر کردن کوشش‌ها در آینده خواستار یاری‌های پولی شما هم بشویم!

واما دیگر برنامه‌های پیش رو.

پانزدهم خداد، سد آبگیری نشد. دو روز پیش از آن، ما با حضورمان در پاسارگاد و تنگه‌ی بلاغی، اعلام کردیم که بی‌گیر موضوع هستیم ولی از تسام توانمان - یعنی همراهی شما - بهره نبردیم تا برای روز موعود شما را در کنارمان داشته باشیم. احتمال دارد اذرباهه آبگیری آن آغاز شود. اگر این زمان قطعی شد تلاش می‌کنیم تا در دو مین پنچ شنبه و جمعه‌ی آبان‌ماه - چون سال گذشته - در پاسارگاد گرد هم بیاییم، این‌بار پرشمارتر.

تابستان زمان خوبی است برای بالا بردن آگاهی گروه و هم‌اندیشان، هرچند برپایی یک همایش، برگزاری یک هفته در میان نشست‌ها و یکسره کردن کار تارنما (!) را در دستور کار خواهیم داشت. شما هم آگاهی دادن به دیگران را فراموش نکنید، و فرستادن نظرهایتان را برای ما.

ارادتمند علیرضا افشاری

دبیر پایگاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی

گزارشی از سفر هموندان پایگاه به تنگه‌ی بلاغی

آبان‌ماه سال گذشته که در پاسارگاد گرد هم آمده بودیم، نشد و نگذاشتند که بازدیدی از تنگه‌ی بلاغی و سد سیوند داشته باشیم، از این‌رو و برای این که دست‌اندرکاران «پایگاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی» (دشت پاسارگاد) این دو مکان مورد مناقشه را دیده باشند، رهسپار شیراز شدیم.

عصر پنچ شنبه یازدهم خداده‌ماه از میدان ونک راه افتادیم. صحیح ادیته به تخت‌جمشید رسیدیم و این یادگار شکوهمند تاریخ ایران را بار دیگر دیدیم. برای اقامت شبانه درون چادر، پیرامون محوطه‌ی تاریخی تخت‌جمشید نامه‌ای را که از آقای طaha هاشمی، معاونت سازمان میراث فرهنگی و گردشگری داشتیم ارائه دادیم. آقای مهماندوست، ریس حراست محوطه اظهار امیدواری کرد که مانع وجود نداده ولی ساعتی بعد دویاره نزدمان آمد و گفت که چون خطاب نامه به آقای طالبیان، ریس بنیاد پژوهشی پارسه و پاسارگاد که مدیر

بردباری از سر گذراندیم تا امروز که باز در روز‌آمدسازی آن مشکل داریم. در این مدت بخش‌هایی به تارنما افزده شد و بر این باوریم که با تلاش یاران در این بخش پیشرفت‌هایی داشتیم، مطالب خوبی گرد آمد و با قرارگیری خبرهایی از انجمن‌های همراه پایگاه - اگر می‌توانستیم - می‌شد که این تارنما رسانه‌ای ملی، ویژه‌ی هدف بزرگی که برای خود تعریف کرده است باشد. به هر روی تلاش‌های ما ادامه دارد.

۳- نزدیک به هشت صد امضا جمع شد که با توجه به خوابی‌های تارنما عدد بدی نیست. البته ما تقریباً برابرین تعداد امضا را حذف کردیم چرا که هدف ما ارتباط با این افراد برای انجام امور بود نه گردآوری تشریفاتی امضاها و بالا بردن کمیت. فامه‌ای نادرست، ساختگی و حروف مختصر را - البته با فرستادن رایاتانه‌ای (ای میلی) به امضاکننده و اعلام این که آن را تصحیح کند - پاک می‌کردیم، همچنین آنها را که نشانی رایاتانه‌شان درست نبود. به گمان ما درست نوشتند نام و رایاتانه، حداقل شجاعی است که می‌توانیم برای چنین خواست بزرگی - پاسداری از یادگارهای نیاکان - انجام دهیم.

۴- روند آگاه‌سازی مردمان - به ویژه دانش‌جویان - نسبت به پرونده‌ی ملی سیوند را نبال کردیم. دعوت‌نامه‌ی «به جنبش ملی نجات یادمان‌های باستانی بیرونید» را در جاهای بسیاری - از جمله در نمایشگاه کتاب و مطبوعات - پخش کردیم و با انجمن‌های چندی برگزاری همایش رایزنی کردیم؛ انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر (که به خاطر انتخابات شورای مرکزی شان نتوانستیم به نتیجه برسیم ولی امید می‌رود که در پاییز امسال بتوانیم همایشی در آن دانشگاه برگزار کنیم)، گروهی از دانشجویان زهرا، کانون نخبگان نوادگیش که از انجمن‌های پرکار شرق تهران است و... که همان طور که آگاهید تنها توانستیم با یاری کانون ایران‌شناسی و گردش‌گردی دانشگاه علم و صنعت ایران، همایشی در آن دانشگاه بربا کنیم. برای ساخت فیلمی درباره‌ی سد سیوند و بیامدی‌های آن هم رایزنی‌ها و اقداماتی داشتیم که امیدواریم بهزادی نتیجه‌اش را بگیریم. انجمن‌های دیگری را هم به پیوستن به پایگاه ترغیب کردیم که خبرهای آن بر روی تارنما قرار گرفت.

۵- از یازدهم تا چهاردهم خداده‌ماه - بدون اعلام قبلی - سفری به مرودشت برای بازدید تنگه‌ی بلاغی و سد سیوند داشتیم که گزارش آن جداگانه خواهد آمد. تنها اشاره به این موضوع می‌ماند که هنوز تا پایان ساخت سد - با وجود سرعت بسیار در کار - راهی دراز داریم. در این جا نکته‌ای نهفته است و آن خبرهایی پیاپی از وزارت نیرو است که زمان آبگیری را اعلام می‌کند و هر بار پس از رسیدن به زمان موعود، باز لطف آن وزارت خانه و عقب افتادن زمان آبگیری. این داستان از اذرباهه سال پیش تا همین الان که گفته‌اند آبگیری در شهریور است ادامه دارد؛ قرار بود دوازدهم بهمن ماه آبگیری می‌شود، بعد افتاد اسفندماه، بعد پانزدهم خداده... و هر بار هم در ظاهر به خاطر درخواست سازمان میراث فرهنگی و گردشگری این آبگیری به عقب می‌افتد. در حالی که اگر نظر غیرکارشناسی ما و نظر کارشناسی دولت مهندس‌مان را که سال گذشته از سد بازدید کردند و گفتند دست‌کم یک‌سالی از ساخت سد باقی مانده، به کناری نهیم در گفتگو با تنی چند از کارشناسان به این یقین رسیدیم که زمان آبگیری سد با توجه به سیلاب‌ها در آذرباهه است، پس این اعلام‌های وزارت نیرو در تعیین زمان آبگیری را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

متاسفانه جز این بردن حساسیت‌ها آن هم به باری «عدم صداقت»، نام دیگری نمی‌توان بر این کار نهاد. با این کار لابد این انتظار می‌رود که هنگام آبگیری، مخالفت‌ها به کمترین حد خود برسد. کما این‌که به گفته‌ی فرد باریک‌بینی؛ با خواندن جمله‌ی «همش تقویت سازمان میراث فرهنگی است» در گوش کشاورزانی که منتظر این آب و احتمالاً رفع برخی مشکلات دیگر هستند، آنها را هم نسبت به گرامی داشت آثار باستانی - که همیشه نگاهبانش بودند - دلسزد می‌کنند. به هر روی این برخورد ناصادقانه‌ی وزارت نیرو در کنار عجله‌ای که برای اتمام ساخت سد از خود نشان می‌دهد در حالی که هنوز به

پس از بازگشت پاسارگاد را - در حالی که در بد و ورود نیز ما را در انتظار نگه داشتند تا مسؤولشان اجازه بازدید را دهد(!) - باری دیگر دیدیم. آقای فوق، مسؤول حراس است آن محوطه در تمام طی بازدید در کنار ما بود! نمی‌دانیم آیا با دزدان آثار باستانی نیز چنین برخورد می‌کنند که با دوستداران آن آثار چنین می‌کنند؟!

آخرین مرحله از سفر، خوانش سرود «ای ایران» در کنار آرامگاه بنیادگذار کشور ایران بود و پیمان بسته دوباره. به خاطر مشکلات پیش‌آمده برخلاف قراری که برای سروزه بودن سفر داشتیم، راهی تهران شدیم. صحیح یکشنبه چهاردهم خردادماه در تهران بودیم.

تازه ترین گزارش پایگاه از دشت پاسارگاد و تنگه بلاغی

در تاریخ نیمه آبان ماه ۱۳۸۵

آرامگاه کوروش بزرگ

وضعیت کلی سنگ‌های آرامگاه وخیم است و دچار هوازدگی و پوسیدگی زیاد شده است.

قسمت هایی از مرمت‌های پیشین که با سیمان انجام شده بوده است برداشته شده و داربستی مسقف روی آرامگاه زده اند. دو نفر مشغول کار بر سقف آرامگاه هستند. نگهبان مسئول توضیح می‌دهد که تحت نظرات یونسکو تصمیم بر مرمت دوباره آرامگاه با سنگ سفید گرفته شده است. قسمت فوکانی آرامگاه و بخشی از پیشانی بنا برداشته شده است.

ساختمان آثار دشت

تفیر قابل ملاحظه ای در وضعیت نگهداری مشاهده نمی‌شود
محوطه مقدس

بقایای پلکان سکوی مقدس که سال پیش توسط اشرار شکسته شده بود همچنان به چشم می‌خورد، علی‌رغم آنکه شنیدیم برای این محوطه که خارج از محدوده محافظتی پاسارگاد قرار دارد نگهبان گمارده اند، کسی آنجا دیده نشده. در کمال تعجب متوجه شدیم که چوپانان محلی از حفره داخل سکوی مقدس برای نگه داری برها استفاده می‌کنند!

تنگه بلاغی

با حضور مستقیم در تنگه متوجه می‌شویم که سطح مورد کاوش نسبت به وسعتی که به زیر آب خواهد رفت چقدر ناقیز است. تقریباً ۶ نقطه با فاصله زیاد مورد کاوش قرار گرفته است. بیشتر قسمتها به عمق حدود ۵۰ سانتی‌متر خاک برداشته شده بود که در آن سنگ چن‌های جرز فضاهایی به چشم می‌خورد، در بخش‌هایی که به عمق بیش از یک متر لایه برداری شده بود خمره‌ها - اسکلت - کارگاه شواب سازی و ریخته گری کشف شده بودند که ظاهرها همگی منتقل شده بودند. به راحتی می‌توان حدس زد که شهری در زیر این محدوده خفته است که تماماً به زیر آب خواهد رفت. چرا که در هر قسمت که به صورت شمالی - جنوبی محدوده ای را حفر کرده بودند با زاویه ۳۰ درجه نسبت به آن دیوار سنگ چین شده ای پیدا بود که همچنان ادامه داشت.

غار دست کنده شده ای نیز در ارتفاع قرار داشت که به گفته یکی از مسئولان سد که معتقد بود پس از آبگیری آب به ارتفاع ۵۰ متر بالا خواهد امد، آن هم به زیر آب خواهد رفت. بخش‌هایی از راه شاهی نیز که شیوه آن چیزی است که سنگفرش‌های آن در کرمانته (به خصوص نزدیک ریجاب - کنار طاق گرا) مشهود است و انجا نیز مورد هجوم لوله کشی گاز قرار گرفته است به زیر آب خواهد رفت.

سد سیوند

چنانچه میدانید سیوند یک سد خاکی است. ماشین آلات غول پیکر با سرعت تمام مشغول خاک ریزی و افزودن بر ارتفاع سد بودند. شفت بتی نیز هنوز

محوطه هم هستند، است باید موافقت ایشان را که در همایش «تعیین حریم منظر آثار باستانی» هستند بگیریم. به مهمانسرای تخت جمشید که همایش با حضور نمایندگانی از چند کشور آسیایی و یونسکو در آنجا برگزار می‌شد رفته‌یم. در این هنگام مهماندوست به ما خبر داد که دادستانی استان به خاطر برگزاری این همایش که جنبه‌ی جهانی دارد موافقت نکرده است که ما در آنجا ساکن باشیم در حالی که در محل برگزاری همایش متوجه شدیم که آن همایش همان روز پایان می‌یابد و مهمان‌ها راهی دیارشان می‌شوند! دکتر طالیان هم به خاطر این که مشغول به اجرای همایش بود از رسیدن به وضعیت ما عنز خواست و ما را به معاونش، آقای کاظمی معرفی کرد. او هم پس از مدتی به همراه آقای مهماندوست نزد ما آمد و همان بهانه را تکرار کرد.

پس از دیدن نقش رجب و نقش رستم، ضمن گرفتن نظر مساعد نگهبان‌های نقش رستم در پارکینگ آنجا که چند خودرو دیگر هم مستقر بوده و چادر زده بودند، چادرهای مان را بربا کردیم. مشغول آماده کردن شام بودیم که ریاست نیروی انتظامی مرودشت، سرهنگ ارشادی به دیدارمان آمد و با بهانه‌های گوناگونی چون «چادرهایتان نزدیک به هم است»، «باد چادرهایتان را خواهد برد»، «اینجا امنیت ندارد»... در حالی که مسئولیت آن استقرار را خودمان پذیرفته بودیم، بدون این که به ما فرصت خوردن شام را بدهد با اصرار خواهان جمع کردن چادر و رفتمنان به سوی شیراز شد. به سوی تخت جمشید بازگشته و قصد کردیم در پارکینگ آنجا که باز هم کسانی چادرهایی بر پا کرده بودند، مستقر شویم. ماموران خودرو گشت ما را از اقامت در آنجا بر حذر داشته و گفتند که: «جناب سرهنگ، مایل نیستند شما در مرودشت - یعنی حوزه‌ی ایشان - بمانید». همان خودرو، اتوبوس ما را همراهی کرد تا از محدوده مرودشت بپرون امدم!

شب را در امامزاده «شاهزاده قاسم» به سر آورده و صبح زود طبق قراری که با گروه باستان‌شناسان همکار با گروه فرانسوی، ما را به محل کاوش هیأت ایرانی - فرانسوی راهنمایی کرد. پیش از رسیدن به جایی که پی‌کاخ داریوش در آن به دست آمده بود راه (کانال) دختر بر را دیدیم. در جای خوش آب و هوایی که روزگاری شکارگاه داریوش بزرگ بود و در آن کوشک یا کاخ کوچک بنا کرده بود، سخنان ارزشمند آقای محمد تقی عطایی را شنیدیم. گفته‌های او را به طور کامل به زودی بر روی تارنما خواهیم گذاشت.

با مینیبوس باستان‌شناسان از دیگر جاهای باستانی کشفشده هم بازدید کردیم، از جمله کوره‌های هفت‌هزار ساله که بازدید آن، با آشنایی و شنیدن سخنان آقای فرهاد زارع، نخستین فردی که منطقه‌ی تنگه را بازدید علمی کرد همراه بود. گفته‌های زارع را که خود نیز مرودشتی است بر روی تارنما می‌گذاریم.

بازدید از سد سیوند آخرین بخش از هدف‌های سفر بود که به آن رسیدیم. نگهبان سد با برخوردی خوب ما را به جایگاه بازدید مهمان راهنمایی کرد و ما از آنجا کل محوطه‌ی سد را دیدیم، سدی که به نظر برای به پایان رسیدن، زمانی طولانی را در پیش دارد هر چند کار به سرعت و گستردگی بر روی آن جریان داشت و در مسیر خاکی هم خودروهای بزرگ باری بسیاری در رفت‌وآمد بودند. قصد بازگشت داشتیم که نیروی انتظامی جلوی ما را گرفت و سرپرست آن نیرو - گویا آقای قربانی - به پرسیدن پرسش‌های شگفت‌آوری از ما چون این نمونه‌ها پرداخت:

برای چه آمدید؟ چرا می‌خواهید بازدید کنید؟ از که دستور می‌گیرید؟ از کجا به شما خط می‌دهند؟ قصد و هدفتان چه بوده؟ شما که هستید؟ ... و به این ترتیب برخورد نگهبان که می‌رفت خاطره‌ای خوب بر جا گذارد جای خود را به برخوردی نامناسب - چون برخورد دو گروه دشمن - توسط نیروی انتظامی داد.

در اداره و تصدی اموال عمومی موصوف مرتكب تعدی یا تغیریط شود هر یک از افراد ملت من باب امر به معروف و نهی از منکر حق اعتراض و بر این اساس اختیار دارد به دادستان که طبق بند الف ماده ۳ (اصلاحی ۷/۲۸) (۱۳۸۱) قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب حافظ حقوق عمومی است مراجعت و دادخواهی کند. دادگستری مرجع تظلمات عمومی است و هر یک از متضرران از اقدامات غیر قانونی مسئولان مملکتی و سایر افراد جامعه می توانند به دادگستری مراجعت - عنداللزوم با پرداخت هزینه های قانونی - اعلام شکایت کنند. بنابراین چنان چه شهرداری بر اساس اجازه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مرتكب اقداماتی شده باشد که سبب تزلزل بنیان آثار فرهنگی - تاریخی گردد بنا به دادخواهی هر یک از افراد ملت، دادستان محل مکلف به رسیدگی و تعقیب متهمن به ارتکاب جرم اعم از مباشر و معافون - براساس ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ خواهد بود «.

استنادات و استدلالات کارشناسی شما در این پرونده چه بود؟ به خاطر این که نظر ما تنها حقوقی نباشد و مستدل و فنی نیز باشد از یکی از بزرگ ترین متخصصان ایرانی که در فرانسه تحصیل کرده اند و متخصص حفاری و زمین شناسی هستند یعنی آقای دکتر محمد رضا اسپهید تقاضای نظر کارشناسی کردیم. نظر ایشان هم پس از ۳ ماه معاینات و مطالعات میدانی یکی از بهترین نظریاتی بود که تاکنون در این مورد ابراز شده است. البته در طول تاریخ دادگستری ایران هم کم سابقه بوده که از اقتشار مختلف بر روی یک موضوع واحد در یک مرجع قضایی طرح دعوی بشود. پس از این که این شکایت ها شد آقای جرقویه بازپرس محترم تصمیم گرفتند که از آقای سیف الهی رئیس متروی اصفهان بازپرسی کنند. (البته در حال حاضر ایشان هم استغفا داده اند که گویا پذیرفته شده است). پس از آن آقای رشتچیان به عنوان کارشناس رسمی دادگستری قرار شد در این زمینه نظر بدنه و امیدواریم که اگر ایشان تحت فشارهایی نمی توانند نظر واقعی خودشان را بدene، استغفا دهند. در حال ما امیدواریم با اعلام نظر کارشناس محترم اجرای مصوبات قبلی که عبور مترو از خیابان شمس آبادی فارغ از بافت کهن اصفهان است به اجرا در آید.

از سوی دیگر در زمان آقای بهشتی و در زمان آقای مرعشی با توجه به نظرات فنی در سازمان میراث فرهنگی مصوباتی داشتیم که اجازه نمی دهند که مترو از چهارباغ و بافت کهن بگذرد. به علت این که جنس خاک و پس چهارباغ و استقامت مصالح ساختمان های هشت بهشت و بازارچه بلند و سی و سه پل اجازه چنین کاری را نمی دهد ضمن این که آقای مهندس درویش یک معاینه محل انجام دادند و اثبات کردند که متساقن سی و سه پل بر روی زمین شاقول نیست یعنی انحناء دارد و هر گونه ارتعاشی با توجه به نظریات آقای دکتر اسپهید یک فاجعه به بار می آورد.

به نظر ما هم آقای شهردار و هم رئیس مترو در این مورد مختلف هستند. چون این ها مدیر اجرایی هستند نه مدیر ستادی و گویا این اقایان بین صفحه و ستاد تفکیک قائل نیستند. مدیر اجرایی حق ندارد که در امر ستادی دخالت بکند و متساقن آقای سیف الهی گفتند که ما از خطی که مشخص شده بود گذشته ایم و امکان بازگشت نیست. این استدلال متساقن آن قدر بی پایه و مایه است که یعنی تکنولوژی ما آن قدر ضعیف است که امکان اصلاح اشتباهات وجود ندارد. حال سوال این است که اگر اشتباه رفته بودند داخل خانه مردم آیا باز هم باید ادامه می دادند؟

پرونده مشابهی هم در مورد برج جهان نما داشتیم. سرانجام آن به کجا رسیده است؟

برای جهان نما هم ما ابتدا به پارلمان فرانسه رفیم که گفتند در صلاحیت ما نیست ولی خودشان تقاضا کردند که پارلمان اروپا به ما وقت بدنه و پس از این که با همت خانم شیرین عبادی به پارلمان اروپا رفیم، پس از ۳ ساعت گفت و گو و ۴۸ ساعت مطالعه باز به ما گفتند در صلاحیت ما نیست و باز

تمام نشده بود و همچنان مشغول بستن آرماتورها و بتن ریزی تواما بودند، ظاهرا اصرار بر این است که سد در پایان آذر ماه چه تمام شود چه نشود! آنگیری شود!

گفتگوی ویژه با دکتر دادخواه، وکیل پایه یک دادگستری

جناب آقای دکتر دادخواه شما در حال حاضر وکالت چند پرونده میراث فرهنگی را در کشور بر عهده دارید و در تلاش هستید تا از راه های قانونی از حقوق فرهنگی ملت دفاع کنید و به مسئولان بقولانید که حقوق فرهنگی و حفظ میراث فرهنگی نیز از مصادیق حقوق بشر به شمار می رود که ایران بارها در پیمان های جهانی این حقوق را به رسمیت شناخته است. یکی از این پرونده ها پرونده متروی اصفهان است. لطفاً بفرمایید که روند پیگیری حقوقی پرونده گذر مترو از خیابان چهارباغ اصفهان در چه مرحله ای است؟

در ابتدا ما با عنایت به بند ۲۲ ماده ۱۳۷۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر ناظر به ماده

۱۵ میثاق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که دولت ایران در اردی بهشت سال ۱۳۵۴ به آن ملحظ شده است و ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی مبادرت به طرح شکایت علیه آقای رحیمی مشاعی معاون رئیس جمهور و رئیس میراث فرهنگی از یک سو و آقای مرتضی سقاییان نژاد شهردار اصفهان از سوی دیگر نمودیم. متساقن علی رغم مصراحتی در ماده ۲۷ و ماده ۹ قانون مدنی ایران، دادستان اصفهان صراحتاً اعلام کردند که ما اصلاً واجد شرایط رسیدگی نیستیم و تقاضا کردند که بازپرس

محترم شکایت ما را نپذیرند. ما بحث مفصلی با شعبه پنج بازپرسی دادسرای اصفهان داشتیم و بالاخره در خورداد ماه امسال مقرر شد که این مورد را از اداره حقوقی قوه قضائیه سوال کنند. با این که ما در زمینه میراث فرهنگی یک خلاصه قانونی بسیار سختی داریم خوشبختانه اداره حقوقی قوه قضائیه یکی از مترقبی ترین نظرات در طول تاریخ دادگستری ایران را در این زمینه داد و خوشبختانه پس از آن آقای «جرقویه» بازپرس محترم شعبه ۵ دادسرای اصفهان شکایت ما را پذیرفتند و به دنبال آن ۱۷۵۴ نفر از مردم دنیا یعنی هم از داخل کشور و هم از خارج کشور مبادرت به طرح شکایت علیه معاون رئیس جمهور و شهردار اصفهان کردند و به این طریق به این شکواییه پیوستند.

به این ترتیب اکنون با اعلام نظر اداره کل امور حقوقی و اسناد و مترجمین قوه قضائیه این امکان فراهم شده که همه افراد ملت بتوانند از مسئولان مملکتی به خاطر اقدامات غیر قانونی به دادگستری شکایت کنند. ممکن است ما را در جریان متن این نامه قرار دهید؟

در این نامه به تاریخ ۸۵/۴/۲۵ و شماره ۷/۸۰۰۳ در پاسخ به استعلام بازپرس شعبه پنجم دادسرای عمومی و انقلاب اصفهان آمده است:

«بازگشت به استعلام شماره ۸۵/۴/۲۳۶ م سورخ ۱۳۸۵/۳/۳ ب میراث فرهنگی و گردشگری تغییر یافته است، اضافه می شود با عنایت به بعضی از مشورتی اداره کل حقوقی و اسناد و مترجمین قوه قضائیه به شرح ذیل اعلام می شود :

با اشاره به این که با تصویب قانون سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۳ نام سازمان میراث فرهنگی کشور به سازمان میراث فرهنگی و گردشگری تغییر یافته است، اضافه می شود با عنایت به بعضی از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برخی از مواد قوانین موضوعه، آن چه دولت به صورت مالکیت عمومی در اختیار دارد متعلق به عموم مردم یعنی ملت است. به بیان دیگر دولت به نمایندگی از ملت آن را در اختیار دارد و توسط دولتمردان آن را تصدی و اداره می کند و چنان چه هر یک از دولتمردان

بفرمایید که چرا مستولان و متولیان امر، علیرغم اشراف بر این موضوع که در صورت آبگیری سد سیوند آثار باستانی داشت پاسارگاد اسیب خواهد دید، برس انجام آبگیری سد اصرار دارند؟

دکتر ورگاوند: من بارها در مصاحبه های مختلف با رسانه های دروغی از جمله سایتهای خبری و همچنین رسانه ها و تقریباً عده رادیو های شناخته شده به زبان فارسی در خارج از کشور به این مسئله پرداخته و به این موضوع اشاره کرده ام که در ایران و در شرایطی که بعد از انقلاب بسیار می برمی، ذهنیت پاسداری از میراث فرهنگی به معنی واقعی کلمه که در خور ارزش این پدیده ای که در دنیا امروز ذهن همه کشور ها را به دوجهت به خودش معطوف ساخته است، یکی از چهت نشان دادن پیشینه هویتی ایشان و دیگری از نقطه نظر اهمیتی که در کار صنعت توریسم بر عهده دارد، در ایران در هیچ یک از این دو بعد این مسئله به معنای واقعی کلمه مسرب قبول و پذیرش صاحبان قدرت نیست و بنابراین با وجود تمام تلاش هایی که شده و چندین کنفرانس که من در محیط های دانشگاهی داده ام و مصاحبه هایی که با میراث خبر، ایستا (خبرگزاری دانشجویان ایران) و ایلانا (خبرگزاری کار ایران) و دیگر سایتهاي داخلی انجام داده ام و بخصوص بازتاب هایی که گفتگوهای من با خارج از کشور داشته است شاید برای اولین بار بود که مقام های مستول سازمان هایی که در گیر این پروژه هستند را مجبور کرد که در یک نشست گسترش در دانشگاه تهران حضور پیدا کنند و در کنار من بنشینند و توضیحاتی را که من می دهم و دلایل مخالفت خودم را که ابراز می کنم در واقع بتوانند پاسخ بدهند البته نه در چهت رد آن بلکه در چهت تصدیق آن و بگویند که ما تا زمانی که شما معتقد هستید که در اینجا کار بررسی و کاوش به سامان نرسیده است در هیچ شرایطی دست به آبگیری نمی زنیم و زمانی این کار را انجام می دهیم که از نقطه نظر علمی، صاحب نظرانی که تابحال این مسئله را بی جسته اند به این نتیجه برسند که این آبگیری نمی تواند لطمehای اساسی به آثار آن منطقه وارد بکند. این اولین بار بود که معاون وزارت نیرو، مدیر منطقه ای آب استان فارس، معاونت سازمان میراث فرهنگی، رئیس پژوهشگاه باستان شناسی سازمان میراث فرهنگی، همه به آنچه آمدند و من این بحث گسترش را مطرح کردم و چهره دستاخته شده ای چون دکتر دادخواه، وکیل سرشناس ایرانی از طرف کانون وکلای مدافع حقوق بشر نیز از بعد حقوقی به مسئله حفظ میراث فرهنگی در چارچوب حقوق بشر پرداختند و در آن جلسه به شهادت فیلم های ویدیویی گرفته شده و نوارهای ضبط شده و بازتاب آن در نشریه های مختلف، آقایان متهمد شدند که تا زمانی که ما از نظر کارشناسی مشکل را برای آبگیری اعلام نکنیم دست به آبگیری سد نخواهند زد حال اگر بار دیگر زمزمه آبگیری سد سیوند مطرح شده است مسئله ای است که مثل همه مسائل دیگر حاکی از آن است که حاکمیت با تمام نیرو و به شدت از دید کارشناسی فاصله می گیرد و به هیچ نظر، نقد، توصیه و هیچ تکلیف علمی تن در نمی دهد.

میرصیاغی: از زمان آشکار شدن این قضیه تا بحال اقدامات گسترش از سوی نهاد های غیر دولتی و شخصیت های گوناگون برای جلوگیری از تخریب آثار باستانی دشت پاسارگاد صورت گرفته است و "کمیته بین المللی نجات دشت پاسارگاد" پیشاپنگ این جویان های اعتراضی بوده است. آیا شما اقدامات انجام گرفته در این زمینه را قابل قبول می دانید؟ چه راهکار هایی را برای تقویت این جویان پیشاپنگ می کنید؟

دکتر ورگاوند: بینید، متساقنه ما در ایران و در شرایط کنونی از در اختیار داشتن امکانات خیلی طبیعی و عادی برای برپایی نشستهها و فرآخوان دادن برای حضور علاقمندان در چهت بحث و تحلیل این مسائل در تگنای شدیدی هستیم به همین دلیل است که در مورد مسئله ساختمان جهان نما و لطمeh بینادیتی که این بنا بر میدان نقش جهان وارد کرده، من این مسئله را برای اولین بار در یک مصاحبه مفصل با بی بی سی اعلام کردم و در پی آن گفتگو سبب شد که در درون و بیرون از کشور یک مجموعه موضع گیری هایی صورت

پرونده را ارجاع دادند به یونسکو که یونسکو به آقای جلالی و بعد آقای خرازی اخته داد و بعد آقای خاتمی در اجلاس اوپک در اصفهان گفت که این ساختمان یک کاه است و در برابر کوهی از جواهر میراث فرهنگی ما ارزشی ندارد و باید تعديل شود و سرانجام طبق اخرين نظر هم که اداره حقوقی میراث فرهنگی داده باید چهار طبقه آن تخریب شود.

آیا این تخریب یا به بیان دیگر تعديل، به صورت کامل انجام شد؟ خیر. تاکنون یک طبقه و نیم آن تخریب شده و شهرداری در این مورد به مردم دروغ می گوید. حتا شهردار صراحتا در مورد من گفتند که این آقا بیکار است که دنبال این موارد می رود و من هم در پاسخ گفتم که بی کاری بهتر از این است که میراث فرهنگی را تخریب کنیم و البته اگر خیلی بیکار شدم مثل شما شهردار می شوم.

وسرانجام آن را چگونه می بینید؟

من به سرانجام پرونده جهان نما خیلی خوشبینم و تعديل آن دیر یا زود نهایتا باید صورت گیرد و نمی توانند از آن سر بازیزنند. از زمان اعلام ساخت و احتمال آبگیری سد سیوند تا به حال اقدامات گسترش ای از سوی سازمان های غیر دولتی و افراد گوناگون برای جلوگیری از تخریب آثار باستانی دشت پاسارگاد صورت گرفته است و در این میان کمیته بین المللی نجات پاسارگاد پیشاپنگ است. آیا شما اقدامات انجام شده را موثر می دانید؟ شما چه راهکار هایی را برای تقویت این جریان پیشاپنگ می کنید؟

متوجهه در وزارت نیرو تصویب شده که سد سیوند آبگیری شود که امیدواریم با بد نتیجه رسیدن این اقدامات این اتفاق نیفتند. من اقدامات انجام شده را موثر می دانم اما به نظر من بهترین راه این است که NGO ها و کمیته با استناد به نظر اداره کل امور حقوقی از صورت مستدل و از طریق قانونی برای بخورد با قانون شکنان وارد شوند.

به تنظر شما عملت اصلی بروز چنین خطواتی برای میراث فرهنگی ما چیست؟ دو عمل اصلی وجود دارد. یکی قوانین ما هستند که بسیار ناکارآمد هستند و بذر ازان مجریان بسیار بی قابلیت و ناقابل هستند. از شرکت شما در این گفت و گو سپاس گزارم. نوشته و گفتگو از دکتر شاهین سپتا

مصاحبه با دکتر پرویز ورگاوند باستانشناس و پژوهشگر برجسته ایرانی درباره سد سیوند

به شهادت فیلم های ویدیویی گرفته شده و نوارهای ضبط شده و بازتاب آن در نشریه های مختلف، آقایان متعدد شدند که تا زمانی که ما از نظر کارشناسی مشکل را برای آبگیری اعلام نکنیم دست به آبگیری سد نخواهند زد حال اگر همه مسائل دیگر زمزمه آبگیری سد سیوند مطرح شده است مسئله ای است که در گسترش این اقدامات دیگر حاکی از آن است که حاکمیت با تمام نیرو و به شدت از دید کارشناسی فاصله می گیرد و به هیچ نظر، نقد، توصیه و هیچ تکلیف علمی تن در نمی دهد.

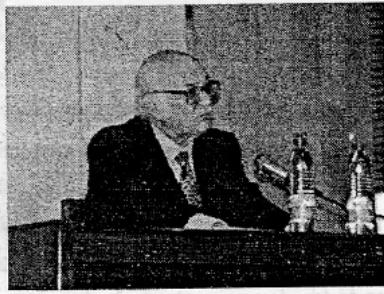
مشکل ما در ایران عبارت از این است که دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی بعنوان یک نیروی بازدارنده از هر گونه گردد های و برقراری جلسات در زمینه های فرهنگی در خارج از چارچوب دستگاه های وابسته به حاکمیت بشدت جلوگیری می کنند. بنابراین تنها چاره این است که در خارج از ایران این چهره های ایرانی صاحب قدرت از نقطه نظر مالی و موقعیت فرهنگی همتی کنند و غیرتی بخراج بدهند و بتوانند کانون های پاسداری از میراث فرهنگی ایران و پژوهش در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران را بوجود بیاورند

میرصیاغی: از آنجایی که شما اولین شخصیت سرشناس در داخل ایران بودید که به طور علنی و رسمی به آبگیری سد سیوند اعتراض کردید، ممکن است

می بودند و به تنها چیزی که توجه و عنایت ندارند این است که در قبال حفظ میراث فرهنگی مملکت باید اقدامی کرد و ذهن جوامع مختلف در دنیا را به نحوه برخورد نامعقول حاکمت با این آثار معطوف سازند.

میرصیافی: ظواهر امر حکایت از آن دارد سازمان میراث فرهنگی، متولیان پروژه های عمرانی را موظف کرده است که قبل از انجام هر پروژه سد سیوند سازمان استعلام گرفته شود تا از وقوع مسائل شیبیه به پروژه سد سیوند جلوگیری شود. پرسش من این است که این طرح سازمان میراث فرهنگی تا چه میزانی ضمانت اجرایی دارد؟ چرا مستوان و متولیان چرا تا کنون به این قضیه فکر نکرده بودند؟

دکتر ورجاوند: من دانید که در بعد از انقلاب مسئولیت وزارت فرهنگ و هنر در دولت وقت بر عهده من قرار گرفت ولی به دلیل اینکه جماعتی می داشتند



من با تمام تیرو در مسیر حفاظت از این آثار تلاش خواهم کرد و نه تنها درباره این آثار بلکه دیگر آثار هنری، موزه ها و گسترش فعالیتهای و فضای باز فرهنگی گام بر خواهم داشت و خواهم کوشید تا گشایش چشمگیری را برای فعالیتهای فرهنگی و هنری در ایران ساماندهی بکنم، با قدرتھایی که بصورت دولت سایه که من خواستند دولت وقت را در زیر سلطه قرار بدهند در غیر چالش شدند و سرانجام حتی قبل از اینکه عمر دولت وقت به پایان برسد ناگزیر شدم برای توجه دادن به جامعه درباره تکنایی که می خواهند بر حرکتھای فرهنگی و هنری تحمیل کنند از سمتی که داشتم استعفا بدهم و کنار بروم. مسئله اساسی این بود که از اول، دستگاه حکومت پس از انقلاب تلاش فراوانی را انجام داد که عمل تلاش برای حفظ میراث فرهنگی پدیده مطبوع نباشد یعنی به شمار زیادی از این آقایان چه در کسوت روحانیت و چه غیر روحانیت هر وقت سخن از آثار شکوهمندی مثل تخت جمشید، پاسارگاد و مانند آن در ایران صورت می گرفت با یکار بردن کلمات من در اورادی طاغوتی و یاقوتی با آن برخورد می کردند و معتقد بودند که اینها نشانه های ساختارهایی است که ملت ایران باید آن ساختارها را نفی بکند.

مقاومت ملت ایران سبب شد که حاکمیت در این نگرش خود تغیراتی بدهد ولی در عمل هیچگاه برای دستگاهی که بنام وزارت فرهنگ و هنر بود و می توانست بعنوان یک وزارت خانه نقش قدرمندی را ایفا بکند و می توانست علکرد آن در مجلس موردنقد قرار بگیرد، اهمیتی قابل نبودند و ساختار آسرا تغیر دادند و از نظر ساختار اداری اثرا بصورت یک زیر مجموعه در اوراند که در عمل کوچکترین قدرتی در جهت اعمال حاکمیت درباره حفظ میراث فرهنگی نداشته باشد. این مسئله تداوم پیدا کرد تا زمانی که امتداد این مسئله را

بعنوان یک مجموعه پیوند یافته با جهانگردی از یکسو و سپس از با صنایع دستی پیوند دادند و تشكیلاتی را بوجود آوراند که اگر درست طراحی شده بود و به یک وزارت خانه تبدیل می شد، و مدیرانی با تجربه، کارشناس و تحصیل کرده و با قدرت را در آن می گماردند ولی متأسفانه این شرایط هیچ یک حاکم نشده است، بنابراین شهرداری ها، اوقاف، وزارت مسکن، وزارت صنایع در قالب ساختن شهرک های صنعتی و وزارت کشاورزی در قالب پروژه های گستره کشاورزی، وزارت نیرو در قالب پروژه های سد سازی، وزارت را در قالب پروژه های واه سازی، یعنی عده ارگانهای این مملکت و وزارت خانه ها با اقتدار هر چه تام تر بدون اینکه کوچکترین نظر خواهی را از کادر کارشناسی میراث فرهنگی داشته باشند دست به اقدام می زند و پس از اینکه وارد فعالیت می شوند و پروژه های خود را به مرحله اجرا می رسانند، در حین عمل که با برخی از آثار

بگیرد. در خارج از ایران به دلیل امکانات گستره رسانه ای این کار می توانست در یک اندازه گستره مطرح بشود ولی جز در یک یا دو مورد و همین تشکلی که نام بر دید بویژه آقای دکتر نوری علاوه خانم شکوه میرزادگی که قضیه را پی جستند با کمال تاسف باید گفت این رسانه های به شدت پر شمار فارسی زبانی که در آنجا فعل هستند و می توانستند مسئله را به رسانه های بین المللی هم بکشانند، چنین همی از کسی دیده نشد. بنابراین بازتاب مسئله به گونه ای که در خور آن مسئله بود و بعد در پی آن همین مسئله رسیده از نظر بازتاب جهانی آنطور که می باشد از سوی جریانها و رسانه هایی که می توانستند به راحتی در این زمینه در خارج اقدام بکنند صورت نگرفت حتی جالب است که بدانید با آگاهی بر اینکه در درون ایران با وجود همه مشکلات من این مسئله را تعقیب می کنم به غیر از دو سه مورد رادبو های مختلف، این رسانه های دیداری که می توانستند از طریق توضیحاتی همراه با سند های تصویری موضوع را بازتاب دهند، هیچ گونه آمادگی از خودشان نشان ندادند. بنابراین ما در درون ایران همچنان در محدودیت هستیم یعنی در درون ایران متأسفانه به دلیل اینکه در ارگان های دانشگاهی حتی در ارگانهای دانشگاهی که در آنها رشته هایی مانند باستان شناسی، معماری و هنر وجود دارد از نقطه نظر کسانی که گردانده و مدیران این ارگانها هستند؛ نه تنها شناختی از این مسئله نداوند بلکه به هیچ عنوان آنرا به عنوان مسئله پر اهمیت مورد توجه قرار نمی دهند و به دانشجویان امکان داده نمی شود تا کنفرانس هایی با شرکت صاحب نظران تشکیل دهند. هم اکنون برای کتبیه های گل نوشته تخت جمشید که در این چند ماه اخیر مطالبی در مورد آنها مطرح شده، دو تا سه تشكیل غیر دولتی دانشجویی در تلاش هستند تا در یکی از تالارهای دانشگاهی و فرهنگسرایها که همگی خالی هستند جلسه ای تشکیل دهند تا در آنجا من بتوانم اهمیت این کتبیه ها و ارزش معنوی آنها را از نقطه نظر پیشینه بسیار بسیار افتخار آفرینی که در جامعه ایران در زمینه نجوه بروخورد با جامعه کارگری، متخصصان و هنر افرین ها داشته، مورد بحث قرار بدهم ولی هنوز این جوانها با تمام علاقه ای که به خرج می دهند و تلاشی که می کنند موفق نشده اند که یک تالاری را برای دو تا سه ساعت در اختیار بگیرند. یعنی دانشگاه ها، شهرداری و تسام دستگاههایی که امکاناتی در اختیار دارند برای اینکه بشود از آن امکانات در زمینه اکاهی دادن به مردم، نشان دادن فیلم، اسلامید، تصویر و نمایشگاه و سخنرانی در جهت تشویق جامعه به حفظ و نگهداری از میراث فرهنگی و در جهت بازداشت مسئولین از اقداماتی که می تواند لطمہ به این آثار بزند، هیچ یک آمادگی در اختیار گذاردن آن امکانات را ندارند. بنابراین من نه تنها آنچه را که تا کنون صورت گرفته است کافی نمی دانم بلکه به شدت ضعیف می بینم و معتقد هستم تا یک حرکت به شدت گستره در درون و بیرون از ایران صورت نگیرد ما همه روزه شاهد این خواهیم بود که به یک اثر لطمہ بخورد. من جرات این را دارم که بگوییم تقریباً روزی در این سرزمین نیست که یک اثر ارزشمند فرهنگی قبل از اسلام و بعد از اسلام ایران مورد تجاوز قرار نگیرد، در یک بافت قدیمی آثاری را از هم نفرنگ، به یک مجموعه بنا لطمہ وارد نکنند و یا بنایهای بسیار شکوهمندی مانند مجتمعه کم تظیر کوه خواجه در نزدیکی زابل را به امان خدا رها نکنند که بر اثر تابش آفات در تابستان ها و یا بارش های سیل اسای فصلی، امروز بیم آن می رود که این بنا به نابودی کشانده شود. بنابراین برای تجات میراث فرهنگی ایوان نیاز به یک همت بالایی است که ما در درون ایران افرادی که علاقه داشته باشند و همت این کار را داشته باشند فراوان داریم ولی موافق بازدارنده از سوی حاکمیت انقدر گستره است که امکان یک حکمت اثر بخش را در جامعه نمی دهد و آن اینوه هموطنانی که در فراسوی مرزاها هستند و از امکانات گستره مادی و آزادی کامل برای برپایی مراسمه و طرح مسئله مهم حفظ میراث فرهنگی در اختیار دارند و می توانند گام های بلندی را بردارند جز چند تنبی بقیه را می توان گفت که در یک خواب بلند مدت به سر

این مناطق، که اکنون من و شما از آنها یاد میکنیم، نقشه های باستان شناسی دورانهای مختلف باید مشخص بشود تا پس از تاریخ باید روشن باشد، حیرم آنها باید معین باشد، موقعیت بافت هایی که باید مورد محافظت قرار بگیرند در نقشه تثبیت شود و هیچ ارگان و قدرتی حق این را نداشته باشد که در آنجا خشت روی خشت بگذارد مگر اینکه پروژه عمرانی در چارچوب یک کمیته کارشناسی با نظر مثبت باستان شناسان و معماران متخصص مورد تائید قرار بگیرد. بنابراین در شرایطی که سازمان میراث فرهنگی از زمانی که شکل گرفته است بطور مداوم در شرایط افت و خیز قرار گرفته است و هیچگاه تلاش نشده است که یک مدیری در آنجا به کار گمارده شود که از یک شناخت و جامعیتی برخوردار باشد. در یک زمانی یک مدیری را به سازمان میراث فرهنگی آوزدند که دارای یک ذهنیت هنری بود که مهندس معمار هم بود و اپراز علاقه ای هم به مسائل باستان شناسی و مرمت آثار می کرد، ولی امکانات محدودی را در اختیارش گذاشتند بعد هم این شخص را به همراه مجموعه ای از افراد خبره و سابقه دار سازمان میراث فرهنگی در جریان تغییرات پولیسیتی دولت اخیر از کار برکنار گردند و مدیرانی را از اینجا و آنجا به جای ایشان گماردند. بنابراین مسئله این است که تا شما یک سازمان قدرتمند را برای این مسئله بوجود نیابوید و این سازمان تواند دستگاه های مدیریتی خودش را در استانهای مختلف به گونه مطلوب مستقر کند، تا نقشه های معین تهیه نشود و تا زمانی که این مسئله با توجه به این تجاوز های پی در پی که صورت می گیرد در قالب یک قانون خلی محاکم، مجدد به تصویب مجلس نرسد و مجازات های سنگینی را برای کسانی که دست به این ویران گردی ها می زندن، در نظر نگیرند، باز هم شاهد افتضاحات دیگری خواهیم بود، نظری کاری که شهرداری اصفهان در مورد حمام خسرو آقا انجام داد و این حمام را از بن برانداخت یا با روابط خاصی مقامات استان اجازه دادند که برج جهان نما ساخته شود و الان هم با قدرتی تمام در مقابل تمام افراد و سازمانها از جمله یونسکو ایستاده اند تا تخریب لازم را در بخش ارتفاعی ساختمان انجام ندهند. در مورد همین متروی اصفهان و در همان زمانی که مسئله جهان نما مطرح بود، به دلیل اینکه شهردار و استاندار اصفهان یک ذهنیت مشتبی در مورد این مسئله داشتند از من دعوت بعمل آورند و من به آنجا به عنوان حکم رفته و در آنجا در مورد کاستن از ارتفاع برج جهان نما با توضیحات مفصلی که برای مجریان دادم، نظر من پذیرفته شد و هم در مورد مسیر مترو به جای اینکه از زیر چهارباغ بگذرد قرار شد از خیابان شمس آبادی بگذرد بدون اینکه از نقطه نظر فنی و مالی تفاوتی را بوجود بیاورد و توضیح دادم که چرا مترو نباید از زیر خیابان چهار باغ عبور بکند و ما باید در آینده نزدیک این شناس را داشته باشیم که در خلی غربی چهار باغ دست به کاوش هایی بزنیم که آثار باستانی مربوط به دوران صفوی را بیرون بیاوریم، بنابراین وقتی شما متروی اصفهان را از زیر چهارباغ عبور می دهید، تمام برنامه های جانی قصبه را از بین می بردید و دیگر اینکه ما باید در مسیر چهار باغ در جهتی حرکت بکنیم که در آینده بتوانیم به احتمال چهار باغ را با تمهیداتی که در پیش خواهیم گرفت، از حالت سواره رو، دست کم بخش بین زاینده رود و دروازه دولت را خارج کرده و از ترافیک دور بکنیم و وسایل نقلیه خاص مانند نوعی خاص از تراموا را در آنجا بکار بگیریم و آنجا را بعنوان یک منطقه توپیستی که از نظر وسایل حمل و نقل دارای ویژگی های خاصی مانند کالسکه های قدیمی و غیره باشد معرفی کنیم. درست در همین موقع می بینیم که اقایان مرکز غنی سازی اورانیوم را در کنار شهر اصفهان برپا می کنند که اگر یک زمانی با این زمزمه هایی که وجود دارد قرار شود تهاجمی به این مراکز اتمی ایران بشود اتفاق ممکن است که دست خودمان شرایطی را بوجود می آوریم که شهری مانند اصفهان را که شما به رحمة می توایند مشابه اثرا در دنیا بیاید در معرض سهمگین ترین خطر ویرانگری قرار می دهیم. بنابراین مجموعه این مسائل حکایت از این دارد که در این تصمیم گیری ها نه خرد واقعی و نه شناخت علمی دخالت دارد و نه اصلاً اعتقادی به

برخورد می شود و آنرا هم مردم اطلاع می دهند، آنها ناگزیر می شوند در برخی موارد و نه همیشه بگونه ای اجازه دهند که سازمان میراث فرهنگی در حوزه خود وارد عمل نمایند. هم اکنون من دو جا را می توانم نام ببرم . یکی نیروگاه برق کارزون که در آنجا آقایان وقتی با بلدوزور کار می کردند، جوانان منطقه که من را می شناسند از طریق تماس تلفنی ، نامه و ارسال عکس خبر از تحریب آثار باستانی دادند . با یدين عکسها متوجه شدم که این آثار متعلق به ساسانیان است که در بین آنها یک کتیبه با بیش از یک متر طول وجود دارد . من به دلیل اینکه هنوز شماری از شاگردان ساقم که کارشناسان بسیار صممی هستند و در سازمان میراث فرهنگی مشغول به کار می باشند، با آنها تعامل گرفتم و توانستند یک نفر را به آن منطقه بفرستند تا لا اقل آن کتیبه دوران ساسانی را به شیراز ببرند . هم اکنون در منطقه راهبردی سدی است با نام "جهه" که یک سد قوسی شکل متعلق به دوران ساسانی است که ارزش های بالایی را از لحاظ تکنیک سد سازی دوران باستانی ایران در بر دارد . در برابر آن سدی را دارند می سازند که اگر روزی این سد را آبگیری کنند، این سد ۱۷۰۰ ساله متعلق به ساسانیان که در طول زمان هیچ چیزی تواتسته در آن رخنه ایجاد کند بطور کامل در دریاچه پشت سد غرق آب می شود . بنابراین موازین قانونی حکم می کند هر پروژه عمرانی که از اولین گام مطالعاتی، مسیر یابی و مکان یابی همراه با کارشناسان باستان شناسی مورد بررسی قرار گیرد، ولی تا حال یکبار هم نشده است که ارگانهای مختلف به این مسئله تمکین کنند و بخواهند که چنین روندی انجام بگیرد و بنا بر این چیزی در عمل قدرت اعمال حاکمیت در حوزه کاری خود را ندارد و از سوی دیگر با تغییراتی که در این دولت بوجود آمده است و گروه پر شماری از کارشناسان با ارزش سازمان میراث فرهنگی را برکنار، بازنشسته و یا برآنده کرده اند و افراد نا آگاه با گستره علم باستان شناسی و حفظ میراث فرهنگی بیشتر پست های کلیدی را در اختیار گرفته اند، انتظاری نمی رود که آنها حداکثر در حد یک اعتراض ساده، مانند ارسال یک نامه در قبال لطمہ به میراث فرهنگی موضع قاطع و بازدارنده ای را اتخاذ کنند .

میرصایفی : همانطور که می دانید، پروژه احداث سد سیوند تنها طرح عمرانی نیست که در نهایت منجر به صدمه دیدن آثار باستانی خواهد شد . علاوه بر مواردی که شما نام بر دید پروژه عبور مترو از منطقه چهار باغ اصفهان، ساخت پل روگذر در عرصه و حیرم درجه یک شکارگاه خسرو پرویز در کراماتشاه، نمونه هایی دیگری از این دست هستند . آیا وقوع چنین جویاناتی تصادفی و بدون نیت خاص و تنها به دلیل عدم آگاهی است یا سوء نیتی در کار است ؟ دکتر ورگاوند : من فکر میکنم در پاسخ های گذشته به این مسئله به گونه ای اشاره کردم . دستگاهی که مسئولیت پاسداری از میراث فرهنگی ایران را بر عهده دارد، جز تعدادی از اعضا کادر این سازمان که باید به امور اداری و مالی پردازند، تمامی افرادی که در این سازمان کار می کنند باید باستان شناسانی باشند که اگر می خواهند به عنوان مدیر در آنجا کار کنند حداقل باید دوره کارشناسی ارشد را گذرانده باشند و بیهتر اینکه دوره دکتری خود را گذرانده باشند که ما برآنده باشند که دوره دکتری خود را پنج سال در کارهای اجرایی تجربه اندوخته باشند و یا مهندسان مهندسی که دارای مدرک تخصصی مرمت بافت و بنایهای تاریخی باشند که ما برای این کار در قبل از انقلاب امدهم دو دوره تکمیلی برای باستان شناسان و مهندسان معمار تشکیل دادیم که بانی آن من بودم و این افراد یک دوره فشرده و ستگین یک ساله را گذراندند که می شود گفت معتبر ترین کارشناسان و مهندسانی که طی سالیان دراز توانستند بار سازمان میراث را به دوش بکشند و هنوز چند تئی از آنها به گونه ای در این سازمان باقی مانده اند، نشان دادند که به اعتبار توانمندی هایشان قادر هستند در حوزه مدیریتی خودشان نسبت به اقدامات دیگر سازمانها پیش بگیرند . سالها فریاد زدیم که باید برای تمام

ایران و پژوهش در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران را بوجود بیاورند و به این ترتیب با توجه به رسانه هایی که امروزه دیگر دسترسی به آنها در سراسر ایران به نسبت کار آسانی است، بتوانند برنامه های سنتگینی را ساماندهی بکنند و آنرا منعکس بکنند و بگونه ای مستمر در طول هفته هر ویراتی را که در هر بخشی از میراث فرهنگی ایران صورت میگیرد بتوانند سریع بازتاب بدنه و بدین ترتیب بپذیرند که در کنار برخی اقدامات سیاسی، یک ملتی با ویژگی های ملت ایران اگر نتواند در بعد مسائل فرهنگی و تاریخی به یک خودشناسی آگاهانه دسترسی پیدا کند و هویت درخشان گذشته اش را چنان که باید نشناسد و از نمود های این هویت نتواند پاسداری کند بدون تردید در زمینه ایجاد تحولات سیاسی در جامعه ایران توفیق چندانی نصیب کسی نخواهد شد.

میرصیافی: سپاسگزارم.

حفظ میراث فرهنگی در گروهی از صاحبان قدرت وجود دارد . بنابراین میراث فرهنگی در ایران ستم رسیده ترین بخش از جامعه ایران است . این همه در حالی است که حفظ میراث های فرهنگی در بازتاب دادن ارزش هوت های ایرانی در دوران های مختلف، می تواند نسل جوان ایران را به دستاوردهای ارزشمند نیاکان خویش آگاهی بدهد و آنها را در جهت پاسداری از کل این میراث تشویق بکند و فضایی را بوجود بیاورد که ملت ایران بتواند از این آثار باقی مانده از میراث های ارزشمند گذشته اش در بعد تعالی بخشنیدن و پویا ساختن فرهنگ خود از یک سو و در بعد ایجاد همبستگی وحدت ملی از سوی دیگر بپرده های کلان ببرد . وبالاخره از یاد نبایم که اگر قرار شود روزی کار جهانگردی در ایران رونق بگیرد و به آسانی بتوانیم درآمد این صنعت را جایگزین فروش نفت خام کنیم، بیش از هر چیز عامل جذب جهانگردان همین میراث های فرهنگی و باقی مانده باقی مانده بافت های قدیمی شهر ها و روستاهای کهنه این سرزمین هستند.

میرصیافی : یکی از دلایلی که ما تا کنون نتوانسته ایم به نتیجه مطلوب برسیم این بوده است که اعتراضات و اقدامات فراوان ما فاقد یک سازماندهی مطلوب بوده است . بعنوان آخرین پرسش می خواهم بدانم که به نظر شما سازمان های غیر دولتی در گیر این جریان ، کارشناسان خبره و در کل مردم ایران به چه صورتی می توانند پیام روشن ، صریح و جامعی را برای مستوان و دولتمردان ارسال کنند که دیگر نه از این اتفاقات رخ بدهد و نه حتی فکر آن به سر کسی بزند ؟

دکتر ورجاوند: این مطلب را بارها گفته ام . ما تا نتوانیم یک انجمن قدرتمند در کشور بوجود بیاوریم که این انجمن قدرتمند از موقعیت ها و امکانات مناسب برخوردار باشد کار به جایی نخواهد رسید . عده مسئله عبارت از این است که سالیان دراز من در صدد ایجاد انجمن گسترشده ای با نام انجمن پژوهش و پاسداری از میراث فرهنگی ایران و کوشش برای بازشناسی ارث شهای تمدن و فرهنگ و تاریخ ایران بوده ام ولی با خواباطی که در دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی این مملکت وجود دارد امکان ایجاد چنین مجموعه ای که بتواند مکان داشته باشد ، سالن داشته باشد و دارای نشریه باشد و بتواند با برگزاری کنفرانس های تخصصی ، نیمه تخصصی و عمومی بتواند نظر مردم را جلب کند و بتواند روی این مسائل بگوئه ای معقول مانور بکند و اهمیت این مسئله را برای جامعه بازتاب بدهد، را از ما گرفته اند و نتوانسته ایم راه به جایی ببریم . حتی در وضع موجود که چند سازمان غیر دولتی فرهنگی در تهران و دیگر شهرستانها وجود دارد آنقدر اینها در زیر تنگنا قرار دارند که حتی از سخنرانی کردن افرادی مانند من که به هر حال مورد توجه نسل جوان هستیم و شناخت و آگاهی ما را نسبت به این مسائل می دانند به شدت ممانعت می شود . بنابراین من در وضع موجود شرایط مناسبی را برای ایجاد یک کانون قدرتمندی که بتواند با نیرومندی به میدان بباید نمی بینم . همین سه ماه پیش قرار بر این بود که در اصفهان برای مسئله مترو و عمارت جهان نما، یک نشست چند صد نفره در یک تالاری سامان داده بشود و از من هم دعوت شده بود که برای ایراد سخنرانی در آنجا حضور پیدا کنم ولی تنها دو روز مانده به اجرای این برنامه، همه چیز را بر هم زدند . حتی در حال حاضر در یکی از شهرهای اقماری کوچک اصفهان بنام گر، یکی از شخصیت های شناخته شده فرهنگی ایران به نام آقای ادیب برومند می خواستند بزرگداشت دو شاعر قرن هفتم و هشتم را برپا کنند که اجازه این کار را به ایشان ندادند . بنابراین مشکل ما در ایران عبارت از این است که دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی بعنوان یک نیروی بازدارنده از هر گونه گردهمایی و برقراری جلسات در زمینه های فرهنگی در خارج از چارچوب دستگاه های وابسته به حاکمیت بشدت جلوگیری می کنند . بنابراین تنها چاره این است که در خارج از ایران این چهره های ایرانی صاحب قدرت از نقطه نظر مالی و موقعیت فرهنگی همتی کنند و غیرتی بخراج بدهند و بتوانند کانون های پاسداری از میراث فرهنگی

کسانی که تاریخ خود را نمی شناسند، خود را نمی شناسند

انجمان فرهنگی ایران زمین در نظر دارد کارگاه تاریخ خود را برای علاقه مندانی که مایل به آشنایی گذرا با تاریخ ایران می باشند در قالب دوره آموزشی تدوین شده ای برگزار نماید.

کارگاه تاریخ ایران شامل سه دوره :

۱-پیش از تاریخ تا پایان شاهنشاهی هخامنشی

۲-سلوکیان، اشکانیان، ساسانیان و ورود اسلام به ایران

۳-دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار

علاقه مندانی که مایل به شرکت در این دوره ها می باشند می توانند به تاریخ ایران www.afraz.ir مراجعه نمایند و با فرستادن رایانه ای (ایمیل) در بخش تماس با ما تاریخ ایران برای ثبت نام اقدام نمایند و یا با رایانه ای (ایمیل): koroosh@gmail.com اقدام به ثبت نام نمایند.شایان ذکر است به دلیل محدودیت در ثبت نام اولویت با کسانی می باشد که زودتر اقدام به ثبت نام نمایند.